

مجموعه مقالات:  
صعود  
و سقوط  
یک امپراطوری  
(فساد، رانت و مافیہ)

مجموعه مقالات: صعود و  
سقوط یک امپراطوری

گردآورندگان: سونیا بیارکوب، مریمہ علی کریمی  
و سعید بہشتی متین

انتشارات دیگر گون

گردآورندگان: سونیا بیارکوب، مریمہ علی کریمی  
و سعید بہشتی متین





نشر دگرگون



---

# صعود و سقوط یک امپراطوری

مجموعه مقالات

سونیا سوارکوب، مرضیه علی‌کرمی و سعید بهشتی متین

---



نشر دگرگون

**Main Entry:** Savarkoob, Sonia

**Producer's Name and Title:** The rise and fall of an empire (corruption, rent and mafia) / Sonia Savarkoob & Marzieh Alikarami & Saeed Beheshti Matin

**Publisher Info:** Iran - Degargoun

**Descriptive:** 236 Page's

**ISBN:** 9781326293079

**Subject:** Essay collection — 14 Century

**LCC:** 2025/08/01

## **The rise and fall of an empire**

Sonia Savarkoob & Marzieh Alikarami & Saeed Beheshti Matin

---

**Publisher:** Degargoun

---

**Paging:** Company Mastaneh

---

**Cover designer:** Nowrahan

---

**Edition:** First edition, Summer 2025

---

**Printing and binding:** Mastaneh

---

**Book size:** 8.5 × 5.5 inches

---

**Circulation:** 200

---

**ISBN:** 978-1-326-29307-9

---

**Price:** 20 €

---

All rights and copyrights to this work are reserved for the "Author".



nashrdegargoun@gmail.com

**Publications Manager:**

00989330107207

سرشناسه: سوارکوب، سونیا

عنوان و گردآورندگان: صعود و سقوط یک امپراطوری (فساد، رانت و مافیا) / سونیا سوارکوب، مرضیه

علی کرمی و سعید بهشتی متین

مشخصات نشر: ایران - دگرگون

مشخصات ظاهری: ۲۳۶ ص.

شابک: ۹۷۸۱۳۲۶۲۹۳۰۷۹

موضوع: مجموعه مقالات -- قرن ۱۴

تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۵/۱۰

## صعود و سقوط یک امپراطوری

مجموعه مقالات - سونیا سوارکوب، مرضیه علی کرمی و سعید بهشتی متین

ناشر: دگرگون

صفحه آرا: شرکت مستانه

طرح جلد: نورهان

نوبت چاپ: اول - تابستان ۱۴۰۴

چاپ و صحافی: مستانه

قطع: رقیعی

تیراژ: ۲۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۱-۳۲۶-۲۹۳۰۷-۹

قیمت: ۳۰۰ هزار تومان

کلیه‌ی نشر و حقوق این اثر برای «مؤلف» محفوظ است.



nashrdegargoun@gmail.com

مدیر انتشارات: میلاد زنگنه

09330107207



## فهرست

مقدمه	۱۵
بخش اول	۱۷
فصل اول: چگونه جمهوری اسلامی ایران به بستری برای مافیا و فساد اقتصادی تبدیل شد؟	۱۸
فصل دو: از خصوصی سازی تا انحصار؛ ریشه های فساد در خودروسازی ایران ..	۲۲
فصل سوم: صعود و سقوط یک امپراتوری	۴۷
فصل چهارم: نگاهی به پرونده های قضایی صنعت خودروسازی	۵۳
بخش دوم: فساد در قوه قضائیه	۷۳
فصل اول: تاریخچه قوه قضائیه	۷۴
فصل دوم: ساختار و عملکرد قوه قضائیه در جمهوری اسلامی ایران ...	۷۸
فصل سوم: روسای قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران	۸۵
۱. آیت الله سید محمد بهشتی (۱۳۵۸-۱۳۶۰)	۹۱
۲. آیت الله عبدالکریم موسوی اردبیلی (۱۳۶۰-۱۳۶۸)	۹۱
۳. آیت الله محمد یزدی (۱۳۶۸-۱۳۷۸)	۹۲
۴. آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی (۱۳۷۸-۱۳۸۸)	۹۲
۵. آیت الله صادق آملی لاریجانی (۱۳۸۸-۱۳۹۸)	۹۲
۶. حجت الاسلام سید ابراهیم رئیسی (۱۳۹۸-۱۴۰۰)	۹۳
۷. حجت الاسلام غلامحسین محسنی اژه ای (۱۴۰۰-اکنون)	۹۴
فصل چهارم: تعریف فساد	۹۵
فصل پنجم: فساد در قوه قضائیه	۱۰۲
بخش سوم	۱۰۵

- فصل اول: عباس پالیزدار..... ۱۰۶
- فعایت‌های اقتصادی آیت‌الله امامی کاشانی..... ۱۱۳
- اختلاس در بانک‌ها و مؤسسات مالی..... ۱۲۵
- سوءاستفاده سرمایه‌گذاران پرنفوذ؛ وام‌های کلان بدون وثیقه..... ۱۳۶
- بانک توسعه صادرات؛ اتهامات مربوط به ارائه تسهیلات بدون ضمانت کافی به افراد خاص..... ۱۳۹
- پرونده فساد در شرکت ملی نفت ایران و پتروشیمی‌ها..... ۱۴۲
- تخلفات در پروژه‌های مسکن مهر..... ۱۴۵
- فساد در پروژه‌های سدسازی و وزارت نیرو..... ۱۴۹
- پرونده فساد در راه‌آهن و پروژه‌های حمل‌ونقل..... ۱۵۰
- تخلفات در پروژه‌های خودروسازی (ایران‌خودرو و سایپا)..... ۱۵۲
- پرونده تخلفات مناطق آزاد تجاری..... ۱۵۳
- رانت خواری در قراردادهای دولتی..... ۱۵۵
- محمود گودرزی (وزیر سابق ورزش و جوانان)..... ۱۵۷
- برادران لاریجانی (علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی و برادرانش)..... ۱۵۸
- افراد دیگر:..... ۱۶۲
- پرونده فروش سوالات کنکور..... ۱۶۲
- پرونده فساد در فولاد مبارکه..... ۱۶۳
- پرونده فساد در قوه قضاییه..... ۱۶۴
- پرونده فساد در صنعت پتروشیمی..... ۱۶۷
- پرونده فساد در سازمان تأمین اجتماعی ایران..... ۱۶۸
- پرونده فساد در وزارت صنعت و معدن..... ۱۷۰

۱۷۱	..... پرونده فساد در شرکت‌های وابسته به سپاه پاسداران
۱۸۵	..... بخش چهارم: فسادهای دیگر
۱۸۷	..... فصل اول: قرارداد کرسنت
۲۰۹	..... بخش پنجم
۲۱۰	..... فصل اول: مافیای سوخت در ایران
۲۲۱	..... بخش ششم
۲۲۲	..... فصل اول: اختلاس در نظام بانکی، داستان فاضل خداداد
۲۳۱	..... بخش هفتم
.....	..... فصل اول: فساد سیستماتیک در ایران؛ چرا برخوردی جدی صورت نمی‌گیرد؟
۲۳۲	.....





## درباره مولفان

**سونیا سوارکوب** متولد سال ۶۳ در شیراز است، مسیر تحصیل در رشته حقوق را آغاز کرد؛ اما سیاست و جامعه را در سال‌های پس از جنبش سبز عمیق‌تر شناخت. امروز، خود را عدالت‌طلبی می‌داند که میان قلم و خیابان، صدای نسلی شده است که هنوز به رؤیای آزادی و برابری دل بسته‌اند.

در ذهنش، همیشه این هشدار دولت‌آبادی تکرار می‌شود:

«بی‌عدالتی که عادت شود، انسانیت فراموش می‌شود.»

و او، با تمام توان، ایستاده است تا فراموشی انسانیت را به تعویق بیندازد.

Sonia Savarkoob, born in 1985 in Shiraz, began her academic journey in law but found a deeper understanding of politics and society in the years following Iran's Green Movement. Today, she describes herself as a justice-seeker - a voice of a generation still holding onto the dream of freedom and equality, standing between the written word and the streets.

In her mind, the warning of Mahmoud Dowlatabadi echoes

constantly.

*"When injustice becomes a habit, humanity is forgotten"*

And she stands, with all her strength, to delay the forgetting of humanity.

مرضیه علی کریمی

پژوهشگر مستقل و فعال در حوزه نقض حقوق بشر

**Marzieh Alikarami**

Independent researcher and human rights violations activist

سعید بهشتی متین

پژوهشگر آزاد و فعال در حوزه نقض حقوق بشر

**Saeed Beheshti Matin**

Independent researcher and human rights violations activist

## مقدمه

واژه خصوصی‌سازی، در بسیاری از کشورها همراه با رشد اقتصادی، افزایش رقابت و بهبود بهره‌وری است، اما در ایران، این سیاست اقتصادی به شکلی اجرا شد، که نه تنها به رشد اقتصاد منجر نشد، بلکه بستری برای شکل‌گیری مافیاهای اقتصادی شد که کنترل بخش‌های مهم اقتصادی کشور را بدست گرفتند. مبنای خصوصی‌سازی ایجاد رقابت سالم بود، اما اتفاقی که افتاد این بود که شرکت‌های دولتی به اشخاص و نهادهایی واگذار شدند که در بیشتر موارد تخصصی در آن حوزه نداشتند، بلکه از طریق روابط سیاسی و رانت، صاحب برجسته‌ترین و مهم‌ترین بنگاه‌های اقتصادی و کارخانه‌ها و شرکت‌ها شدند از طرفی تحریم‌ها و دو نرخی بودن ارز باعث ایجاد رانت و مافیا و فساد مالی شد افراد سودجو با بهانه‌های مثل دور زدن تحریم‌ها میلیاردها دلار ارز از کشور خارج کردند یا اجناس و کالاهای بی‌کیفیت و دارو و شیر خشک، تاریخ مصرف گذشته وارد کردند.

این کتاب که در واقع تحقیقات من و دوستانم در کلاس آشنای با حقوق بشر با جناب آقای منوچهر شفاهی بوده که نگاهی کوتاه و مختصر در دل ساختارهای فساد در ایران است. ابتدا به فرآیند خصوصی‌سازی و مسیر انحرافی آن در ایران پرداخته می‌شود و این پرسش را ایجاد می‌کند که چگونه این سیاست، که قرار بود اقتصاد را تقویت کند، خودش عامل گسترش فساد شد. سپس، به بررسی مافیای خودروسازی پرداخته می‌شود، صنعتی که پتانسیل آن را داشت که به یکی از موتورهای توسعه اقتصادی کشور تبدیل شود اما در انحصار گروه‌هایی قرار گرفت که

کیفیت را فدای سودهای نجومی کردند.

اما فساد فقط اقتصاد را تحت شعاع قرار نمی‌دهد و تاثیرش در همه ابعاد جامعه و دولت دیده می‌شود. در ادامه، به سراغ قوه قضائیه می‌رویم، نهادی که در وظیفه‌اش باید حافظ عدالت است، اما در بسیاری از موارد، خود به یکی از مراکز فساد تبدیل شده است. در این بخش، سعی کردم نمونه‌هایی از پرونده‌های مدیران عالی‌رتبه این قوه را بررسی کنم که چطور از موقعیت خود برای کسب منافع شخصی سوءاستفاده کردند. سپس، به یکی از مهم‌ترین افشاگری‌های تاریخ ایران پرداختم، پرونده عباس پالیزدار. وی با ارائه اسنادی از فساد گسترده در میان مقامات بلندپایه، پرده از حقیقتی برداشت که بسیاری سعی داشتند آنرا کتمان کنند. اما این افشاگری چه سرنوشتی داشت؟!

در انتها، پرونده کرسنت را به عنوان نمونه‌ای از پرونده‌های که رانت و فساد و بازی‌های جناحی منابع ملی را فدای منافع و اهداف شخصی عده‌ای خاص کرد را بررسی خواهیم کرد، قراردادی که ایران را متحمل خسارت‌های سنگینی کرد.

این کتاب، نتیجه ماه‌ها تحقیق و بررسی مستندات و گزارش‌های مختلف است. هدف من و دوستانتانم در کانون دفاع از حقوق بشر در ایران نه قضاوت، بلکه ارائه تصویری شفاف از فرآیندی است که چطور فساد سیستماتیک در ایران شکل گرفت و نهادینه شد. امیدوارم که این پژوهش بتواند به درک بهتری از راه‌های انحرافی اقتصاد ایران کمک کند و انگیزه‌ای برای تغییر باشد.

# بخش اول

## فصل اول: چگونه جمهوری اسلامی ایران به بستری برای مافیا و فساد اقتصادی تبدیل شد؟

جمهوری اسلامی ایران با شعارهای مثل عدالت‌خواهی، حمایت از مستضعفان و مقابله رانت‌خواری حکومت مردم سالاری روی کار آمد. اما بعد از گذشت بیش از چهار دهه از تشکیل حکومتش، حال خود به یکی از فاسدترین حکومت‌های جهان تبدیل شده است. خصوصی‌سازی، به‌عنوان یکی از ابزارهای کلیدی برای اصلاح ساختار اقتصادی ایران معرفی شد، اما این فرایند که قرار بود راهکاری برای بهبود اقتصاد و کاهش نقش دولت باشد، نه‌تنها به هدف خود نرسید، بلکه به ابزاری برای توزیع رانت و فساد و تقویت مافیاهای اقتصادی شد. در این فصل، به بررسی این مسیر که به انحراف کشیده شده و عواملی که خصوصی‌سازی را به بستری برای فساد تبدیل کردند، می‌پردازیم.

### چگونه خصوصی‌سازی به فساد منجر شد؟

در تئوری، خصوصی‌سازی باید رقابت اقتصادی را افزایش داده، بهره‌وری را بالا ببرد و دولت را از تصدی‌گری خارج کند. اما در ایران، این سیاست بدرستی اجرا نشد و به جای اصلاح اقتصادی، زمینه را برای رشد فساد و ایجاد مافیاهای اقتصادی گروه‌های فرصت طلب فراهم کرد. خصوصی‌سازی چند مرحله اساسی داشت.

۱. واگذاری واحدهای اقتصادی مهم به نهادهای وابسته به قدرت به‌جای بخش خصوصی واقعی، در بسیاری از کشورها خصوصی‌سازی به این معناست که بنگاه‌های اقتصادی دولتی

به کارآفرینان و شرکت‌های خصوصی مستقل فروخته شوند تا بازار رقابتی شکل بگیرد و رشد اقتصادی به وجود بیاید. اما در ایران، اکثر واگذاری‌ها نه به افراد مستقل و با حتی مشخص، بلکه به نهادهای وابسته به حکومت (از جمله سپاه پاسداران، بنیاد مستضعفان، ستاد اجرایی فرمان امام و آستان قدس رضوی) انجام شد. این نهادها به دلیل نفوذ سیاسی و اقتصادی خود، به امتیازات ویژه دسترسی داشتند و رقابتی واقعی را از بین بردند.

۲. فساد در فرآیند قیمت‌گذاری و ارزش‌گذاری واگذاری‌ها شرکت‌های دولتی اغلب با قیمت‌های غیرواقعی و کمتر از ارزش واقعی خود واگذار شدند. بسیاری از این واگذاری‌ها در مزایده‌های غیرشفاف غیر قانونی انجام شد و عملاً شرکت‌های سودآور به افرادی با نفوذ فروخته شدند. در برخی موارد، خریداران بدون پرداخت واقعی، صرفاً با دریافت وام‌های کلان از بانک‌های دولتی این شرکت‌ها را تصاحب کردند و در خیلی از موارد بدهی‌هایشان را تسویه نکردند.

۳. نبود نظارت و حسابرسی مستقل و شفافیت از جمله دلایل اصلی فساد در خصوصی‌سازی است. بسیاری از قراردادهای واگذاری پشت درهای بسته و بدون اطلاع‌رسانی عمومی و ایجاد شفافیت انجام شد. سازمان‌های نظارتی، مانند دیوان محاسبات و سازمان بازرسی کل کشور، یا ناتوان از ورود به این پرونده‌ها بودند یا خودشان شریک جرم بودند. نتیجه این شد که شرکت‌های واگذار شده نه تنها عملکرد بهتری پیدا نکردند، بلکه اغلب به دلیل سوءمدیریت یا چپاول منابع، ورشکسته شدند.

۴. ایجاد انحصارهای جدید و تشکیل باندهای مافیای به‌جای رقابت سالم شکل گرفت، در حالی که خصوصی‌سازی باید به رقابت بیشتر منجر میشد، در ایران نتیجه کاملاً برعکس بود. به‌جای اینکه شرکت‌های بیشتری در هر حوزه اقتصادی بوجود آید، یک یا دو شرکت وابسته به قدرت تمام بازار را در انحصار خود گرفتند. نمونه بارز آن صنعت خودروسازی است که دو

شرکت ایران خودرو و سایپا همچنان بازار را در کنترل خود دارند و با حمایت‌های دولتی، هیچ رقیب خارجی یا داخلی این بازار پر منفعت راه داده نمی‌شود.

۵. تبدیل نهادهای نظامی و امنیتی به نهادهای اقتصادی یکی از پیامدهای خصوصی‌سازی رانتی در ایران، افزایش نفوذ نهادهای نظامی و امنیتی در بازار اقتصاد بود. سپاه پاسداران که در دوران جنگ بیشتر یک ارگان نظامی بود، پس از جنگ وارد حوزه‌های اقتصادی شد و بسیاری از شرکت‌های دولتی را به تصاحب خود در آورد. این نهاد با استفاده از نفوذ خود، هم پروژه‌های کلان دولتی را در اختیار گرفت و هم در بخش خصوصی دخالت کرد. نتایج خصوصی‌سازی اشتباه در ایران به‌جای ایجاد اقتصاد پویا، چند پیامد مخرب به دنبال داشت:

الف) افزایش فساد و رانت‌خواری: به‌جای رقابت سالم و درست، حلقه‌ای از مدیران وابسته به قدرت، شرکت‌ها را میان خود تقسیم کردند.

ب) تشدید نابرابری اقتصادی: ثروت و دارایی کشور به‌جای اینکه میان مردم توزیع شود، در اختیار عده‌ای خاص قرار گرفت و فاصله طبقاتی بیشتر شد.

ج) نابودی تولید و اشتغال: بسیاری از شرکت‌های واگذار شده به‌سبب سوءمدیریت یا خروج سرمایه از چرخه تولید، ورشکسته شدند و هزاران کارگر بیکار شدند هزاران کارگر با حقوق معوقه در چرخه معیوب این اقتصاد جا ماندند.

د: تقویت مافیاهای اقتصادی: گروه‌هایی که از این روند سود و منفعت بردند، شبکه‌های قدرت و نفوذ خود را گسترش دادند و هرگونه اصلاح اقتصادی را ناممکن یا بی‌اثر کردند.

## چرا جمهوری اسلامی از مسیر عدالت‌خواهی به فساد سیستمی رسید؟

در ابتدای انقلاب، حکومت با شعار عدالت و مقابله با فساد آغاز به کار کرد. اما جنگ، تمرکز قدرت در دست عده‌ای خاص، نبود نظارت و اجرای نادرست سیاست‌هایی مانند خصوصی‌سازی،

به تدریج باعث شد تا جمهوری اسلامی خود به یک نظام فاسد تبدیل شود. به جای اینکه این نظام با رانت‌خواری و مافیای مبارزه کند، خود به یکی از بزرگ‌ترین حامیان آنها تبدیل شد. خصوصی‌سازی در ایران نمونه‌ای از این روند است، سیاستی که می‌شد به رشد اقتصادی و رقابت سالم منجر شود، اما به دلیل اجرای اشتباه همراه با فاسد و انحصارطلبانه، اقتصاد کشور را در دست گروه‌های خاص قرار داد.

اکنون پرسش این است، آیا این سیستم اصلاح‌پذیر است؟ یا مافیاهای اقتصادی آن قدر ریشه دوانده‌اند که تغییر در آن امکان ندارد؟

## فصل دو: از خصوصی سازی تا انحصار: ریشه‌های فساد در خودروسازی ایران

خصوصی سازی غلط منشأ خیلی از اتفاقات سیاسی و اقتصادی، اجتماعی در ایران شد، قرار بود مشکلات ملت را کم کنند اما فقط جیب عده‌ای خاص پر شد شرکت‌ها و کارخانه‌های و بنگاه‌های اقتصادی زیادی تحت تاثیر سوء مدیریت صحیح و خصولتی‌سازی به جای خصوصی‌سازی تعطیل، یا ورشکسته شدند کارگران زیادی اخراج شدند شمار زیادی با حقوق معوقه بیکار شدند و سفر ملت روز به روز کوچک تر شد.

خودرو سازی از جمله صنایع اصلی و مادر در ایران است و حتی میشه گفت بعد از صنعت نفت دومین صنعت مهم ایران است.

خودرو سازی به دلایل ذیل اهمیت ویژه‌ای دارد:

۱- ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی ایران و ۴ درصد نیروی کار (۷۰۰ هزار نفر) را به خود اختصاص داده است. (بر اساس گزارش منتشره توسط سازمان بهره‌وری آسیا (APO) در سال ۲۰۰۷ میلادی)

۲- صنعت خودرو بازار بزرگی برای فروش و عرصه کالای خود دارد در هر شهر و روستای هر چقدر دورافتاده می‌توان تقاضای برای محصولات این صنعت داشت.

۳- به دلیل اینکه صنعتی است که همیشه مورد توجه و حمایت و دخالت حکومت و دولتمردان بوده می‌تواند تاثیر بسیار زیادی روی تعیین خط سیاسی کلی و جزیی در کشور داشته باشد

۴- این صنعت اشتغال زایی زیادی دارد.

اما با تمام این مزیت‌ها مشکلات متعددی هم دارد.

## تاریخچه خودروسازی:

ایران صنعت خودروسازی قابل توجهی را با تولید سالانه تا ۱۵۰ هزار دستگاه خودرو در حکومت محمدرضا شاه پهلوی ایجاد کرد، اما پس از انقلاب ۱۳۵۷، به دلیل مشکلاتی مثل جنگ ایران و عراق و تحریم‌های بین‌المللی تولید به شدت کاهش یافت. از اوایل دهه ۲۰۰۰، تولید خودرو در ایران مجدد رشد چشمگیری داشته است. تولید انواع خودرو سواری و تجاری در ایران در سال ۱۳۸۴ از مرز یک میلیون دستگاه عبور کرد. ایران در سال ۲۰۰۹ رتبه پنجم رشد تولید خودرو، پس از چین، تایوان، رومانی و هند را داشت. بر اساس آمار OICA، تولید در سال ۲۰۱۳ به‌طور چشمگیری کاهش یافت و به کمتر از ۷۵۰ هزار دستگاه خودرو و انواع وسایل نقلیه تجاری رسید. تا سال ۲۰۰۱، ۱۳ خودروساز دولتی و خصوصی در ایران وجود داشت که دو شرکت ایران خودرو و سایپا ۹۴ درصد از کل تولید داخلی را به خود اختصاص داده بودند. ایران خودرو که زمانی رایج‌ترین خودرو در کشور را تولید می‌کرد (پیکان که در سال ۲۰۰۵ با سمند جایگزین شد) با ۶۱ درصد سهم بازار در سال ۲۰۰۱ بزرگ‌تر بود، در حالی که سایپا ۳۳ درصد از کل تولید ایران را در همان سال به خود اختصاص داد.

تولیدکنندگان ایرانی در حال حاضر انواع مختلفی از وسایل نقلیه از جمله خودروهای سواری، دو دیفرانسیل، کامیون، اتوبوس، مینی بوس و وانت را تولید می‌کنند. این بخش به‌طور مستقیم حدود ۵۰۰ هزار نفر (تقریباً ۲/۳ از نیروی کار) و بسیاری دیگر را در صنایع مرتبط استخدام می‌کند. حدود ۷۵ درصد از تولیدات داخلی را خودروهای سواری تشکیل می‌دهند، وانت‌ها بزرگ‌ترین دسته بعدی هستند که حدود ۱۵ درصد را تشکیل می‌دهند.

از دهه ۷۰ خصوصی سازی در دولت هاشمی رفسنجانی که معروف به دولت سازندگی بود مد نظر قرار گرفت در آن زمان خودرو سازی زیر مجموعه وزارت صنایع سنگین بود. سید محمد هادی نژاد حسینیان (وزیر صنایع سنگین در دولت‌های اول و دوم اکبر هاشمی رفسنجانی بود. وی مدتی نیز سفیر و نماینده دائم ایران در سازمان ملل متحد بود) وزیر وقت معتقد بود که چاره رفع مشکلات خودرو سازی، خصوصی سازی است. اولین قدم برای خصوصی سازی در دوران وزارت سید محمد هادی نژاد حسینیان با تاکید شورای امنیت برداشته شد.



(سید محمد هادی نژاد حسینیان)

در دهه هشتاد می‌شه گفت مافیای خودروسازی شکل گرفته بود اما تنها از طریق ارگان‌های دولتی و افراد با نفوذ به خواسته‌هایش می‌رسید اما بعد دهه هشتاد هم‌زمان با ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ بستری جدید برای سوء استفاده مافیای خودرو سازی شکل گرفت که بتواند با خرید شرکت‌های دیگر و گسترش دسترسی خود بتواند رأسا و بدون دخالت افراد دولتی

تصمیمگیری کنند و به اهدافشان برسند.

## اصل ۴۴ قانون اساسی:

اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی سازمان می‌یابد. بخش دولتی شامل تمامی امور اقتصادی است که به دلیل ماهیت خاص یا حساسیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی به طور مستقیم یا غیرمستقیم تحت مالکیت و نظارت دولت قرار دارد. بخش تعاونی شامل شرکت‌ها و موسساتی است که با رعایت مقررات اسلامی و به منظور تأمین نیازهای عمومی و بهبود وضعیت اقتصادی مردم از جمله تولید، توزیع و خدمات تأسیس می‌شوند. بخش خصوصی شامل کلیه واحدهای تولیدی، صنعتی و خدماتی است که با رعایت اصول اسلامی و بر اساس رقابت آزاد و بدون دخالت مستقیم دولت در فعالیت‌های اقتصادی، می‌توانند تأسیس شوند و با بهره‌گیری از سرمایه‌های خصوصی اداره شوند).

با توجه به اصل ۴۴ قانون اساسی و مفاد اصل ۴۳ و به منظور:

- شتاب بخشیدن به رشد اقتصاد ملی.
- گسترش مالکیت در سطح عموم مردم به منظور تأمین عدالت اجتماعی.
- ارتقاء کارایی بنگاه‌های اقتصادی و بهره‌وری منابع مادی و انسانی و فناوری.
- افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی.
- افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی.
- کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی.
- افزایش سطح عمومی اشتغال.

- تشویق اقشار مردم به پس انداز و سرمایه گذاری و بهبود درآمد خانوارها به اجرا درآمد. از سال ۷۹ که بخشی از سهام ایران خودرو وارد بازار بورس شد افراد حقیقی تا سقف معینی توانسته بودند سهام بخرند. سهام خودرو سازی به دلیل حمایت دولتی که در پشت خود داشت، سهام امنی تلقی می شد و مردم تمایل خرید به سهام این صنعت داشتند.



### • تشکیلات کروز:

محمد علی پور و حمید کشاورز صاحبان شرکت کروز هستند که یکی از اصلی ترین شرکت های هستند که قطعه به شرکت ایران خودرو می فروشند.

شرکت کروز هم شروع به خرید سهام ایران خودرو کرد. در سال ۸۸ آنها ۳/۵ درصد سهام ایران خودرو را به ارزش ۳۱ میلیارد تومن با دلار هزار تومانی آن سال ها خریدند.

شرکت کروز سال ۹۰ یک شرکت جدید همراه با خانواده خود تأسیس می کند، بنام تدبیر سرمایه آراد و طریق این شرکت هم مجددا سهام ایران خودرو می خرد، تا آخر سال ۹۰ آنها حدود ۴۰٪ سهام ایران خودرو را خریدند، شرکت کروز شرکت تولید قطعه بود و شرکت ایران

خودرو بعنوان شرکت بالا دست بشمار می‌آمد برآورد سهام آنها در سال ۹۰ حدود ۲۴۲ میلیارد با دلار ۱۲۰۰ تومان بود.

در واقع شرکت تدبیر سرمایه آزاد یک شرکت پوششی و جایگزین برای شرکت کروز بود. این شرکت در ۲۱ تیر ۱۳۹۰ تاسیس شد که اعضای هیئت مدیره آن خانواده علیپور و سروناز دختر آقای علیپور و خانواده آقای حمید کشاورز توچایی و همسرشان خانم فرزانه علمیه و دخترشان آرزو و پسرشان ابراهیم کشاورز بودند.



(حمید کشاورز توچایی و محمد علیپور)

محمد علیپور همراه با احمد کشاورز و همسرشون در اوایل دهه ۵۰ در دانشگاه صنعتی شریف (آریا مهر) تحصیل می‌کردند در همان سال‌ها مریم رجوی دانشجوی آن دانشگاه بود فعالیت‌های سیاسی بین این سه نفر در پیش از سال ۵۷ از زمان دانشجویی وجود داشته است. در سال ۵۹ که جنگ شد همه چیز از جمله سرمایه‌گذاری اقتصادی هم تحت تاثیر قرار گرفته بود در سال ۶۱ علیپور و کشاورز شرکت کروز رو با سرمایه‌ای ۴ میلیارد تومانی که هیچ

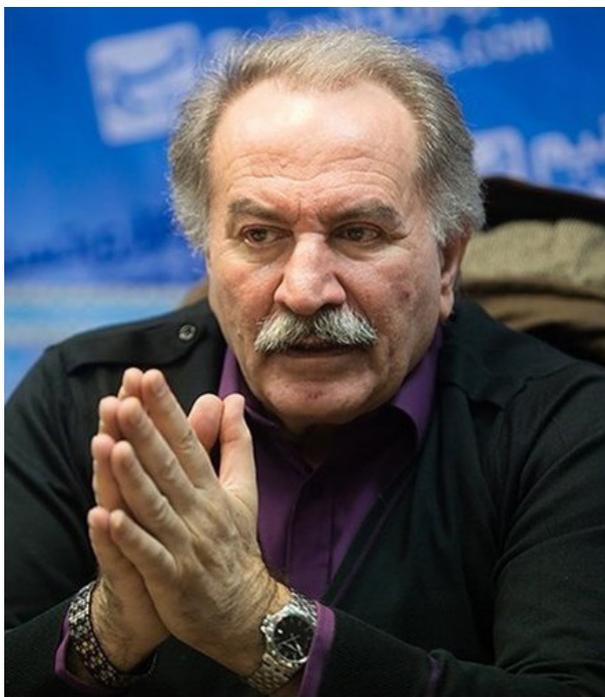
وقت منشأ آن مشخص نشد تأسیس کردند. (این دو بارها مدعی شدند که سرمایه اولیه ۱۰ هزار تومان بوده است.) این ادعای سرمایه گذاری با ده هزار تومان با توجه به رشد سریع این شرکت در صنعت خودروسازی که نیازمند به تجهیزات ویژه و گران قیمت است و رشوه‌های سنگینی که این گروه برای انجام کارهای خود داده‌اند و قاچاق‌های برنامه‌ریزی شده و سرمایه‌گذاری‌های که داخل و خارج کشور کردند امکان ندارد با سرمایه ابتدایی کم انجام شده باشد.

گفته می‌شود در سال‌های اول بعد انقلاب گروه‌های به قصد ورود به صنایع مهم و مادر مثل خودرو سازی وارد ایران شدند که که گروه کروزر هم یکی از این گروه‌ها بوده‌است. (اسناد موثقی برای این ادعا تا کنون منتشر نشده است.)

شرکت کروزر سال‌ها با ارتباط با افراد داخل دولت پیش رفتند تا به بهانه خصوصی سازی بستری برای دخالت‌های آشکارتر آن‌ها پیش آمد و آن‌ها را تبدیل به بزرگترین سهامداران ایران خودرو شدند امروز سهام کروزی‌ها ۲۴/۶ درصد و سهم گروه بهمن ۳۰٪ است، دولت به‌طور مستقیم حدود ۵/۷ درصد سهام دارد هرچند به‌طور غیر مستقیم از طریق شرکت‌های تو در تو سهام بیشتری دارد. هدف کروزی‌ها از سرمایه‌گذاری، کسب سود با خرید سهام نبود بلکه آنها می‌خواستند وارد هیئت مدیره خودروسازی شوند.

طبق ماده ۹۰ اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهار قانون اساسی شورای رقابت شورای رقابت این خلاف قوانین بود.

طبق این قانون قطعه سازها نمی‌توانند در هیئت مدیره شرکت‌های بالا دستی باشند اما کروزی‌ها خیلی راحت این قوانین را دور زدند. آنها با تأسیس چندین شرکت تو در تو قوانین را دور زدند این کار کروزی‌ها خطر انحصار رو زیاد می‌کرد.



(جمشید پژوهیان)

شواری رقابت در سال ۸۸ به منظور جلوگیری از انحصار و تسریع پیشبرد خصوصی سازی تاسیس شد. جمشید پژوهیان نیز رییس این شورا بود. علت این قانون این بود که وقتی قطعه ساز جزء هیئت مدیره است می‌تواند قطعه سازان دیگر را براحتی از رقابت خارج کند که این خلاف پیشبرد و رواج اقتصادی است، از طرفی وقتی سهامدار عمده در هیئت مدیره باشد می‌تواند در سیاستگذاری شرکت تاثیر بگذارد و برنامه ریزی را بنفع شرکت یا شرکت‌های خود یا گروه خاصی انجام دهد و حفظ سود یک عده مقدم بر حفظ سود عام شود.

در سال ۹۰ دکتر پژوهیان با یک نامه که به شرکت بورس میزنه و کروزها را از هیئت مدیره حذف می‌شوند، این اقدامات بخشی از تلاش برای کنترل بازار خودروسازی و جلوگیری

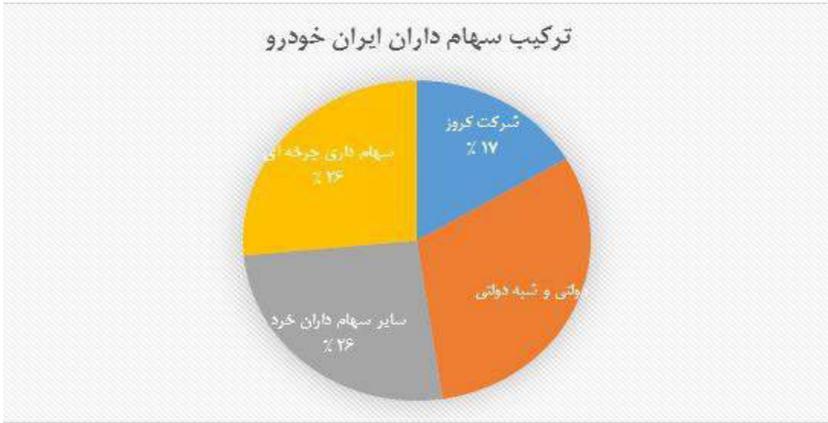
از انحصار در این صنعت بود، که ضربه محکمی به کروز بود. اما کروزی‌ها از راه دیگر وارد شدند، طی سال‌های ۹۱ و ۹۲ شک بزرگی به اقتصاد ایران به خصوص صنعت خودروسازی وارد شد. پراید از ۷ میلیون تومان به ۲۰ میلیون رسید در اواسط سال ۹۲ صنعت خودروسازی توسط آمریکا تحریم شد همزمان با این تحریم شرکت کروز و شرکت‌های وابسته هم ایران خودرو را تحریم کردند! و با نرساندن قطعات به خط تولید باعث گروکشی در صنایع و خودروسازان شدند. ۷۲ هزار خودرو در پارکینگ‌ها خوابید تنها به دلیل عدم وجود یک قطعه که منحصرآ باید توسط شرکت کروز وارد می‌شد. (این یک قطعه کامپیوتری بود که تولید داخلی هم داشت اما خریدار نداشت؟!).

با بالا رفتن قیمت و توافقات پشت پرده خودروسازی و دولت و کروز این مسأله حل شد و قطعات تامین شد.

در اسفند ۹۲ گزارشی از وضعیت وخیم خودروسازی از هیئت تحقیق و تفحص مجلس به ریاست علی علیلو در صحن علنی ارائه شد. این گزارش نشان می‌داد کروزی‌ها با انحصار و شبکه سازی و نرساندن قطعه باعث بر هم زدن نظم اقتصادی اخلال در اقتصاد و خوابانیدن خط تولید شده‌اند. پرونده‌ای آماده که نیاز به تحقیقات گسترده نداشت و همه مستندات پیوست شده بود رابه قوه قضائیه تحویل داد شد، طبق قانون قوه قضائیه باید طی مدت ۶ ماه به این پرونده رسیدگی می‌کرد و تعیین تکلیف می‌کرد، در این پرونده اولین چیزی که خیلی مهم بود این بود که شرکت کروز یک عضو در هیئت ریسه ایران خودرو داشتند که دقیقا خلاف قانون بود.

سهامداران/دارندگان (در پایان روز)	
سهام	درصد
15.230	2 B
12.290	2 B
10.240	2 B
7.630	1 B
5.010	767 M
4.980	763 M
4.300	659 M
3.030	464 M
2.990	458 M
1.930	297 M
1.730	266 M
1.570	241 M
1.510	232 M
1.260	194 M
1.060	163 M

۴ ماه بعد از نامه معروف پژوهیان کروز‌ها توانسته بودند با ۳ نقاب تو در تو از طریق شرکت پیشگامان بازرگانی گل‌یار یک صندلی از ۵ صندلی هیئت رییس را بدست بیاورند. حمید رضا منجی به عنوان اولین چهره کروز در ۲۸ اسفند ۹۰ به ایران خودرو نفوذ کرد. این جدول برگرفته از سایت بورس در تاریخ ۱۳۹۶/۰۹/۲۰ است که گویای ترکیب سهامداران شرکت ایران خودرو است.



(ترکیب سهام داران ایران خودرو در دی ماه ۱۳۹۶)

کروزی‌ها در سیاستگذاری داخلی ایران خودرو تاثیر می‌گذاشتند و اطلاعات و تصمیم‌گیری‌ها قبل از همه اطلاع داشتند و این شرایط رقابت دیگر قطعه سازها را زیر سوال برده بودند. بطور مثال ۱۲ قطعه از ۲۰۶ پژو رو انحصارا به کرور داده بودند، و حتی پا را فراتر گذاشته بودند از مدیر عامل ایران خودرو می‌خواهند که قائم مقام و سایر مسئولین را با نظارت و هماهنگی آن‌ها تعیین شود از طرف پول و قدرت هم در دست کروزی‌ها بود.

۶ ماه از طرح شکایت گذشت ولی خبری از قوه قضائیه نشد. تقریبا سه سال گذشت، مجلس

نهم تمام و مجلس دهم شروع شد ( رئیس مجلس علی لاریجانی)

یکی از اعضای مجلس در نامه‌ای چند خطی از طرف قوه قضائیه اعلام کرد: که در تحقیقات انجام شده شرکت کرور و ایران خودرو هیچ تخلفی یافت نشد. «در مجلس دهم، علی‌اکبر کریمی، نماینده اراک، یکی از افرادی بود که اعلام کرد قوه قضائیه در تحقیقات خود تخلفی از شرکت کرور و ایران خودرو نیافته است. این موضوع در زمان بررسی شکایات مربوط به این دو شرکت مطرح شد و نماینده مزبور ضمن اشاره به نتایج تحقیقات قوه قضائیه، تأکید کرد که

ادعای تخلف در این شرکت‌ها تأیید نشده است.» نفوذ کרוزی‌ها در قوه قضائیه یا عدم رسیدگی صحیح، در هر صورت نتیجه مختومه شدن پرونده در آن زمان بود.

بین سال‌های ۹۰ تا ۹۵ کרוزی‌ها خرید سهام داشتند و توانستند با مافیا و رانت فروش خودشون به ایران خودرو افزایش دهند و صنعت خودروسازی را به خود وابسته کردند.

با ۱۸/۷ سهم آن‌ها بزرگ‌ترین سهام‌دار ایران خودرو بودند.



## • گروه بهمن

تا سال ۹۵ گروه بهمن سومین خودروساز ایران بود.

گروه بهمن یکی از قدیم‌ترین خودروسازان کشورمان است و در روزهایی که ایران خودرو و سایپا با زیرمجموعه‌های خود در حال تولید و عرضه خودرو بودند، گروه بهمن نیز به عنوان سومین شرکت فعال در صنعت خودرویی کشورمان تلقی می‌شد. شرکت بهمن موتور در سال ۱۳۳۱ و با نام شرکت سهامی ایران خلیج کو و با هدف شرکت در امور حمل و نقل دریایی به ثبت رسید. این شرکت در سال ۱۳۳۸ از وزارت صنایع و معادن توانست مجوز ساخت و تولید و مونتاژ موتورسیکلت را به دست آورد.

از سال ۱۳۵۰ و با افزایش سرمایه این شرکت به ۴۰۰ میلیون ریال، وانت‌های سه چرخه و سِپا با توانایی حمل بار به مقدار ۲۰۰ کیلوگرم آغاز شد و بعد از آن هم وانت‌های مزدا ۱۰۰۰ با تناژ حمل بار به مقدار ۵۰۰ کیلوگرم و مدل ۱۶۰۰ با ظرفیت یک تن، به این لیست تولید و سبب محصولات اضافه شدند. در واقع می‌توان گفت آغاز به کار گروه بهمن با وانت‌های مزدا بود که توانست سهم زیادی از بازار را به خود اختصاص دهد و از طرفی، نام گروه بهمن را با وانت‌های باکیفیت مزدا بر سر زبان‌ها بیندازد.

در آن زمان گروه بهمن مزدا، کامیون ایسوز مونتاز می‌کرد که پر طرفدار هم بود، کרוزی‌ها با تأسیس یک شرکت جدید بنام ویسمین موتور در سال ۹۳ وارد شرکت بهمن شدند. این شرکت سه مدیر داشت که شامل:

- ۱- آقای سهراب مقدم است که در شرکت توسعه صنایع وینارت هم بود.
  - ۲- علی رحیمی که در نمایندگی پیشرو صنعت ویسمین هم پست مدیریتی داشت.
  - ۳- حسن معتمدی که در شرکت تدبیر سرمایه آراد هم پست مدیریتی داشتند. هر سه این اشخاص با کרוزی‌ها در ارتباط بودند.
- کمی بعد شرکت تدبیر سرمایه آراد جای خودش را به هلدینگ سرمایه گذاری توسعه راهبردی رازکو می‌دهد.

### • هلدینگ سرمایه‌گذاری توسعه راهبردی رازکو:

هلدینگ سرمایه‌گذاری توسعه راهبردی راز با اسم تجاری (رایزکو) یک مجموعه صنعتی و سرمایه‌گذاری بزرگ در ایران است که در سال ۱۳۹۰ تأسیس شد. این هلدینگ در صنایع مختلفی فعالیت دارد، از جمله صنعت خودروسازی، قطعه‌سازی خودرو، نفت و گاز، و صنایع

غذایی. از مأموریت‌های اصلی این شرکت، افزایش ثروت و سودآوری پایدار برای سهامداران و تعهد به مسئولیت‌های اجتماعی است.

در حوزه خودروسازی، رایزکو یکی از سهامداران گروه خودروسازی بهمن است و به‌طور فعال در تولید قطعات خودرو مشارکت دارد. همچنین، این هلدینگ در توسعه بازارهای بین‌المللی و صادرات قطعات خودرو تلاش می‌کند. رایزکو همچنین در حوزه نفت و گاز سرمایه‌گذاری کرده و از توانایی‌های بالای ایران در این حوزه بهره‌برداری می‌کند. هلدینگ رایزکو (شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه راهبردی راز) توسط احمدرضا صمدی تأسیس شده است. صمدی با تجربه در صنعت خودرو و نوآوری، تأثیر چشمگیری بر توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی در کشور داشته است. او بنیان‌گذار کارخانه نوآوری آمپر نیز می‌باشد. کרוزی‌ها برای تصاحب شرکت بهمن این شرکت جدید را وارد بازی کردند همچنین شرکت اروند پیشرو یکی از زیر مجموعه‌های هلدینگ رایزکو بود که نقش اساسی در تصاحب گروه بهمن داشت.

شرکت اروند پیشرو: یکی از شرکت‌های زیرمجموعه هلدینگ رایزکو است که در صنایع خودروسازی فعالیت گسترده‌ای دارد و در تولید و تأمین قطعات خودرویی، از جمله سیستم‌های سوخت‌رسانی، هیدرولیک، و ترمز، نقش مهمی ایفا می‌کند. این شرکت در تصاحب گروه خودروسازی بهمن نقش کلیدی داشت. آنها صاحب ۲/۲۰ درصد سهام ایران خودرو بودند.

این گروه ۰۳/۶۲٪ سهام شرکت بهمن را از موسسه اعتباری کوثر خریدند و تبدیل به صاحبان اصلی این شرکت شدند.

### • نقش موسسه کوثر:

- سهام گروه بهمن به وسیله هلدینگ رایزکو از موسسه اعتباری کوثر خریداری شد اما این عمل نه تنها یک معامله اقتصادی ساده نبود، بلکه جنبه‌های پشت پرده هم

داشت. مهم‌ترین این جنبه‌ها می‌توان به تأثیرگذاری نهادهای شبه‌دولتی و نظامی در این فرآیند اشاره کرد. موسسه کوثر که ارتباطات نزدیکی با نهادهای نظامی داشت، به دلیل سیاست‌های جدید اقتصادی مجبور شد از برخی دارایی‌های خود، از جمله سهام گروه بهمن، کناره‌گیری کند. این خروج از مالکیت، با هدف کاهش بنگاه‌داری این نهاد و تمرکز بر فعالیت‌های مالی صورت گرفت. در این بین، رایزکو به عنوان خریدار اصلی سهام، با هدف افزایش نفوذ خود در صنعت خودروسازی، از این فرصت استفاده کرد. با این حال، برخی گزارش‌ها نشان می‌دهند که این معامله علاوه بر جنبه‌های اقتصادی، تحت تأثیر فشارهای سیاسی و تصمیمات پشت پرده قرار انجام شده است. براساس گزارش‌ها، تلاش‌های برخی گروه‌های اقتصادی و سیاسی برای تصاحب سهم بیشتری از بازار خودروسازی باعث شده تا این معامله فراتر از یک خرید ساده به چشم آید. از جنبه‌های دیگر این معامله، همکاری نزدیک بین رایزکو و موسسه کوثر بود که در برخی موارد به عنوان نوعی انتقال کنترل تحت نظر نهادهای قدرت تفسیر شده است. در واقع در عمل خصوصی سازی صنعت خودروسازی تبدیل به شخصی سازی شد، در اکثر موارد مبادلات و معاملات شرکت کروژ پولی جابجا نمی‌شد غالباً اینگونه بود که بدهی ساخته می‌شد و مابازاء بدهی سهام گرفته می‌شد.

گروه بهمن خودروی چینی را جایگزین مزدا کرد، در واقع نیاز بازار و امنیت جامعه در مقابل سود صاحبان سرمایه از اهمیت برخوردار نبود.

از جمله علت‌های این کار:

- ۱- تحریم‌ها بود و مشکلات واردات قطعات.
- ۲- خودروهای چینی هزینه تولید کمتر داشت.

۳- توسعه بازار خودروهای چینی در ایران

از عوامل منفی خودروهای چینی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- کیفیت پایین تر داشتند.

۲- کاهش اعتبار برند.

۳- رقابت شدید در بازار خودروهای چینی.

خانواده صمدی به خانواده‌های کشاورز و علیپور اضافه شد و انحصار خودرو در دست این سه خانواده بیشتر و بیشتر شد.

در میان شرکت‌های میانه‌ای بودند که نه به اندازه شرکت کروز‌ها و شرکایش قدرت داشتند نه خیلی کوچک، این شرکت‌ها با دیدن وضعیت بازار و صنعت تمایل به فروش پیدا کردند، بعضی از این فروش‌ها با تحدید و اجبار بود بعضی هم با میل شخصی، به هر صورت شرکت‌ها پشت سر هم واگذار می‌شدند. این مافیای جدید با نفوذ در ارگان‌های تصمیم‌گیری منجر به سود بردن اشخاص خاص مورد نظر خودشان شدند و در واقع بدون نفوذ در دولت و نهادهای تصمیم‌گیری امکان این گونه مبادلات وجود نداشت.



## • شرکت سایپا:

شرکت سایپا ابتدا به تولید خودروهای سیتروئن نظیر ژیان می‌پرداخت. این همکاری در دهه ۱۳۵۰ گسترش یافت و تولید محصولات بیشتری آغاز شد. پس از انقلاب: پس از انقلاب اسلامی و ملی شدن صنایع خودروسازی، سایپا تحت مدیریت دولتی قرار گرفت و تلاش برای بومی‌سازی تولیدات خود را آغاز کرد. در این دوران، تولید خودروهایی مانند پراید که تحت لیسانس کیا موتورز کره جنوبی بود، به یکی از اصلی‌ترین محصولات این شرکت تبدیل شد.

گسترش تولیدات: سایپا در دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ به سمت تولید خودروهای داخلی و همچنین همکاری با شرکت‌های بین‌المللی دیگر مانند نیسان، رنو، و برلیانس چین رفت.

مدیریت دولتی: سایپا همچنان تحت مالکیت دولت ایران قرار دارد و بخشی از سهام آن در بورس اوراق بهادار تهران عرضه شده است. دولت نقش بزرگی در تصمیمات مدیریتی و راهبردی این شرکت دارد. می‌توان گفت در دهه ۶۰ یک تیم قوی و قدیمی هسته مافیای صنعت خودروسازی را تشکیل داده بودند.

بهزاد نبوی: بهزاد نبوی، به عنوان یکی از چهره‌های برجسته در سیاست و صنعت ایران، نقشی کلیدی در مدیریت صنایع مختلف کشور به ویژه در دهه ۶۰ و ۷۰ ایفا کرده است. او به‌طور مستقیم در مدیریت صنعت خودروسازی ایران حضور نداشته، اما به واسطه موقعیت‌هایش در دولت، از جمله در وزارت صنایع سنگین، بر سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های صنعتی کشور تأثیرگذار بوده است.

رضا ویسه: رضا ویسه یکی از مدیران برجسته صنعتی ایران است که در حوزه‌های مختلف اقتصادی و مدیریتی، به ویژه در صنعت خودروسازی، نقش مهمی داشته است. او در دهه‌های گذشته به عنوان مدیرعامل سایپا و همچنین در سمت‌های کلان دولتی مانند معاونت صنعتی ریاست‌جمهوری و رئیس سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (ایدرو) فعالیت کرده است.

### • خرید شرکت تالبوت توسط سایپا:

خرید شرکت تالبوت توسط سایپا در دهه ۱۹۸۰ اواخر دهه ۵۰ شمسی با اهداف خاصی انجام شد، اما دلایل این خرید و شرایط آن پیچیدگی‌های زیادی داشت. سایپا به دنبال افزایش تنوع محصولات و به‌روز کردن فناوری‌های تولید خود بود. تالبوت، به عنوان یک خودروساز با سابقه و معتبر در اروپا، می‌توانست به سایپا کمک کند تا به فناوری‌های مدرن و طراحی‌های جدید دست یابد. در آن زمان، تالبوت با مشکلات مالی مواجه بود و در حال ورشکستگی بود. سایپا این فرصت را برای خرید شرکت مناسب دانست. به عنوان مثال، تالبوت به عنوان یک برند شناخته‌شده و با تاریخچه‌ای طولانی، می‌توانست در بازار ایران موفقیت‌آمیز باشد. این تصمیم تحت مدیریت مقامات سایپا و به ویژه مدیران ارشد از جمله رضا ویسه و بهزاد نبوی اتخاذ شد. این اقدام همچنین با حمایت دولت وقت و نهادهای مربوطه در صنعت خودروسازی ایران صورت گرفت. دولت به عنوان ناظر بر صنایع و به‌ویژه در شرایط جنگ و تحریم‌ها، به دنبال

تقویت تولید داخلی و خودکفایی در صنعت خودروسازی بود. پس از این خرید، سایپا توانست مدل‌های جدیدی را معرفی کند و به تولید خودروهایی مانند پراید بپردازد که به محبوبیت بالایی در بازار ایران دست یافتند، اما به مرور زمان، مشکلاتی در این همکاری بوجود آمد و تغییرات اقتصادی و سیاسی تأثیرات منفی بر عملکرد این برند گذاشت.

محمد حسن شجاعی فرد رئیس پژوهشکده مهندسی خودرو می‌گفت: در زمان جنگ اصلاً به این فکر نمی‌کردیم کسانی دنبال منفعت خود هستند و مخالفتی هم اگر بود ما می‌گفتیم اختلاف نظر است اما پشت این اختلاف‌ها بعدها مشخص شد که مافیا شکل گرفته است.

در سال ۷۱ همزمان با ورود کروز‌ها به صنعت خودرو احمد قلعه بانی شرکتی تأسیس کرد که بتواند کل ایران خودرو را کنترل کند و اسن شرکت ساپکو بود.

یک سال بعد رضا ویسه شرکت ساپکو را تأسیس و احمد قلعه بانی قائم مقام شد.

رمضان علیپور کیانوش پورمحبیب عضو هیئت ریسه ساپکو شدند. این شرکت واسطه قطعه سازها و ایران خودرو بود در این زمان جنگ رو اتمام بود و دوره جدیدی در صنعت خصوصاً صنعت خودروسازی داست شروع می‌شد و این همزمان شد با تشکیل مافیای خودروسازی ایران قطعه سازهای بزرگ کنار زده شدند و قطعه سازهای که مورد نظر مافیا بودند جلو آمدند. کل قطعات از چند شرکت خاص خریداری و تامین می‌شد.

۱. مگاموتور: یکی از شرکت‌های بزرگ تأمین قطعات موتوری برای خودروهای داخلی، به‌ویژه محصولات سایپا.

۲. سازه‌گستر سایپا: یکی از بزرگترین تأمین‌کنندگان قطعات برای سایپا، که در حوزه تأمین قطعات و مجموعه‌های خودرو فعالیت می‌کند.

۳. ایساکو: شرکت تأمین و توزیع قطعات یدکی ایران خودرو که یکی از مهم‌ترین زنجیره‌های

تأمین قطعات پس از فروش نیز به‌شمار می‌رود.

۴. کروز: یکی از بزرگترین و مطرح‌ترین تولیدکنندگان قطعات خودرو در ایران، که با خودروسازان بزرگ مانند ایران خودرو و سایپا همکاری نزدیک دارد. این شرکت بخش زیادی از قطعات الکترونیکی و سیستم‌های داخلی خودروها را تأمین می‌کند.



کروزی‌ها تامین کننده قطعات و ساپکویی‌ها خریدار بودند بجای ایران خودرو ساپکویی‌ها بودند که تصمیم می‌گرفتند از چه کسانی چه چیزی، به چه قیمتی بخرند و به خط تولید ایران خودرو برسوند.

نگاهی به دهه هفتاد کنیم قرارداد پژو فرانسه ادامه داشت رضا ویسه مسئول پروژه آردی ، ۲۰۶، پارس و سمند در واقع پروژه شکست خورده پژو پرشیا را خریده بودند در همین پروژه بود که انحصار کروزی‌ها بیشتر از قبل شد. سیستم‌های کنترل الکترونیکی (ECU) و قطعات داشبورد، شامل نمایشگرها و کنترل‌های الکترونیکی، از جمله محصولاتی بودند که در انحصار

این شرکت قرار داشتند.

تا سال ۷۸ سایکو زنجیره تامین قطعات ایران خودرو را در دستان رضا ویسه بود در سال ۷۹ که اسحاق جهانگیری وزیر صنعت شد.

رضا ویسه سمت قائم مقامی شرکت ایران خودرو را بدست آورد یکسال بعد در سال ۱۳۸۰ معاون جهانگیری شد و صندلی سازمان ریاست سازمان گسترش، بزرگترین متولی صنایع کشور از جمله صنعت خودروسازی را تصاحب کرد.

صنعت خودرو از سال ۱۳۸۰ در انحصار رضا ویسه و قلعه‌بانی و پورمجیب بود.

در آن زمان پورمجیب و ویسه ۲ صندلی از سه صندلی هیئت مدیره ایران خودرو را اشغال کرده بودند علاوه بر این پورمجیب عضو هیئت مدیره سایپا و مدیر عامل مگان موتور و شرکت سایکو بود و یا شد.



پورمجیب مدیر عامل شرکت طراحی مهندسی و تامین قطعات ایران خودرو (سایکو) شد. (سال ۱۴۰۲)

سایپا از سال ۸۰ تا ۸۶ در دست قلعه‌بانی بود ایشان در طی این سال‌ها به طور موازی با

حفظ سمت توی ۱۳ مجموعه مختلف حضور داشت.

چند نمونه از این سیمت‌ها عبارت‌اند از:

- مدیر عامل سازمان کنترل

- مدیر عامل سایپا

- معاون وزیر صنعت

- رئیس انجمن خودروسازان کشور

- رئیس هیئت مدیره پارس خودرو

- رئیس هیئت مدیره بیمه ملت

- رئیس هیئت مدیره سرمایه گذاری سایپا

- رئیس هیئت مدیره سایپا دیزل...

تقریباً همه جا بودند و در تمام ارگان‌های مربوطه که برایشان سودآوری داشت به نحوی وجود داشتند از درون این محیط رانت و حیاط خلوت برای دولتی‌ها بوجود آمده بود. به گفته بعضی منتقدین داخلی، مهندسی این رانت و حیات خلوت توسط آقای ویسه بوجود آمده بود. رضا ویسه با اتمام دوره دولت هشتم در سال ۸۴ از تمام مقام‌های دولتی که داشت استعفا داد اما همچنان پدرخوانده صنعت خودرو بود و در پشت پرده از طریق مهره‌های قدیمی فعالیت داشت.



(رضا ویسه)

مافیای خودرو تا اوایل دهه هشتاد از طریق انحصار دولتی رشد کرد و بعد از آن با بهانه خصوصی سازی با هدف گسترش انحصار و تاثیرگذاری بر صنعت خودرو سراغ خریدن شرکت‌های خودروسازی رفت. در طی این سال‌ها مهره‌ها براساس برنامه مافیا چیده می‌شد تا اینکه در سال ۹۲ همزمان با دولت جدید رضا ویسه معاون اسحاق جهانگیری نفر دوم دولت شد این مصادف است با زمانی که کروزی‌ها خط تولید را به گروگان گرفته بودند و اولین ضربه را به صنایع خودرو وارد کردند، تا سال ۹۵ که کروزی‌ها گروه بهمن را تصاحب کردند انتقادهای گسترده‌ای علیه آنها منتشر می‌شد که راه به حای نبردند.

در سال ۹۷ یه شک دیگه به صنعت خودرو وارد شد دوباره کروز‌های مثل سال ۹۲ با عدم تأمین قطعات خط تولید را به گروگان گرفتند این اقدام شرکت کروز در حالی بود که جزء شرکت‌های بودند که بیشترین ارزش چهارهزار تومانی دریافت کرده بودند، با این حال جلو تولید بیش از هشتاد درصد محصولات ایران خودرو را گرفته بودند. آقای ویسه در طی گزارشات و مصاحبات خود از شرکت‌های قطعه‌ساز و مروزی‌ها دفاع می‌کند و علت ناکارآمدی سیستم تولید را دخالت و مدیریت دولتی بیان می‌کند.

در سالهای ۹۷ و ۹۸ گروه بهمن دچار مشکلات جدی شد و این فرصتی شد تا کروز‌های سهام بیشتری بخرند.

کروز‌های همچنان داشتند سهام ایران خودرو می‌خریدند در سال ۹۸ سهام آنها ۲۵ درصد بود خطر انحصار بسیار جدی و پرواضح بود.  
در نهایت:

شرکت کروز به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان قطعات خودرو در ایران، سهام قابل توجهی در شرکت‌های خودروساز دارد. در زیر جدولی از مقادیر سهام این شرکت در برخی خودروسازان و شرکت‌های وابسته ارائه شده است:

شرکت	مقدار سهام %
ایران خودرو	۳/۶٪ از طرق شرکت سپهر کیش ایرانیان
گروه بهمن	۲۶٪
سایپا	اطلاعات خیلی دقیق نیست اما بعضی منابع سهام کروز را حدود ۱۵٪ اعلام کردند.

شرکت کروز همچنین با داشتن ۳۱,۷۵ درصد از سهام سپهر کیش ایرانیان، به طور غیرمستقیم در ایران خودرو نیز نقش دارد، چرا که این شرکت خود ۱۰,۶۲ درصد از سهام ایران خودرو را

در اختیار دارد. این وضعیت باعث شده است که کروزر به عنوان یک بازیگر کلیدی در صنعت خودروسازی ایران مطرح شود و احتمال ایجاد انحصار در این صنعت را افزایش دهد.

قدرت اقتصادی این افراد باعث دخالت در امور سیاسی هم داخل هم خارج شده بود به طور مثال آقای علی پور در سال ۲۰۰۸ از دموکرات‌ها در انتخابات آمریکا حمایت مالی کرده بود.

آقای علی پور در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۰۸ از دموکرات‌ها به رهبری باراک اوباما حمایت کرد. او به عنوان یک چهره رسانه‌ای و سیاستمدار ایرانی، به انتقاد از سیاست‌های جمهوری خواهان پرداخته و ابراز امیدواری کرده بود که اوباما به بهبود روابط آمریکا با کشورهای دیگر، به ویژه ایران، کمک کند. علی پور به ویژه به تعهدات اوباما برای ایجاد تغییر در سیاست‌های خارجی ایالات متحده اشاره کرده و او را نماینده تغییرات مثبت دانسته است.

او همچنین در رسانه‌های مختلف به بیان نظرات خود درباره اهمیت انتخاب اوباما و تأثیرات آن بر سیاست‌های بین‌المللی پرداخت.

خانواده علی پور و کشاورز مثل خیلی از مقام‌های فاسد نظام دارای تابعیت چندگانه بودند و تابعیت آمریکا امارات و انگلیس را داشتند بعضی از منابع می‌گویند این دو فامیل در حال حاضر همرا فرزندان‌شان در انگلیس هستند. این افراد علاوه در اخلال در اقتصاد و تولید مقادیر زیادی ارز را از کشور خارج کردند و در کشورهای اروپایی و آمریکایی سرمایه گذاری شخصی کردند.

نکته جالب دیگر در مورد مجید باستانی است که فرزند که فرزند آقای کشاورز است اما با نام مستعار در خارج کشور فعالیت اقتصادی دارد.

## فصل سوم: صعود و سقوط یک امپراتوری



طلوع یک امپراتوری شهاب‌الدین بهزادی، مردی که روزگاری در بازار قطعات خودرو به عنوان یک کارآفرین جوان و موفق شناخته می‌شد، در اوایل دهه ۹۰ شمسی به یکی از تأثیرگذارترین چهره‌های زنجیره تأمین خودروسازی ایران تبدیل شد. او با استفاده از ارتباطات گسترده خود در نهادهای دولتی و خودروسازان، توانست یک شبکه پیچیده از شرکت‌های قطعه‌سازی و تأمین مالی را تحت کنترل بگیرد. همسرش، زهرا یوسفی، زنی باهوش و بانفوذ، در پشت صحنه بسیاری از تصمیمات کلیدی قرار داشت. او، که خود سابقه فعالیت اقتصادی داشت، به خوبی می‌دانست که رانت‌های دولتی و ارتباطات پشت پرده چگونه می‌توانند سودهای میلیاردی ایجاد کنند. زوجی که از بیرون، نمونه‌ای از موفقیت اقتصادی به نظر می‌رسیدند، در

واقع یکی از بزرگ‌ترین فسادهای صنعت خودروسازی را پایه‌ریزی کرده بودند. ساختار شبکه فساد بهزادی و همسرش به‌همراه تعدادی از مدیران شرکت سایپا و برخی نمایندگان مجلس، از جمله محمد عزیزی و فریدون احمدی، به انعقاد قراردادهایی برای پیش‌خرید بیش از ۶۷۰۰ دستگاه خودرو پرداخته‌اند. این قراردادها بطور غیرقانونی و با هدف ایجاد اختلال در بازار خودرو تنظیم شده بودند. در این راستا، متهمان از روش‌هایی مانند ثبت سفارشات صوری و استفاده از شرکت‌های کاغذی بهره برده‌اند. به گزارش مرکز رسانه قوه قضائیه، ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۳۹۹ سخنگوی قوه قضائیه در نشست خبری خود با اشاره به محکومیت دو مفسد اقتصادی به اعدام اظهار داشت: «وحید بهزادی» و همسرش به نام «نجوا لاشیدایی» به جرم مشارکت در اخلال کلان در نظام پولی و ارزی منجر به قاچاق ارز از طریق ثبت سفارشات صوری و حواله‌جات و امورات صرافی بدون مجوز، اخلال در نظام توزیعی نیازمندی‌های عمومی کشور از طریق پیش‌خرید بیش از ۶ هزار و ۷۰۰ دستگاه خودرو از شرکت سایپا، مشارکت در عملیات پولشویی سازمان یافته به میزان ۳۲ هزار میلیارد ریال و موضوعات مربوط به سکه که از منزل متهمه ۲۴ هزار و ۷۰۰ سکه تمام بهار آزادی به علاوه یکصد کیلوگرم طلا کشف شده است، محکوم به اعدام شدند و حکم اعدام آنها صادر شده است.

این زن و شوهر که دارای پرونده‌های عدیده در حوزه قاچاق موبایل، پولشویی، اخلال در نظام اقتصادی از طریق فعالیت در شرکت‌های هرمی، قاچاق ارز از کشور از طریق شرکت‌های متعدد صوری و کاغذی و با ثبت سفارشات غیرواقعی، نفوذ در شبکه بانکی کشور از طریق نمایندگی دل افکار شیراز و اخذ کد دوم نمایندگی از شرکت خودروی سایپا برخلاف مقررات و ضوابط قانونی هستند، در قراردادی منحصر به فرد به انعقاد قرارداد مشارکت در ساخت و تولید تعداد ۶ هزار خودرو با مبلغ آورده ۳۰ میلیارد تومان با شرکت خودروی سازی سایپا اقدام کرده‌اند. این قرارداد از سوی «مهدی جمالی»، مدیرعامل سابق سایپا و متهم ردیف سوم این

پرونده تایید و امضا می‌شود تا این اقدامات مجرمانه، اخلال در بازار خودرو را رقم بزند. پس از انعقاد این قرارداد، تعداد خودروها به ۶ هزار و ۷۰۰ دستگاه افزایش یافت و در تحویل این خودروها و روند اجرای آن محمدعزیزی و فریدون احمدی، از نمایندگان مجلس دهم که به همراه وحید بهزادی سفری نیز به دوبی داشته‌اند، ضمن مراجعه به دفتر وحید بهزادی در چند نوبت و خرید مقادیر زیادی طلا اقدام به واسطه‌گری و سفارش و حتی مراجعه به شرکت خودروسازی سایپا و برگزاری جلسه با مدیرعامل وقت و نایب رئیس گروه خودروسازی سایپا می‌کنند. گفتنی است، محمد عزیزی بلافاصله پس از آزادی از زندان سیم‌کارت خود را سوزانده و کلیه حساب‌های کاربری‌های خود در تلگرام و اینستاگرام و واتس‌آپ را حذف کرده است. شرکت خودروسازی سایپا با مشارکت دادن این زن و شوهر در تولید ۶ هزار و ۷۰۰ دستگاه خودرو علی‌رغم داشتن تعداد ۶۰۰ نمایندگی رسمی، خودروها را تنها با پیش پرداخت ۵ میلیون تومان تحویل نامبردگان داده و علاوه بر این نحوه توزیع را نیز بر عهده متهمان می‌گذارد. نحوه تعامل و همکاری مدیران شرکت خودروسازی سایپا با وحید بهزادی و نجوا لاشیدایی به نحوی بوده که اعتراض سایر نمایندگان را به همراه داشته است. این زن و شوهر در هر زمان و هر لحظه از شبانه‌روز که اراده می‌کردند به رضا تقی‌زاده، معاون سابق بازاریابی و فروش شرکت سایپا که به جرم مشارکت در اخلال در نظام توزیعی خودرو به تحمل ۱۵ سال حبس محکوم شده و همچنین کارمندان وی مراجعه کرده و در برخی موارد رأساً از طریق سیستم‌های آن‌ها، به تعویض خودروهای سبدهی کم فروش به پرفروش اقدام می‌کردند.

معاون ارزی وقت شعبه اسکان بانک پارسیان محکوم دیگر این پرونده که حسابداری فعالیت‌های ارزی وحید بهزادی و نجوا لاشیدایی را بر عهده داشت، مبالغی به صورت ارز به رضا تقی‌زاده تحویل می‌شد. پس از ارسال یک نسخه از قرارداد نجوا لاشیدایی با شرکت خودروسازی سایپا به سازمان بازرسی کل کشور نتیجه بررسی‌های این سازمان پیرامون قرارداد منعقد در

دو مرحله اعلام شد: «در انعقاد قرارداد با شرکت سایپا حسب بررسی‌های اولیه و اظهارات برخی مسئولین آن شرکت، مشخص گردید نحوه شراکت وی و احدی از نمایندگی‌ها در قرارداد منعقد شده با شرکت سایپا و متعاقب آن اختصاص کد فروش به صورت ویژه، پرداخت سود مشارکت، میزان تخفیفات اعطایی و سایر تسهیلات از قبیل نحوه و شرایط واگذاری خودرو، جرایم پرداختی شرکت سایپا درخصوص تاخیر در ارائه خودرو به او نسبت به سایرین منحصر به فرد بوده است» در گزارش‌های بعدی بر حسب بررسی‌های به عمل آمده و اظهارات برخی مسئولین آن شرکت، قرارداد منعقد شده از ویژگی‌هایی به شرح ذیل برخوردار است:

۱. قرارداد مذکور در زمان «مهدی جمالی» مدیرعامل وقت شرکت سایپا منعقد شده است
۲. شرکت سایپا مجاز به انعقاد قرارداد فروش مشارکتی با سرمایه‌گذار نبوده، بنابراین برای جلب سرمایه خانم لاشیدی اقدام به انعقاد قرارداد سه‌جانبه با وی و نمایندگی فروش دل افکار (واقع در شیراز) کرده است. متعاقباً جهت نقل و انتقالات مالی اقدام به تخصیص کد فروش به صورت ویژه به نمایندگی مذکور برخلاف رویه و ضوابط شرکت سایپا کرده است.
۳. در قرار داد منعقد شده امتیازاتی از قبیل تخفیف و جریمه تاخیر قید گردیده که این امتیاز درخصوص دیگر قراردادهای مشابه با نمایندگی‌های فروش وجود ندارد؛ لذا درخصوص امتیازات فوق‌الذکر شرکت سایپا اقدام به ارائه تخفیف به مبلغ ۳۰۷ میلیارد ریال و پرداخت مبلغ حدود ۶۰۰ میلیون ریال سود تاخیر به نجات لاشیدی نموده است.
۴. برخی خودروهای واگذار شده به نامبردگان وفق قرارداد نبوده است، به طوری که حدود ۱۹۳۰ دستگاه خودرو که جزو محصولات خانواده ایکس دویست شامل (تیبیا، تیبیا دو، سائنا و وانت) که در سال ۹۶ دارای حاشیه سود بسیار پایین بوده به محصولات خانواده ایکس صد شامل (پراید ۱۳۱ و ۱۳۲) که جزو محصولات پرفروش بوده تبدیل شده است.
۵. نجوا لاشیدی و نمایندگی فوق‌الذکر قادر به فروش محصولات مذکور در سراسر کشور

بوده در حالی که دیگر نمایندگی‌های فروش صرفاً می‌بایست در استان خود اقدام به فروش محصول نمایند.

۶. با توجه به وضعیت تولید و تعهدات معوق شرکت سایپا در سال ۹۶، برای حدود ۶۰۰ نماینده در سراسر کشور بیشترین و بهترین محصولات تولیدی شرکت سایپا (ایکس صد) در سال مذکور به نامبرده تعلق گرفته است. به طوری که شرکت مذکور اقدام به واگذاری حدود ۵ هزار و ۲۰۲ دستگاه تا پایان آذرماه ۹۶ به نجوا لاشیدایی نموده و این امر منجر به ایجاد نارضایتی در شبکه توزیع و ایجاد رانت برای سرمایه‌گذار فوق گردیده است. بنابر گزارش سازمان بازرسی، در مجموع سود حاصل از سرمایه‌گذاری نجوا لاشیدایی بالغ بر ۳۷ درصد اعلام شده است.

در نهایت اتهامات وارده به این زوج: اخلال در نظام اقتصادی پول‌شویی فساد گسترده در حوزه قطعه‌سازی و خودروسازی پرداخت رشوه به مدیران دولتی و خودروسازان پس از ماه‌ها جلسات دادگاه، شهاب‌الدین بهزادی به اعدام و زهرا یوسفی به حبس طولانی مدت محکوم شد. این پرونده به یکی از بزرگ‌ترین فسادهای اقتصادی صنعت خودرو در تاریخ ایران تبدیل شد. وحید بهزادی به اعدام محکوم شد، در حالی که مهدی جمالی به ۷ سال حبس و رضا تقی‌زاده ماکویی به ۱۵ سال حبس محکوم شده‌اند. در حال حاضر، شایعاتی وجود دارد مبنی بر اینکه این دو نفر به همراه برخی دیگر از متهمان، در کشورهای دیگر مانند آمریکا و کانادا زندگی می‌کنند.

با این حال، اطلاعات دقیقی درباره وضعیت کنونی آنها و محل اقامتشان در دسترس نیست. در جریان رسیدگی به پرونده فساد در شرکت سایپا، ادعای جالبی مطرح شده که به پرداخت ۱۸ میلیارد تومان به آیه دریس، مجری و تهیه‌کننده شبکه «من و تو» مربوط می‌شود. این پرداخت از طریق حساب‌های وحید بهزادی و نجوا لاشیدایی صورت گرفته و به نظر می‌رسد که بخشی از سرمایه‌های بیت‌المال بوده که به این مجری واریز شده است. آیه دریس در سال ۱۳۹۴ به

خارج از کشور مهاجرت کرده و هم‌اکنون در شبکه‌هایی مانند «من و تو» فعالیت می‌کند. در این پرونده، مجموعاً ۲۶ متهم وجود دارند که اتهاماتشان شامل اخلال در نظام ارزی و توزیع، ثبت سفارش‌های صوری و پولشویی به میزان سه هزار و دویست میلیارد تومان است.

## فصل چهارم: نگاهی به پرونده‌های قضایی صنعت خودروسازی

تاریخ اولین پرونده علیه شرکت کروز به سال ۱۳۹۵ برمی‌گردد که به دلیل مسائل مربوط به قطعات خودرو و ادعای قاچاق مطرح شده بود. در آن زمان، شرکت ایران خودرو نیز از این شرکت شکایت کرد، اما این اتهامات در هیئت تجدیدنظر شورای رقابت بررسی شد و نهایتاً صاحبین شرکت کروز از اتهامات مبرا گردیدند. این شکایت‌ها بیشتر بر ادعای قاچاق سازمان‌یافته قطعات و پرداخت رشوه به کارمندان گمرک متمرکز بود.

پرونده‌های بعدی در طی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۳ بود که کروز با اتهامات جدی‌تری از جمله قاچاق قطعات و ارتباطات اقتصادی نادرست مواجه شد، که در دادگاه ویژه اقتصادی مورد بررسی قرار گرفت. اولین پرونده‌های مرتبط با فساد مالی خودروسازان در ایران به دهه ۱۳۷۰ شمسی بازمی‌گردد که در آن زمان، برخی مسائل مربوط به قیمت‌گذاری، انحصار و ناکارآمدی در تولید و توزیع خودرو باعث شد که انتقادات و گزارش‌هایی درباره فساد و رانت در صنعت خودروسازی مطرح شود. با این وجود، اولین پرونده‌های بزرگ و علنی که به‌طور گسترده رسانه‌ای شد و به قوه قضاییه ارجاع داده شد، مربوط به اواخر دهه ۱۳۷۰ و اوایل دهه ۱۳۸۰ است. در این دوره، مسائلی مانند رانت، تخلفات مالی و سوءاستفاده از منابع عمومی در بعضی از شرکت‌های خودروسازی مطرح شد. یکی از مهم‌ترین پرونده‌ها در آن زمان به موضوع سوءاستفاده از تسهیلات و وام‌های بانکی مربوط بود که شرکت‌های خودروسازی دریافت کرده بودند، اما بخشی از آن به دلیل مدیریت ناکارآمد یا سوءاستفاده، در جای مناسب هزینه نشده

بود. در سال‌های بعد و به‌خصوص در دهه ۱۳۹۰، پرونده‌های بزرگتری درباره فساد مالی و مدیریتی در خودروسازی مطرح شد که برخی از مدیران عالی رتبه را نیز درگیر کرد و موجب پیگیری قضایی شد.

## • بررسی تخطی‌های خودروسازان توسط دولت و قوه قضاییه

دولت، سعی کرد از طریق وزارت صنعت، معدن و تجارت (صمت) و سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، نظارت شدیدی بر عملکرد خودروسازان داشته است. این نظارت‌ها به خصوص پس از افزایش قیمت‌های غیرموجه و ناراضی‌های عمومی، بیشتر شد و در نتیجه، قیمت‌گذاری خودروها تحت کنترل شدیدتری قرار گرفت. قوه قضاییه نیز به شکایات مردمی و سازمان‌های نظارتی رسیدگی کرده و پرونده‌های متعددی را علیه خودروسازان و مدیران ارشد آن‌ها تشکیل داده است. این پرونده‌ها بیشتر به دلیل عدم تحویل به‌موقع خودروها، کیفیت پایین محصولات، و فساد مالی در قراردادهای و معاملات بوده است. در ذیل چند مورد را به‌عنوان نمونه ذکر می‌شود:

### ۱. شکایاتی که فساد مالی را بیان می‌کردند.

در چندین مورد، فساد مالی و سوءاستفاده‌های کلان در شرکت‌های خودروسازی و قطعه‌سازی فاش شد. برخی از مدیران ارشد این شرکت‌ها به دلیل دریافت رشوه و انجام معاملات غیرقانونی و تخصیص منابع به شیوه نادرست دستگیر شدند.

یکی از بزرگ‌ترین پرونده‌های فساد در صنعت خودرو مربوط به پرونده مدیران ارشد ایران‌خودرو و سایپا بود. این پرونده‌ها شامل فساد در پیش‌فروش خودروها، تبانی با دلالان و افزایش ناعادلانه قیمت‌ها بود. در این پرونده‌ها، تعداد زیادی از افراد مرتبط بازداشت شدند، از

جمله چندین مدیر ارشد ایران خودرو و سایپا. به عنوان مثال، مدیرعامل سابق ایران خودرو در سال ۱۳۹۸ به اتهام فساد مالی بازداشت شد.

## نتایج پرونده‌های قضایی

در اغلب موارد نتیجه این پرونده‌ها منجر به بازداشت و محاکمه مدیران شد. در پی بررسی این پرونده‌ها، تعداد قابل توجهی از مدیران خودروسازان و قطعه‌سازان بازداشت و به دادگاه احضار شدند. برخی از این مدیران به اتهاماتی مانند اختلاس، دریافت رشوه و سوءاستفاده از موقعیت شغلی محکوم شدند.

## ۲. اشخاصی جریمه‌های مالی شدند

شرکت‌های خودروسازی و قطعه‌سازی در برخی موارد موکلف به پرداخت جریمه‌های سنگین و بازگرداندن مبالغ دریافتی اضافی به مشتریان شدند.

## ۳. یکی از اهداف دولت در رسیدگی به این پرونده کنترل بیشتر بر

### قیمت‌گذاری بود.

از نتایج اصلی بررسی این پرونده‌ها، کنترل و نظارت شدیدتر دولت بر قیمت‌گذاری خودروها بود. وزارت صمت اقدام به تشکیل کمیته‌های تخصصی برای نظارت بر قیمت‌گذاری خودروها کرد تا از افزایش بی‌رویه قیمت‌ها جلوگیری شود.

## ۴. شکایاتی که به تاخیر در تحویل خودروها اشاره می‌کردند

برخی پرونده‌ها به موضوع تأخیر در تحویل خودروها مربوط می‌شد، دادگاه‌ها خودروسازان را ملزم به تحویل خودروهای پیش‌فروش شده به مشتریان و جبران خسارت‌ها کردند.

در پرونده‌های فساد در صنعت خودرو ایران، برخی از رئیس‌جمهورهای قبلی و کنونی کشور به دلیل مسائل اقتصادی و نهادهای تحت نظرشان درگیر بودند. یکی از بارزترین این موارد، رابطه نزدیک میان خودروسازان و دولت‌هاست که به نوعی منجر به ایجاد محیطی شده است که در آن فساد رشد کرده است

### اقدامات تنبیهی و اصلاحی در پرونده‌های خودروسازان:

تعویض مدیران عالی رتبه: پس از بررسی تخلفات، برخی از مدیران ارشد خودروسازان، از جمله مدیرعاملان ایران خودرو و سایپا، تغییر کردند. این تغییرات به عنوان بخشی از تلاش دولت برای اصلاح مدیریت این شرکت‌ها انجام شد.

تغییرات در ساختار فروش خودرو: دولت تلاش کرد تا با ایجاد تغییراتی در روند پیش‌فروش خودروها و تخصیص سهمیه‌ها، شفافیت بیشتری ایجاد کند. سامانه‌های نظارتی جدید برای رصد قیمت‌گذاری و پیش‌فروش خودروها راه‌اندازی شدند. اما اینکه چقدر این اقدامات موثر بود موضوع دیگری است. نهایتاً برخی از پرونده‌های مهم هنوز در دست بررسی قضایی قرار دارند و محاکمات متهمان در حال برگزاری است. با این حال، برخی از این پرونده‌ها به صدور احکام محکومیت برای مدیران و جریمه‌های مالی منجر شده است. در مجموع، با فشار نهادهای نظارتی و قضایی هنوز مشکلات اساسی مانند کیفیت پایین خودروها و تأخیر در تحویل محصولات به طور کامل رفع نشده است. اما این اقدامات توانسته تا حدی مشکلات این صنعت را کاهش دهد، اما برای اصلاح کامل و ایجاد شفافیت و عدالت در این حوزه، همچنان تلاش‌های بیشتری لازم است.

در پرونده‌های تخلفات خودروسازان و قطعه‌سازان ایران، برخی از مدیران ارشد این شرکت‌ها به اتهام فساد، سوءمدیریت و تخلفات مالی بازداشت شدند. در زیر به نام برخی از افراد برجسته‌ای که در این پرونده‌ها متهم و بازداشت شدند اشاره می‌کنم:



### • هاشم یکه‌زارع (مدیرعامل سابق ایران خودرو):

هاشم یکه‌زارع، مدیرعامل سابق ایران خودرو، در سال ۱۳۹۸ به اتهام فساد مالی و دستکاری در قیمت خودرو بازداشت شد. او در دوران مدیریتش با اتهامات مختلفی از جمله فساد در قراردادهای و معاملات و افزایش غیرقانونی قیمت‌ها روبرو بود.

در مرداد ۱۳۹۸، پس از تغییر ناگهانی از سمت مدیرعاملی ایران خودرو، بلافاصله بازداشت شد. وی متهم به افزایش ناگهانی قیمت خودرو بدون مجوز از مراجع قانونی بود. لازم به ذکر است که مسئله‌ای مثل افزایش قیمت خودرو معمولاً بدون هماهنگی با دولت یا تأیید نهادهای نظارتی بسیار پیچیده و دشوار است، به‌ویژه در صنایعی مانند خودروسازی که شدیداً تحت نظارت دولت قرار دارند. در مورد شخصی مثل هاشم یکه‌زارع، که مدیرعامل سابق ایران خودرو بوده، به احتمال زیاد هر تصمیم مهمی که به قیمت خودرو مربوط می‌شده، یا با اطلاع و موافقت ضمنی دولت و نهادهای بالادستی بوده، یا حداقل در چارچوب سیاست‌های اقتصادی کشور و تحت فشارهای بازار یا شرایط خاص گرفته شده است. از سوی دیگر، این احتمال وجود دارد که

برخی از این افزایش قیمت‌ها به عنوان پاسخ به فشارهای مالی، هزینه‌های تولید یا سیاست‌های ارزی صورت گرفته باشد، ولی نهایتاً چون صنعت خودروسازی ایران بسیار به دولت وابسته است، بعید است تصمیمات بزرگ در آن بدون دخالت مستقیم یا غیرمستقیم دولت باشد. به طور کلی، تعامل بین دولت و خودروسازان شفاف نبوده و سیاست‌های اقتصادی و لابی‌ها هم تأثیر زیادی دارند که همه جوانب آن برای عموم مشخص نباشد. بنظر می‌رسد که فشار افکار عمومی و نیاز به مقصر باعث شد که دولت و نهادهای نظارتی، در شرایطی که انتقاد از وضعیت خودرو بالا گرفت، به نوعی نیاز به یک (مقصر) داشتند تا افکار عمومی را آرام کنند، بکه‌زارع به دلیل موقعیتش، هدف مناسبی برای این نقش بود.

بعد از بازداشت هاشم یکه‌زارع در سال ۱۳۹۸ به دلیل اتهاماتی مانند افزایش قیمت بدون مجوز، چندین تغییر مدیریتی در ایران خودرو رخ داد. پس از برکناری او، فرشاد مقیمی به عنوان مدیرعامل انتخاب شد و سپس مهدی خطیبی از بهمن ۱۴۰۰ تا اسفند ۱۴۰۱ را بر عهده گرفت و در حال حاضر، علیمردان عظیمی مدیرعامل گروه صنعتی ایران خودرو است. او از اسفند ۱۴۰۱ به این سمت منصوب شد و سابقه‌ی مدیریتی گسترده‌ای در صنعت خودروسازی ایران دارد، از جمله مدیرعاملی در شرکت‌هایی مانند سایپا پرس و فرساز زر. عظیمی همچنین سابقه‌ی فعالیت در سمت‌های اجرایی و حقوقی دیگر شرکت‌های خودرویی و صنعتی کشور را نیز در کارنامه خود دارد. این تغییرات مدیریتی بخشی از تلاش‌ها برای بازسازی وضعیت مدیریتی و کاهش مشکلات ناشی از پرونده‌های قضایی در این شرکت بوده است. تغییرات مدیریتی در ایران خودرو و انتصاب افرادی با پیشینه‌های گوناگون در این موقعیت، معمولاً با هدف بهبود عملکرد و مواجهه با چالش‌های موجود در صنعت خودرو انجام می‌شود.



• **رضا رحمانی (وزیر سابق صنعت، معدن و تجارت):**

در جریان همین پرونده، رضا رحمانی، وزیر وقت صمت (صنعت معدن و تجارت) به دلایل ارتباطات مشکوک و عدم نظارت کافی بر قیمت گذاری خودروها مورد انتقاد قرار گرفت. هر چند که بازداشت نشد. پیش از استعفای او، زمره‌هایی درباره استیضاح وی در مجلس مطرح شده بود و برخی نمایندگان به این موضوع اشاره کردند که به رحمانی در جلسه‌ای اطلاع داده شد که اگر مجلس به طرح تشکیل وزارت بازرگانی رأی ندهد، باید استعفا دهد اما استعفای او به نوعی با مسائل خودروسازی و فشارهای ناشی از این پرونده‌ها مرتبط دانسته شد. اما استعفای او به نوعی با خودروسازی و فشارهای ناشی از این پرونده‌ها نیز مرتبط است. در اردیبهشت ۱۳۹۹ آقای رحمانی از سمت خود برکنار شد و برخی تحلیل‌گران این برکناری را از فشارهای موجود در پرونده‌های خودروسازی دانستند.



- **محمد رضا سروش (مدیرعامل سابق سایپا):**

محمد رضا سروش نیز از مدیرعامل سابق سایپا بود. که به دلیل مسائل مرتبط با فساد و تخلفات مالی در زمان مدیریت خود تحت پیگرد قرار گرفت. سایپا یکی از شرکت‌هایی بود که به دلیل تخلفات مرتبط با پیش‌فروش خودروها و عدم تحویل به‌موقع محصولات به مشتریان با مشکلات قانونی برخورد.

- **معاونان و مدیران ارشد شرکت سایپا:**

تعدادی از معاونان و مدیران ارشد این شرکت نیز در سال‌های اخیر به دلیل اتهامات مربوط به فساد و تخلفات مالی بازداشت شدند. برخی از این افراد به دلیل مشارکت در فساد سازمان‌یافته، تبانی با دلالان و سودجویی و افزایش غیرقانونی قیمت‌ها دستگیر شدند.

## • تعدادی از مدیران ارشد شرکت‌های قطعه‌سازی:

علاوه بر شرکت‌های خودروساز، برخی از مدیران بلند پایه شرکت‌های قطعه‌سازی نیز به اتهاماتی چون تخلفات مالی و فساد در تأمین قطعات و ایجاد تبانی با خودروسازان بازداشت شده‌اند. نام این افراد کمتر در رسانه‌ها گفته شده است، آن‌ها به دلیل ارائه قطعات بی‌کیفیت یا مشارکت در فساد مالی تحت پیگرد قرار گرفتند. به عنوان مثال، عباس ایروانی، مدیرعامل گروه قطعه‌سازی عظام، به فساد مالی و قاچاق سازمان‌یافته قطعات خودرو متهم شده است و او به عنوان یکی از متهمان اصلی این پرونده شناخته می‌شود. همچنین امیر رضا رفیعی (قائم مقام فروش عظام) و مرتضی روغنی‌ها (معاون بین‌المللی عظام) نیز به نقش‌های مشابه متهم شده‌اند. آقای ایروانی به دلیل فساد در حوزه‌های مختلف به اتهاماتی چون جعل اسناد و پرداخت رشوه نیز پاسخگو خواهد بود. در این پرونده‌ها، علاوه بر قطعه‌سازان بزرگ مانند عظام، دیگر شرکت‌های کوچک‌تر نیز تحت پیگرد قرار دارند.

## • معاونان ایران خودرو:

علاوه بر آقای یکه‌زارع، برخی از معاونان و مدیران ارشد ایران خودرو نیز در جریان همین پرونده‌ها بازداشت شده‌اند. این افراد به اتهاماتی چون فساد، تبانی با واسطه‌ها و عدم شفافیت در قراردادهای تحت پیگرد قرار گرفتند. مصطفی خان کرمی، قائم مقام فروش ایران خودرو، به بازداشت شده است.

## • مدیران مرتبط با دلان بازار خودرو:

در تعدادی از پرونده‌ها، افرادی که با دلان و واسطه‌های بازار خودرو در ارتباط بودند نیز بازداشت شده‌اند. این افراد اتهاماتی چون ایجاد شبکه‌ای از فساد برای افزایش قیمت خودروها

در بازار آزاد و سوءاستفاده از وضعیت اقتصادی و بازار خودرو در پرونده خود داشتند. این پرونده‌ها در پی اعتراضات عمومی به افزایش قیمت‌ها و ناراضی‌تی از کیفیت خودروها و مدیریت نامناسب خودروسازان توسط دستگاه قضایی پیگیری شد و بازداشت و محاکمه برخی از مدیران ارشد نشان‌دهنده فشار افکار عمومی و برخورد جدی‌تر با فساد در این حوزه بود. در بسیاری از موارد، پرونده‌ها همچنان در جریان است و برخی از این افراد هنوز در مراحل مختلف دادرسی قرار دارند. برخی از متهمان نیز به جریمه‌های مالی و زندان محکوم شده‌اند. البته اطلاع دقیقی از احکام نهایی برخی از این افراد هنوز منتشر نشده است.

آخرین تحقیقات مربوط به پرونده‌های تخلفات خودروسازی و قطعه‌سازی، به‌ویژه شرکت کروز، در شهریور ۱۴۰۳ انجام شد. در این پرونده ۱۸ متهم وجود داشت که هفت نفر از آن‌ها از کارکنان گمرک فرودگاه امام خمینی بودند. قاضی صلواتی، که مسئول رسیدگی به این پرونده است، اعلام کرد که تاکنون ۲۱۸ صفحه کیفرخواست در این پرونده تنظیم شده و دادگاه در چندین جلسه به تفهیم اتهام و دفاعیات متهمان پرداخته است. یکی از نکته‌های مهم این پرونده اختلافات بین ضابطین قضایی و دادگاه بوده که منجر به ارجاع موضوع به یک هیئت کارشناسی سه‌نفره شده است. این هیئت از کارشناسان در حوزه‌های گمرک، اقتصاد، و حسابرسی تشکیل شده و وظیفه بررسی مدارک مالی و گمرکی شرکت را برعهده دارد. (متاسفانه من در تحقیقاتم نتوانستم به نام این اشخاص برسیم). همچنین در آخرین جلسه دادگاه مربوط به شرکت کروز، که در اسفند ۱۴۰۲ برگزار شد، آخرین دفاعیات متهمان انجام شد و تحقیقات کارشناسی همچنان ادامه دارد. پرونده‌های مشابه مانند گروه عظام خودرو نیز در دست بررسی بوده و اتهامات متهمان به اخلال عمده در نظام اقتصادی تغییر کرده است.

پرونده تخلفات مدیران شرکت کروز و قطعه‌سازان مرتبط، یکی از بزرگترین پرونده‌های فساد اقتصادی در ایران است. بر اساس کیفرخواست‌ها، اتهامات اصلی مواردی مثل اخلال عمده

در نظام اقتصادی از طریق قاچاق سازمان‌یافته قطعات خودرو و پرداخت رشوه به کارکنان گمرک بوده است. یکی از متهمان اصلی، حمید کشاورز توپایی است که به قاچاق قطعات خودرو به مبلغی بالغ بر ۳۳ هزار میلیارد تومان و اخلال در توزیع قطعات متهم شده است. در حال حاضر، پرونده این افراد در شعبه ۴ دادگاه ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی در جریان است و جلسات متعددی برای بررسی اتهامات برگزار شده است. اطلاعات بیشتری از محل دقیق کنونی مدیران متهم از جمله آقای ویسه و دیگران در دسترس نیست و باید منتظر اعلام نهایی دادگاه باشیم، در خبرهای غیر رسمی گفته می‌شود برخی از متهمین به خارج از کشور فرار کرده‌اند که البته فرار مهره‌های بزرگ و اصلی فسادهای اقتصادی به کاری متداول تبدیل شده، جمهوری اسلامی ایران به دلیل اینکه با بسیاری از کشورهای غربی قرارداد استرداد مجرمین را ندارد و این خلع دولتی و قانونی باعث خروج متهمان و یقه سفیدان شده است.

در پرونده‌های تخلفات مدیران شرکت‌های خودروسازی و قطعه‌سازی مانند شرکت کروز، گزارش‌هایی از داشتن تابعیت‌های متعدد توسط برخی از این مدیران وجود داشته است. در واقع، برخی از این مدیران به دلیل داشتن تابعیت دوم و ارتباطات بین‌المللی، تحت نظارت و پیگیری دقیق‌تر دستگاه قضایی قرار گرفته‌اند. اما در خصوص اینکه آیا این مدیران هنوز در ایران حضور دارند، تاکنون هیچ گزارش رسمی و قطعی مبنی بر خروج این افراد از کشور منتشر نشده است. به دلیل حساسیت پرونده‌ها و اتهامات سنگینی که علیه آن‌ها مطرح شده، به نظر می‌رسد که این مدیران تحت نظارت قضایی در ایران به سر می‌برند و تا پایان بررسی‌های قضایی و صدور حکم نهایی اجازه خروج از کشور نخواهند داشت. همچنین، برخی از این افراد در جریان بررسی پرونده‌ها، دستگیر شده‌اند و در بازداشت به سر می‌برند.

به طور کلی، داشتن چندین تابعیت به خودی خود نمی‌تواند مانع از پیگیری قضایی این افراد در ایران شود، و آن‌ها همچنان تحت پیگرد قانونی قرار دارند. پرونده‌های مرتبط با فساد

اقتصادی و قاچاق قطعات خودرو همچنان در حال بررسی در دادگاه‌های ویژه جرایم اقتصادی است. در مورد مدیرانی که در پرونده‌های تخلفات مرتبط با صنعت خودرو نقش داشته‌اند، برخی از آنها همچنان در پست‌های خود باقی مانده‌اند یا حتی پس از دستگیری، در روند دادرسی هستند.

برای مثال، مصطفی خان کرمی، معاون فروش ایران خودرو، پس از بازداشت به اتهام فساد و اختلال در بازار خودرو، مدتی همچنان در سیستم مدیریتی ایران خودرو فعال بود و بعد از برکناری در سال ۱۳۹۸ بازداشت شد. برخی دیگر از مدیران مثل هاشم یکه‌زارع، مدیرعامل سابق ایران خودرو، نیز به دلیل افزایش قیمت عمدی خودرو دستگیر شده‌اند.

شرکت کروژ، به عنوان بزرگترین قطعه‌ساز کشور، در پرونده‌ای با اتهام فساد گسترده ۳۴ هزار میلیارد تومانی درگیر است که مدیران آن، مانند حمید کشاورز توچایی، به همراه ۱۷ متهم دیگر، در حال پیگیری قضایی هستند. این فساد عمدتاً به گران‌فروشی قطعات و سوءاستفاده از منابع مالی مرتبط است و تأثیرات گسترده‌ای بر اعتماد عمومی و بازار خودرو داشته است.

با این وجود، همچنان برخی از مدیرانی که در این پرونده‌ها دخیل بوده‌اند، به دلیل پیوندهای نزدیک با سیستم‌های سیاسی یا خانوادگی، توانسته‌اند در سمت‌های مدیریتی خود باقی بمانند. در پرونده‌های فساد مرتبط با صنعت خودروسازی، برخی مدیران توانسته‌اند با داشتن پیوندهای سیاسی در سیستم مدیریتی باقی بمانند. از جمله این افراد می‌توان به مدیران مرتبط با شرکت‌های خودروسازی و قطعه‌سازی اشاره کرد که به دلیل ارتباطات با مقامات عالی‌رتبه یا وابستگی به گروه‌های خاص سیاسی، علی‌رغم اتهامات یا بازداشت موقت، همچنان توانسته‌اند در موقعیت‌های کلیدی مدیریتی باقی بمانند.

از جمله دیگر افراد متهم به فساد در این حوزه، نام‌هایی مطرح شده که با نمایندگان مجلس و مسئولان دولتی مرتبط بوده‌اند. برخی از این افراد به اتهام سوءاستفاده از نفوذ و دسترسی به

اطلاعات خاص توانستند به معاملات پرسود در بازار خودرو دست یابند.

برخی از مدیران متخلف در پرونده‌های فساد خودروسازی به دلیل ارتباطات نزدیک با مقامات سیاسی توانستند از عواقب شدیدتر قانونی فرار کنند یا حتی در سمت‌های مدیریتی خود باقی بمانند. به عنوان مثال، در پرونده شرکت سایپا، چند نماینده مجلس از جمله محمد عزیزی و فریدون احمدی به دلیل مشارکت در فساد بازداشت شدند اما با وثیقه آزاد شدند و همچنان در سیستم حضور داشتند. این افراد به دلیل ارتباطات خود با سیستم سیاسی و مقامات عالی‌رتبه، توانسته‌اند از نفوذ خود برای حفظ موقعیت یا کاهش مجازات‌ها بهره‌برداری کنند.

این فسادهای شامل فروش خودروهای خارج از نوبت و سوءاستفاده از ارز دولتی بوده و در چند مورد از مدیران، ارتباطاتی با نمایندگان مجلس افشا شده است.

ارتباط با نمایندگان مجلس و مقامات دولتی، به موضوعات داغ رسانه‌ها تبدیل شده است. به عنوان مثال، دو نماینده مجلس به نام‌های محمد عزیزی و فریدون احمدی به اتهام «اخلال در بازار خودرو» و مشارکت در شبکه فساد مرتبط با شرکت سایپا بازداشت شدند.

این افراد به عنوان واسطه‌هایی برای خرید و فروش خودرو و توزیع غیرقانونی آنها در نظر گرفته شده‌اند و به همین دلیل تحت پیگرد قانونی قرار دارند. این دو نماینده و مدیران ارشد سایپا متهم به انعقاد قراردادهای مشکوک و سوءاستفاده از موقعیت‌های خود برای دریافت رانت‌های کلان هستند.

به طور خاص، آن‌ها در یک قرارداد مشترک برای ساخت و تولید ۶,۷۰۰ خودرو با هزینه‌ای بالغ بر ۳۰ میلیارد تومان مشارکت کردند که به فساد گسترده‌ای منجر شد.

از سوی دیگر، نمایندگانی مانند هاشم یکه‌زارع، مدیرعامل شرکت ایران خودرو، نیز در این پرونده‌ها بازداشت و به اتهام افزایش غیرقانونی قیمت خودروها تحت پیگرد قرار گرفتند.

علاوه بر این، برخی از نمایندگان مجلس به دریافت خودروهای شاسی‌بلند به عنوان «رانت» از خودروسازان متهم شده‌اند که این امر نیز به تنش‌های بیشتری بین مجلس و دولت منجر شد. افشاگری‌ها درباره این موضوع نشان می‌دهد که برخی از نمایندگان در تلاشند تا با استفاده از قدرت سیاسی خود، از عواقب قانونی فرار کنند و در سمت‌های خود باقی بمانند.

بنابراین، ارتباطات نزدیک بین برخی نمایندگان و مدیران خودروسازی، و همچنین وابستگی‌های سیاسی، نقش مهمی در حفظ موقعیت این افراد و جلوگیری از مجازات‌های شدیدتر داشته است.

برای درک دقیق‌تر تخلفات خودروسازان و قطعه‌سازان و تأثیر آن‌ها بر اقتصاد ایران، می‌توان جدولی ساده و خلاصه از نوع تخلفات و میزان صدمه وارده به اقتصاد ارائه کرد.

در زیر نمونه‌ای از این جدول به همراه توضیحات مربوطه آمده است:

نوع تخلف	توضیحات	میزان صدمه وارده به اقتصاد
احتکار قطعات و خودرو	احتکار قطعات خودرو برای افزایش قیمت‌ها و ایجاد کمبود	افزایش قیمت خودروها و کاهش عرضه، فشار بر مصرف‌کنندگان
گران‌فروشی قطعات و خودرو	فروش قطعات با قیمت بالاتر از قیمت واقعی	تشدید بحران اقتصادی و افزایش هزینه‌ها برای مصرف‌کنندگان
رانت و فساد در قراردادهای	اعطای قراردادهای پنهانی به شرکت‌های وابسته	ایجاد بی‌عدالتی و توزیع ناعادلانه منابع در اقتصاد

پول شویی و فساد مالی	انتقال پول‌های غیر قانونی به حساب‌های خارج کشور	کاهش اعتماد به سیستم مالی کشور و ورود آسیب به منابع ملی
رشوه‌گیری و تاثیرگذاری بر تصمیمات	پرداخت رشوه به مدیران دولتی و خودروسازان برای دریافت قراردادهای	گسترش فساد در سیستم‌های دولتی و کاهش کارایی در تصمیم‌گیری‌ها
تاثیر در بازار خودرو	کنترل عرضه و تقاضا به صورت مصنوعی و دستکاری در قیمت‌ها	ایجاد بحران در صنعت خودرو و تشدید تورم

صنعت خودروسازی و قطعه‌سازی ایران در سال‌های اخیر با مشکلات و چالش‌های زیادی مواجه بوده و این مسائل به تخلفات گسترده‌ای منجر شده است. در زیر به برخی از مدیران کلیدی این صنعت و وضعیت آن‌ها اشاره می‌شود: در ذیل نام بعضی از مدیران کلیدی صنایع خودروسازی و قطعه‌سازی را که در این آشفتگی صنعت خودروسازی نقش داشتند را می‌آورم:

محسن صالحی‌نیا ( مدیرعامل شرکت ایران خودرو)

حسن شریفی ( مدیرعامل شرکت سایپا)

حمید نجف‌پور ( مدیرعامل گروه صنعتی بهمن)

مهدی دادفر ( مدیرعامل انجمن قطعه‌سازان)

علی موسوی ( مدیرعامل شرکت کرمان موتور)

مدیران مذکور در دوره‌های مختلف به اتهام تخلفات اقتصادی و چشم‌پوشی از قوانین مرتبط با کیفیت و قیمت‌گذاری خودروها تحت تعقیب یا تحقیق بوده‌اند. برخی از آن‌ها هنوز در سمت‌های خود باقی مانده‌اند یا حتی به سمت‌های بالاتر ارتقا یافته‌اند، این موضوع خود نشان دهنده این است که این افراد با نهادهای سیاسی و دولتی ارتباط داشته‌اند که به آن‌ها اجازه

ماندن در قدرت را داده شده است. بسیاری از این مدیران در جلسات مشترک با مقامات دولتی و نمایندگان مجلس، سعی کرده‌اند تا نظرات و خواسته‌های خود را به گوش آن‌ها برسانند. برای مثال، علی شمخانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، در نشست‌هایی با حضور مدیران صنایع خودروسازی شرکت کرده که نشان‌دهنده اهمیت این صنعت برای دولت است. با وجود انتقادات و فشارهای قضایی، همچنان برخی از مدیران با داشتن پیوندهای قوی سیاسی توانسته‌اند در سمت‌های خود باقی بمانند. این امر نشان‌دهنده وجود فساد، رانت و عدم شفافیت در مدیریت این صنعت است. باید توجه داشت که این صنعت بطور مستقیم بر روی اقتصاد ایران تأثیرگذار است و فسادهای موجود در آن می‌تواند پیامدهای اقتصادی گسترده‌ای را در جامعه به همراه داشته باشد. دولت در تکمیل پرونده‌های فساد خودروسازی و اعلام نتایج رسیدگی با چالش‌های متعددی مواجه بوده است.

## • برخی از چالش‌های اصلی دولت در رسیدگی به این پرونده‌ها

### عبارتند از:

۱. پیچیدگی پرونده‌ها: پرونده‌های مربوط به فساد در صنعت خودروسازی به دلیل تعداد زیاد متهمان و گستردگی تخلفات، بسیار پیچیده هستند. رسیدگی به این پرونده‌ها نیاز به تحقیقات جامع و کارشناسی دقیق دارد که زمان بر است.
۲. فشارهای سیاسی: دخالت‌های سیاسی و فشار از سوی گروه‌های ذی‌نفوذ در صنعت خودروسازی، روند رسیدگی به پرونده‌ها را تحت تأثیر قرار داده است. برخی از مدیران متهم به فساد به واسطه ارتباطات سیاسی خود توانسته‌اند از عواقب قانونی فرار کنند و در سمت‌های خود باقی بمانند.
۳. ضعف سیستم قضایی: در مواردی، سیستم قضایی به دلیل عدم هماهنگی و ناهماهنگی

در رسیدگی به پرونده‌ها با چالش‌هایی روبرو بوده است. این ناهماهنگی‌ها می‌تواند به تأخیر در صدور احکام و نتایج منجر شود.

۴. عدم همکاری از سوی برخی متهمان: متهمان در این پرونده‌ها ممکن است از ارائه اطلاعات مفید یا همکاری با مقامات قضایی خودداری کنند، که این امر بر روند رسیدگی تأثیر منفی می‌گذارد.

۵. مسائل اقتصادی و اجتماعی: وضعیت بهم ریخته اقتصادی کشور و نارضایتی‌های عمومی نسبت به صنعت خودرو نیز می‌تواند بر روی عملکرد دولت و سیستم قضایی تأثیر بگذارد، زیرا مقامات باید با فشارهای اجتماعی و اقتصادی نیز روبرو شوند.

عملکرد دولت در پرونده‌های تخلفات صنعت خودرو به ویژه در ارتباط با فسادهای مالی و مدیریتی به شدت تحت الشعاع قرار دارد. اظهارات مقامات دولتی، به ویژه سخنگوی دولت، نشان می‌دهد که دولت خود را تا حدودی در این فسادها شریک می‌داند. به عنوان مثال، علی بهادری جهرمی، سخنگوی دولت سیزدهم، بیان کرده که مجری و شریک بودن دولت در صنعت خودرو منجر به مشکلات عمده‌ای شده است و تأکید دارد که دولت باید به‌طور کامل از این صنعت جدا شود و فقط به عنوان ناظر عمل کند. تعدادی از نمایندگان مجلس و مقامات دولتی به عنوان افرادی که در این فسادها نقش داشته‌اند، شناخته شده‌اند. به طور خاص، نمایندگانی چون محمد عزیزی و فریدون احمدی به واسطه‌گری در قراردادهای مشکوک متهم شده‌اند. همچنین، شواهد نشان می‌دهد که این نمایندگان به همراه افرادی نظیر وحید بهزادی، یکی از متهمان اصلی، به تبانی پرداخته و به عقد قراردادهایی با شرکت‌های خودروسازی پرداخته‌اند.

می‌توان گفت دولت بویژه در دوره‌های اخیر، با عدم شفافیت و نداشتن نظارت کافی بر صنعت خودرو، به نوعی شریک جرم تخلفات به شمار می‌آید. این وضعیت منجر به آسیب‌های اقتصادی گسترده‌ای شده که انتظار می‌رود دولت برای جلوگیری از تکرار چنین مسائل، به

اصلاحات جدی در رویکردهای خود اقدام کند. تا کنون سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان و سازمان تعزیرات حکومتی چندین بار خودروسازان و قطعه‌سازان را به خاطر تخلفات جریمه کرده‌اند. این جریمه‌های شامل موارد مالی و الزام به بازگرداندن مبلغ اضافی از مشتریان یا ارائه خدمات بیشتر بوده است.

در دوره ریاست‌جمهوری حسن روحانی، به ویژه علی‌الخصوص در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸، انتقادات زیادی به سیاست‌های اقتصادی و عدم کنترل قیمت‌ها و کیفیت خودروهای داخلی صورت گرفت. برخی از نمایندگان مجلس این دوره، به ویژه در کمیسیون صنایع، متهم به همکاری با مدیران خودروسازان شدند که به تخلفات اقتصادی دامن زده‌اند. در دوره ریاست‌جمهوری ابراهیم رئیسی نیز، فساد در صنعت خودرو ادامه داشت و انتقادات نسبت به کارکرد این دولت در مقابله با فساد مالی وجود داشت. در این دوره نیز شکایات و تحقیقاتی درباره سوءاستفاده‌ها و تخلفات گسترده از سوی برخی مدیران شرکت‌های خودروساز به چشم می‌خورد.

به طور کلی، بسیاری از موارد فساد در صنعت خودرو، ناشی از روابط غیررسمی و پنهانی میان مدیران خودروسازان و سیاستمداران است که موجب ایجاد یک شبکه فاسد اقتصادی شده است. همچنین برخی نمایندگان مجلس و مدیران دولتی به عنوان حامیان اصلی این فساد شناخته می‌شوند و این مسئله باعث شده که پاسخگویی و شفافیت در این حوزه به شدت پایین باشد. پرونده تخلفات خودروسازان و قطعه‌سازان در ایران یکی از موارد جنجالی در سیستم قضایی و اقتصادی کشور است. این پرونده‌ها شامل اتهاماتی نظیر گرانی‌فروشی، تخلف مالی و سوءاستفاده از موقعیت‌های شغلی هستند و در این راستا چندین دادگاه تشکیل شده است.

## • تعدادی از دادگاه‌ها و روند رسیدگی

### اطلاعات کلیدی درباره متهمان:

از جمله متهمان اصلی این پرونده‌ها می‌توان به مدیران ارشد شرکت‌های خودروسازی و قطعه‌سازی، از جمله مدیران کروز و سایپا اشاره کرد. بسیاری از این افراد به دلیل ارتباطات سیاسی و اقتصادی توانسته‌اند در سمت‌های مدیریتی خود باقی بمانند، و این موضوع مورد انتقاد و بررسی قرار گرفته است. وضعیت خودروسازان و قیمت خودرو در ایران در سال ۲۰۲۴ تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد. به طور کلی، صنعت خودروسازی ایران با مشکلاتی از جمله تأمین نقدینگی، نوسانات قیمت‌ها و چالش‌های تولید مواجه است.

### وضعیت تولید خودرو:

در سه ماهه اول سال ۱۴۰۳، خودروسازان بزرگ ایران، شامل ایران‌خودرو و سایپا، حدود ۲۱۳,۰۰۰ دستگاه خودرو تولید کردند. این میزان نشان‌دهنده رشد نسبی تولید نسبت به ماه‌های گذشته است، اما هنوز به اهداف تعیین‌شده برای تولید یک میلیون و ۵۰۰ هزار دستگاه نمی‌رسد. مشکلاتی مانند عدم افزایش مناسب قیمت خودرو و بدهی ۸۰ هزار میلیارد تومانی به قطعه‌سازان، بر روی توان تولید تأثیر گذاشته است.

### قیمت خودرو:

قیمت خودرو در بازار آزاد به شدت تحت تأثیر نوسانات ارزی و سیاست‌های دولت قرار دارد. به عنوان مثال، قیمت مدل‌های مختلف خودرو مانند پراید و تیبا به ترتیب در بازار آزاد ۳۳۵ تا ۳۴۸ میلیون تومان متغیر است. به طور کلی، قیمت‌ها در مقایسه با قیمت‌های کارخانه‌ای به طرز قابل توجهی بالاتر است. به طور کلی، قیمت‌ها در ماه‌های اخیر روند صعودی داشته‌اند و

اگر واردات خودروهای کار کرده (با عمر حداکثر ۵ سال) به طور جدی انجام شود، می‌تواند به کاهش قیمت‌ها و بهبود کیفیت خودروها منجر شود.

برای برآورد ضرر و زیانی که مافیای خودروسازی به اقتصاد ایران وارد کرده، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- تخلفات مالی و پولشویی: برخی از تخلفات مالی در صنعت خودرو مانند پولشویی و ثبت سفارش‌های صوری و غیر واقعی، به رقم‌های بسیار بالا می‌رسد. به عنوان مثال، تنها در یکی از پرونده‌های اخیر، مقدار پولشویی به مبلغ حدود ۳,۲۰۰ میلیارد تومان تخمین زده شده است.

۲- اختلال در بازار و حباب قیمتی: به‌طور میانگین، قیمت خودروهای داخلی در سال‌های اخیر بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ درصد افزایش یافته است. با توجه به اینکه تعداد خودروهای تولیدی در سال‌های اخیر حدود ۱ میلیون دستگاه بوده، می‌توان گفت که تنها از افزایش قیمت‌های غیرمنطقی، حدود ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار میلیارد تومان به اقتصاد ضرر وارد شده است.

۳- هزینه‌های معنوی، اجتماعی و عدم اعتماد عمومی: آثار اجتماعی فساد نیز به‌ویژه در کاهش اعتماد مردم به نهادهای دولتی و اقتصادی، تأثیر منفی گذاشته و ممکن است به کاهش سرمایه‌گذاری‌ها و کاهش رشد اقتصادی منجر شود. برآورد این هزینه‌ها به‌سختی ممکن است، اما می‌توان گفت که این هزینه‌ها می‌تواند به ده‌ها هزار میلیارد تومان برسد.

با در نظر گرفتن این نکات، می‌توان برآورد کرد که مجموع ضرر و زیانی که مافیای خودرو به اقتصاد ایران وارد کرده، می‌تواند بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار میلیارد تومان باشد. این برآورد شامل تخلفات مالی، افزایش قیمت‌ها و هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی ناشی از فساد است. (این اعداد تقریبی هستند و برای تحلیل دقیق‌تر، نیاز به تحقیقات و داده‌های بیشتری از سوی نهادهای نظارتی و اقتصادی وجود دارد.)

# فساد در قوه قضائیه

بخش دوم

## فصل اول: تاریخچه قوه قضائیه

قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران از زمان تأسیس جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۸، تغییرات ساختاری و مدیریتی متعددی داشته است.

### ۱. قوه قضائیه پیش از انقلاب اسلامی:

اولین سیستم قضایی منسجم در ایران در زمان رضاخان پهلوی و در سال ۱۳۰۶ شمسی شکل گرفت. این اقدام بخشی از برنامه‌های اصلاحات گسترده‌ای بود که رضاخان برای مدرن‌سازی و تمرکز قدرت در کشور انجام داد. پیش از آن، سیستم قضایی ایران بیشتر مبتنی بر قوانین شرعی و عرفی بود که توسط روحانیون و محاکم محلی اداره می‌شد و انسجام کافی نداشت. پیش از دوره رضاخان، سیستم قضایی ایران پراکنده و غیرمنسجم بود. محاکم شرعی زیر نظر روحانیون، قوانین فقهی را اجرا می‌کردند و محاکم عرفی نیز توسط مقامات محلی و گاهی بطور سلیقه‌ای عمل می‌کردند. نبود یک نهاد مرکزی باعث شده بود عدالت به‌طور عادلانه و هماهنگ اجرا نشود.

اصلاحات رضاشاه پهلوی در حوزه عدوت ایجاد یک سیستم قضایی مدرن



## اصلاحات رضاخان:

رضاخان پس از رسیدن به قدرت، با هدف تمرکزگرایی و ایجاد یک دولت مدرن، اصلاح سیستم قضایی را در دستور کار قرار داد. این اصلاحات شامل موارد زیر بود:

۱. تشکیل دادگستری مدرن: در سال ۱۳۰۶، با تأسیس وزارت عدلیه به ریاست علی‌اکبر داور، سیستم قضایی ایران وارد دوره‌ای جدید شد. داور، که از تحصیل‌کردگان حقوق در اروپا بود، نقش کلیدی در این اصلاحات ایفا کرد (اولین رئیس کانون وکلای ایران نیز بوده است).

۲. لغو محاکم سنتی و شرعی: با تصویب قوانین جدید، محاکم شرعی و محلی به تدریج منحل شدند و جای خود را به دادگاه‌های مدنی و کیفری مدرن دادند.

۳. تدوین قوانین مدون: در این دوره، قوانین جدیدی بر اساس الگوهای غربی، به‌ویژه سیستم حقوقی فرانسه، تدوین شد. این قوانین شامل قانون مدنی (۱۳۰۷) و قانون تجارت (۱۳۱۱) بود که تا امروز نیز مورد استفاده است.

۴. تربیت قضات حرفه‌ای: برای اجرای عدالت مدرن، داور اقدام به تربیت قضات حرفه‌ای کرد. بسیاری از این قضات از میان افراد تحصیل کرده و آموزش دیده در داخل و خارج از کشور انتخاب شدند.

۵. ایجاد دادگاه‌ها و نهادهای قضایی جدید: در این دوره، دادگاه‌های عمومی، تجدیدنظر، و دیوان عالی کشور به عنوان ستون‌های اصلی سیستم قضایی شکل گرفتند. وزارت عدلیه نیز به عنوان نهاد مرکزی، مدیریت و نظارت بر تمامی امور قضایی را بر عهده گرفت.



علی اکبر داور در لباس سلام دربار

اصلاحات قضایی رضاخان توانست نظم و انسجامی نسبی به سیستم قضایی ایران ببخشد. از مهم‌ترین دستاوردهای این دوره می‌توان به ایجاد یک سیستم قضایی مستقل از روحانیت سنتی و تدوین قوانین مدون اشاره کرد. با این حال، برخی از این اصلاحات با مقاومت روحانیون و محافظه‌کاران مواجه شد، زیرا آن را مغایر با سنت‌های اسلامی می‌دانستند.

این سیستم پایه‌گذار ساختار قضایی مدرن ایران شد که تا امروز نیز با تغییراتی، مورد استفاده قرار گرفته است. رؤسای این قوه توسط شاه منصوب می‌شدند.

## ۲. قوه قضاییه پس از انقلاب اسلامی:

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با تدوین قانون اساسی جدید در سال ۱۳۵۸، تغییرات گسترده‌ای در ساختار و عملکرد قوه قضاییه به وجود آمد. اصل ۱۵۶ قانون اساسی وظایف قوه قضاییه را مشخص کرد که شامل احیای حقوق عامه، نظارت بر اجرای قوانین، حل و فصل دعاوی، و پیشگیری از جرم است.

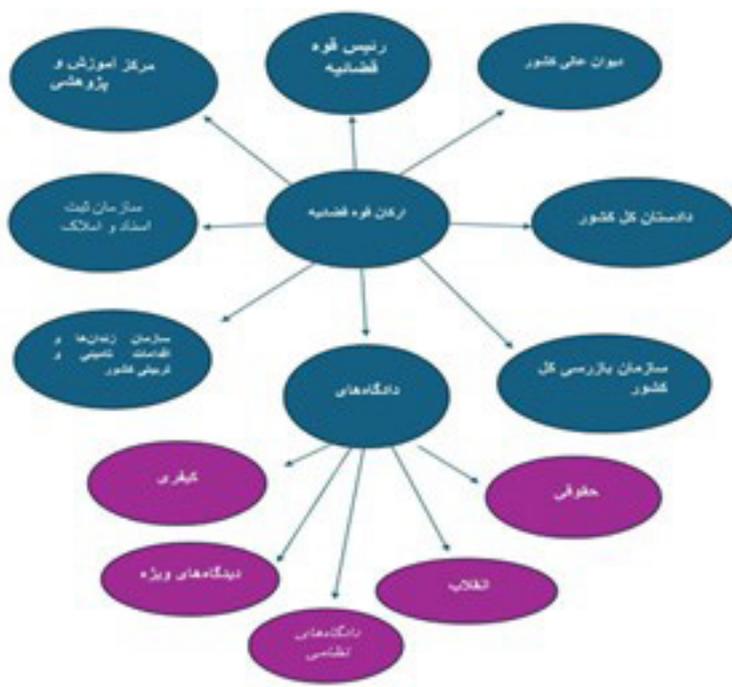
## فصل دوم: ساختار و عملکرد قوه قضائیه در جمهوری اسلامی ایران



### اصل تفکیک قوا

اصل تفکیک قوا یکی از اصول بنیادین دموکراسی و حکومت‌داری است که بر اساس آن، اختیارات و وظایف سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه از یکدیگر تفکیک و استقلال هر کدام تضمین می‌شود. این اصل به منظور جلوگیری از تمرکز بیش از حد قدرت در یک نهاد خاص و حفظ توازن و نظارت متقابل بین قوای مختلف طراحی شده است. در جمهوری اسلامی ایران،

این تفکیک به‌طور رسمی در (اصل ۵۷ قانون اساسی) تأسیس شده است. با این حال، در عمل، برخی از بخش‌های قضائیه تحت تأثیر نهاد رهبری و مقامات سیاسی قرار دارند، که به چالش‌هایی در خصوص استقلال قوه قضائیه منجر شده است. تفکیک قوا به‌ویژه در شرایطی که یک قوه به‌طور نامتناسبی بر سایر قوا تأثیر می‌گذارد، ممکن است از نظر اجرایی با دشواری‌هایی همراه شود، ولی به‌طور کلی هدف آن حفظ آزادی و حقوق شهروندی است.



### ساختار و عملکرد قوه قضائیه به شرح زیر است:

قوه قضائیه در جمهوری اسلامی ایران بر اساس اصل ۱۵۶ قانون اساسی به‌عنوان یکی از قوای سه‌گانه کشور تعریف شده و مسئولیت پیشگیری از وقوع جرم، نظارت بر اجرای قوانین، رسیدگی به تظلمات و اجرای عدالت را بر عهده دارد. با این حال، استقلال این نهاد در عمل با

چالش‌هایی همراه است. برخلاف بسیاری از کشورها که انتخاب رئیس دستگاه قضایی با رأی پارلمان یا از طریق فرآیندهای مستقل انجام می‌شود، در ایران رئیس قوه قضاییه مستقیماً توسط رهبر جمهوری اسلامی و برای دوره‌ای پنج‌ساله منصوب می‌شود. این نحوه گزینش، به دلیل عدم نظارت عمومی و نبود فرآیند پاسخ‌گویی، همواره مورد انتقاد بوده و تمرکز قدرت در رأس این قوه را افزایش داده است.

بر اساس اصل ۱۵۷ قانون اساسی، رئیس قوه قضاییه وظیفه سیاست‌گذاری در امور قضایی، نظارت بر اجرای صحیح قوانین، ایجاد تحول در دستگاه قضا و تعیین مقامات عالی قضایی را بر عهده دارد. یکی از مهم‌ترین اختیارات وی، پیشنهاد رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل کشور به رهبر جمهوری اسلامی است که پس از تأیید، منصوب می‌شوند. علاوه بر این، رئیس قوه قضاییه با اختیارات گسترده‌ای که در انتصاب و عزل مقامات قضایی دارد، نقش محوری در تعیین مسیر دستگاه قضایی ایفا می‌کند.

## • دیوان عالی کشور و دادستانی کل

دیوان عالی کشور، مطابق اصل ۱۶۱ قانون اساسی، بالاترین مرجع قضایی است و وظیفه نظارت بر اجرای قوانین، صدور آراء وحدت رویه و بررسی اعتراضات به احکام نهایی را بر عهده دارد. در این ساختار، دادستان کل کشور که طبق اصل ۱۶۲ قانون اساسی با پیشنهاد رئیس قوه قضاییه و تأیید رهبری منصوب می‌شود، مسئولیت نظارت بر عملکرد دادسراها و پیگیری جرایم عمومی را بر عهده دارد. دادستان کل، علاوه بر وظایف اجرایی خود، یکی از اعضای شورای نگهبان نیز محسوب می‌شود که در بررسی مصوبات مجلس نقش دارد. این هم‌پوشانی بین قوه قضاییه و شورای نگهبان، استقلال تصمیم‌گیری در هر دو نهاد را تحت تأثیر قرار داده است. افراد چون غلامحسین محسنی اژه‌ای، محمدجعفر منتظری، و سید ابراهیم رئیسی این مسئولیت را بر عهده داشته‌اند.

## • دادگاه‌ها و محاکم قضایی

سیستم قضایی ایران شامل مجموعه‌ای از دادگاه‌های عمومی و تخصصی است که هر کدام صلاحیت رسیدگی به پرونده‌های خاصی را دارند.

۱. دادگاه‌های عمومی و حقوقی بر اساس ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی، به دعاوی حقوقی و مدنی شهروندان رسیدگی می‌کنند.

۲. دادگاه‌های کیفری مطابق مواد ۲۹۴ تا ۳۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری به جرایم مختلف رسیدگی می‌کنند و بر اساس میزان مجازات، به دو نوع کیفری یک و کیفری دو تقسیم می‌شوند.

۳. دادگاه‌های انقلاب، که پس از انقلاب ۱۳۵۷ تأسیس شدند، مطابق ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری، به جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، جاسوسی، محاربه، افساد فی‌الارض، جرایم اقتصادی مهم و قاچاق مواد مخدر رسیدگی می‌کنند. این دادگاه‌ها از ابتدا به دلیل صلاحیت گسترده و فرآیندهای غیرشفاف، همواره مورد بحث بوده‌اند.

۴. دادگاه ویژه روحانیت، که بر اساس دستور مستقیم رهبر جمهوری اسلامی فعالیت می‌کند، به جرایم روحانیون رسیدگی کرده و برخلاف سایر دادگاه‌ها، خارج از چارچوب قوه قضاییه عمل می‌کند.

۵. دادگاه‌های نظامی مطابق مواد ۵۷۹ تا ۵۸۷ قانون آیین دادرسی کیفری، مسئول رسیدگی به جرایم نظامیان هستند و تحت نظارت سازمان قضایی نیروهای مسلح فعالیت می‌کنند.

## • دادسراها و نقش آن‌ها در سیستم قضایی

دادسراها مطابق مواد ۲۲ تا ۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری، مسئول تحقیق و پیگیری جرایم کیفری هستند. در دوران ریاست آیت‌الله هاشمی شاهرودی، این نهاد در سال ۱۳۸۱ موقتاً منحل شد و وظایف آن به دادگاه‌های عمومی سپرده شد، اما در سال ۱۳۸۲ مجدداً احیا شد. سازمان‌های وابسته به قوه قضاییه علاوه بر دادگاه‌ها و دادسراها، قوه قضاییه سازمان‌های متعددی را تحت مدیریت خود دارد:

۱. سازمان بازرسی کل کشور، بر اساس اصل ۱۷۴ قانون اساسی، وظیفه نظارت بر عملکرد نهادهای اجرایی را بر عهده دارد.
۲. دیوان عدالت اداری، مطابق اصل ۱۷۳ قانون اساسی، مرجع رسیدگی به شکایات مردم از نهادهای دولتی است.
۳. سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، مسئول اداره زندان‌ها، اجرای احکام کیفری و نظارت بر وضعیت زندانیان است.
۴. شورای حل اختلاف، بر اساس ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه، برای کاهش حجم پرونده‌های قضایی ایجاد شده و نقش میانجی‌گری را ایفا می‌کند.

## • نقش هیئت منصفه و جرایم سیاسی

بر اساس اصل ۱۶۸ قانون اساسی، رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی باید علنی و با حضور هیئت منصفه انجام شود. با این حال، در بسیاری از موارد، این اصل اجرایی نشده است. در دوران ریاست محمد یزدی بر قوه قضاییه، هیئت منصفه به‌طور عملی از روند دادرسی حذف شد و رسیدگی به بسیاری از پرونده‌های سیاسی در دادگاه‌های انقلاب انجام شد. در حال

حاضر، اگرچه در برخی پرونده‌های مطبوعاتی، هیئت منصفه به‌طور محدود فعالیت دارد، اما در پرونده‌های سیاسی، این روند کمتر مشاهده می‌شود و بسیاری از این پرونده‌ها تحت عناوینی همچون "جرائم امنیتی" بررسی می‌شوند.

## • چالش‌ها و محدودیت‌های قوه قضاییه

سیستم قضایی ایران با چالش‌های متعددی از جمله طولانی بودن فرآیند دادرسی، نفوذ نهادهای امنیتی، صدور احکام غیرشفاف، محدودیت در دسترسی به وکلای مستقل، و فساد اداری در برخی بخش‌های قضایی مواجه است. مطابق ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، در برخی پرونده‌ها، متهمان تنها می‌توانند از میان وکلای مورد تأیید قوه قضاییه، وکیل انتخاب کنند. این محدودیت، اصل دادرسی عادلانه را به چالش کشیده و در بسیاری از پرونده‌های امنیتی، دفاع مؤثر متهمان را دشوار کرده است.

علاوه بر این، پرونده‌های فساد مالی در سطوح بالای دستگاه قضا، نگرانی‌هایی را در مورد سلامت این نهاد ایجاد کرده است. در سال‌های اخیر، موارد متعددی از تخلفات اقتصادی در دستگاه قضایی مطرح شده که نشان‌دهنده ضعف نظارت داخلی و وجود شبکه‌های نفوذ در این سیستم است. در کنار این مسائل، وجود دادگاه‌های ویژه مانند دادگاه انقلاب و دادگاه ویژه روحانیت، که به‌صورت مستقیم تحت نفوذ نهادهای حکومتی فعالیت می‌کنند، باعث شده که بسیاری از احکام صادره، مورد انتقاد حقوق‌دانان و فعالان مدنی قرار گیرد. همچنین، حضور مقامات قضایی در نهادهای سیاسی مانند شورای نگهبان، هم‌پوشانی قدرت را افزایش داده و استقلال سیستم قضایی را محدود کرده است.

## • وظایف کلی قوه قضائیه

از جمله وظایف کلی قوه قضائیه عبارتند از:

۱. رسیدگی به دعاوی و اختلافات.
۲. مبارزه با فساد و جرایم.
۳. نظارت بر اجرای صحیح قوانین.
۴. حفظ حقوق عمومی و آزادی‌های مشروع مردم.
۵. ساختار قوه قضائیه با هدف حفظ استقلال قضات و جلوگیری از مداخله سایر قوا در امور قضایی طراحی شده است.

## فصل سوم: روسای قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، قوه قضائیه به‌عنوان یکی از ارکان اساسی حکومت دچار تغییرات گسترده‌ای شد و مسیر جدیدی را در جهت اجرای قوانین مبتنی بر مبانی فقه اسلامی در پیش گرفت.

طی بیش از چهار دهه، شخصیت‌های مختلفی ریاست این قوه را بر عهده داشته‌اند که هر یک، متناسب با شرایط سیاسی، اجتماعی و حقوقی کشور، اصلاحات و تغییراتی را در ساختار و عملکرد این نهاد رقم زده‌اند.

با این حال، عملکرد دستگاه قضایی همواره محل بحث و نقد بوده و چالش‌های متعددی از جمله استقلال قوه، مبارزه واقعی با فساد و اجرای عادلانه قوانین، همواره مورد توجه جامعه و کارشناسان حقوقی قرار گرفته است.



### • آیت‌الله سید محمد بهشتی

نخستین رئیس دستگاه قضایی پس از انقلاب، آیت‌الله سید محمد بهشتی بود. او از معماران اصلی نظام جمهوری اسلامی محسوب می‌شد و تلاش داشت دستگاه قضایی جدید را بر پایه اصول اسلامی و انقلابی بنیان‌گذاری کند. در دوران کوتاه حضورش در قوه قضاییه، چارچوب‌های جدیدی برای نظام حقوقی کشور طراحی شد. اما این دوران، به دلیل چالش‌های ناشی از تغییر ساختار حقوقی و مناقشات سیاسی، با تنش‌های فراوانی همراه بود. ایشان در (۷ تیر ۱۳۶۰) در پی انفجار بمب در دفتر حزب جمهوری اسلامی در گذشتند.

### • آیت‌الله عبدالکریم موسوی اردبیلی

پس از او، آیت‌الله عبدالکریم موسوی اردبیلی ریاست قوه قضاییه را بر عهده گرفت. دوران مدیریت او، که در شرایط جنگ و بحران‌های داخلی سپری شد، بیشتر معطوف به تثبیت ساختارهای حقوقی جدید بود. در این دوره، قوانین بسیاری بر اساس مبانی فقهی تدوین و اجرا

شد. اما مسئله استقلال دستگاه قضایی در برابر دیگر نهادهای حکومتی و همچنین نحوه اجرای برخی احکام قضایی، محل انتقاد برخی از حقوقدانان قرار گرفت. ۲۶ اسفند ۱۳۹۰ فوت کردند.

### • آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله محمد یزدی

با آغاز دوره رهبری آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله محمد یزدی به ریاست قوه قضاییه منصوب شد. وی تلاش کرد با اجرای سیاست‌های جدید، نظام حقوقی کشور را هرچه بیشتر با احکام اسلامی هماهنگ کند. اما در دوران او، انتقاداتی نسبت به سخت‌گیری‌های قضایی، فقدان شفافیت در برخی پرونده‌ها و عملکرد ضعیف در کاهش حجم بالای پرونده‌های معوق مطرح شد. برخی کارشناسان، دوره او را دوره‌ای توأم با اقتدارگرایی در دستگاه قضا می‌دانند که در آن، استقلال این قوه در برابر سایر نهادهای حاکمیتی کاهش یافت. هیئت منصفه در دوران آیت‌الله محمد یزدی (۱۳۶۸-۱۳۷۸) منحل شد. تاریخ فوت ایشان ۲۶ اسفند ۱۳۹۹ است. در سال‌های بعد افشاگری‌های از فساد در خانواده یزدی منتشر صورت گرفت. ایشان در ۲۴ آذر ۱۳۹۷ فوت کردند.

در نظام حقوقی ایران، هیئت منصفه همچنان به عنوان بخشی از فرایند قضایی در رسیدگی به جرایم مطبوعاتی و سیاسی شناخته می‌شود، اما جایگاه و نقش آن همواره با محدودیت‌هایی همراه بوده است. طبق اصل ۱۶۸ قانون اساسی، این هیئت باید در محاکم مربوط به جرایم سیاسی و مطبوعاتی حضور داشته باشد، اما در عمل، ساختار و کارکرد آن تفاوت بسیاری با نمونه‌های مشابه در نظام‌های حقوقی دیگر دارد. پس از انقلاب اسلامی، هیئت منصفه مدتی کنار گذاشته شد و تا سال‌ها جایگاهی در دادگاه‌های ایران نداشت. در دوران ریاست آیت‌الله محمد یزدی بر قوه قضاییه، این نهاد عملاً از روند دادرسی حذف شد و محاکم بدون حضور آن به رسیدگی پرونده‌های سیاسی و مطبوعاتی ادامه دادند. با تغییر مدیریت قوه قضاییه و اصلاحات

بعدی، در دوران آیت‌الله هاشمی شاهرودی، هیئت منصفه بار دیگر در ساختار قضایی کشور احیا شد و در برخی دادگاه‌های ویژه، به‌ویژه محاکم مطبوعاتی، حضور پیدا کرد. با این حال، عملکرد آن همچنان تحت تأثیر محدودیت‌های ساختاری قرار داشت و نتوانست به عنوان یک نهاد مستقل و تأثیرگذار در تصمیم‌گیری‌های قضایی نقش‌آفرینی کند. یکی از مشکلات اساسی در کارکرد هیئت منصفه، نحوه‌گزینش اعضای آن است. برخلاف نظام‌های حقوقی که در آن‌ها اعضای هیئت منصفه به‌صورت تصادفی از میان شهروندان عادی انتخاب می‌شوند، در ایران این افراد توسط نهادهای حکومتی معرفی و گزینش می‌شوند که این موضوع به استقلال و بی‌طرفی هیئت منصفه لطمه وارد می‌کند. علاوه بر این، تصمیمات این هیئت در فرآیند دادرسی الزام‌آور نیست و تنها جنبه مشورتی دارد، به این معنا که قاضی می‌تواند بدون توجه به نظر اعضای هیئت منصفه، رأی نهایی را به‌صورت مستقل صادر کند. چنین ساختاری موجب شده است که این نهاد نتواند تأثیر چندانی بر روند دادرسی بگذارد و در بسیاری از موارد، صرفاً به عنوان یک تشریفات قانونی در جلسات دادگاه حضور یابد. با وجود این که در سال ۱۳۹۵، قانون جرم سیاسی تصویب شد و هیئت منصفه به عنوان بخشی از روند دادرسی در نظر گرفته شد، اما تعریف ارائه‌شده از جرم سیاسی و نحوه رسیدگی به آن به گونه‌ای است که بسیاری از فعالان سیاسی و رسانه‌ای همچنان بر اساس اتهام‌های امنیتی محاکمه می‌شوند و عملاً از حق برخورداری از هیئت منصفه محروم می‌مانند. این وضعیت باعث شده است که حضور این نهاد در دادگاه‌ها نه تنها نتواند به تأمین عدالت و رعایت حقوق متهمان کمک کند، بلکه به تدریج به نهادی کم‌اثر و در بسیاری از موارد، صرفاً نمادین تبدیل شود.

#### • سید محمود هاشمی شاهرودی

آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی در سال ۱۳۷۸ ریاست قوه قضاییه را بر عهده گرفت.

او تلاش کرد تغییراتی را در روند رسیدگی به پرونده‌ها ایجاد کند. در سال ۱۳۸۱، با هدف تسریع در رسیدگی به پرونده‌ها و کاهش اطاله دادرسی، قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب اصلاح شد و بر اساس آن، دادسراها منحل و سیستم قضایی به ساختار دادگاه‌های عمومی تغییر یافت. این تصمیم که به حذف نقش دادستان در فرآیند رسیدگی قضایی منجر شد، در عمل مشکلات متعددی را برای سیستم قضایی کشور ایجاد کرد. نبود نظارت دادستان بر تحقیقات مقدماتی و ناهماهنگی در رسیدگی به جرایم، از مهم‌ترین پیامدهای این تغییر بود. با افزایش مشکلات ناشی از این تغییر، در سال ۱۳۸۲، مجدداً ساختار دادسراها احیا شد و مقام دادستان به قوه قضاییه بازگشت. این تصمیم نشان داد که حذف دادسراها، نه تنها کمکی به بهبود فرآیند قضایی نکرده، بلکه مشکلات جدیدی را نیز به همراه داشته است. مهم‌ترین اقدام او، راه‌اندازی شوراهای حل اختلاف بود که با هدف کاهش حجم پرونده‌های ورودی به دادگاه‌ها صورت گرفت. با این حال، این اصلاحات در عمل به نتایج مورد انتظار منجر نشد و دستگاه قضایی همچنان با انباشت پرونده‌ها و فرآیندهای طولانی دادرسی مواجه بود. ایشان در ۲۴ آذر ۱۳۹۷ درگذشتند.

## • آیت‌الله صادق آملی لاریجانی

در سال ۱۳۸۸، آیت‌الله صادق آملی لاریجانی به ریاست قوه قضاییه منصوب شد. او در این دوره، بر مبارزه با فساد تأکید داشت و اصلاحات گسترده‌ای را در حوزه فناوری و سیستم‌های اداری قوه قضاییه آغاز کرد. اما هم‌زمان، پرونده‌های بسیاری از فسادهای کلان اقتصادی مطرح شد که نحوه رسیدگی به آن‌ها مورد انتقاد قرار گرفت. عدم شفافیت در برخی از این پرونده‌ها، موجب شد که دستگاه قضا در این دوره با اتهاماتی همچون برخوردهای گزینشی با مفسد اقتصادی مواجه شود.

## • حجت‌الاسلام سید ابراهیم رئیسی

در سال ۱۳۹۸، حجت‌الاسلام سید ابراهیم رئیسی که پیش‌تر تولیت آستان قدس رضوی را بر عهده داشت، ریاست قوه قضاییه را برعهده گرفت. او با وعده مبارزه گسترده با فساد و احیای حقوق عامه کار خود را آغاز کرد و پرونده‌های متعددی را در این زمینه گشود. با این حال، عملکرد او نیز با انتقاداتی همراه بود؛ از جمله اینکه برخی از مبارزه‌های ضدفساد، بیشتر جنبه تبلیغاتی پیدا کرد و در برخی موارد، رسیدگی به تخلفات افراد نزدیک به مراکز قدرت، کمتر مورد توجه قرار گرفت. ایشان در زمانی که رئیس‌جمهور بودند در سانحه سقوط هلیکوپتر در تاریخ دوشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۳ فوت شدند.

## • حجت‌الاسلام غلامحسین محسنی اژه‌ای

پس از انتخاب رئیسی به عنوان رئیس‌جمهور در سال ۱۴۰۰، حجت‌الاسلام غلامحسین محسنی اژه‌ای که سال‌ها در نهادهای مختلف امنیتی و قضایی فعالیت داشت، به عنوان رئیس قوه قضاییه منصوب شد. او با وعده افزایش شفافیت، تسریع در روند رسیدگی به پرونده‌ها و اصلاح برخی رویه‌های قضایی، مدیریت این نهاد را به دست گرفت. با این حال، همچنان انتقاداتی نسبت به عملکرد قوه قضاییه، از جمله در حوزه استقلال قضاوت، عدم اجرای کامل عدالت اجتماعی و تأثیرپذیری از نهادهای قدرت، مطرح است.

در مجموع، عملکرد قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران طی چهار دهه گذشته همواره مورد بحث بوده است. در حالی که برخی اقدامات در جهت اصلاح ساختارهای قضایی و مبارزه با فساد صورت گرفته، اما چالش‌های اساسی همچون استقلال دستگاه قضا، شفافیت در رسیدگی به پرونده‌ها و اجرای عدالت بی‌طرفانه، همچنان از دغدغه‌های اصلی جامعه حقوقی و افکار عمومی محسوب می‌شود.

در دوره‌های مختلف ریاست قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران، پرونده‌های جنجالی و همچنین مواردی از فساد در دستگاه قضایی وجود داشته است. در ادامه به تفکیک دوره‌های مختلف ریاست قوه قضاییه، برخی از مهم‌ترین پرونده‌های جنجالی و فساد اشاره می‌شود:

## ۱. آیت‌الله سید محمد بهشتی (۱۳۵۸-۱۳۶۰)

### پرونده‌های مهم:

- ترورهای اول انقلاب: ترور مسئولان قضایی و سیاسی از جمله شخصیت‌هایی مانند آیت‌الله مرتضی مطهری و حادثه انفجار حزب جمهوری اسلامی.

- پرونده اعضای گروهک‌های معارض: رسیدگی به پرونده‌های سازمان مجاهدین خلق و سایر گروه‌های ضدانقلاب. این دوره به دلیل تازه‌تأسیس بودن قوه قضاییه، بیشتر تمرکز بر مقابله با بی‌نظمی و تثبیت ساختارها بود.

## ۲. آیت‌الله عبدالکریم موسوی اردبیلی (۱۳۶۰-۱۳۶۸)

### پرونده‌های مهم:

- اعدام‌های دهه ۶۰: اعدام گسترده اعضای سازمان مجاهدین خلق و دیگر مخالفان نظام در سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۶۷.

- پرونده جنگ: رسیدگی به تخلفات مالی و سیاسی در دوران جنگ ایران و عراق. از جمله پرونده‌های برجسته دوران آقای اردبیلی بوده است.

### ۳. آیت‌الله محمد یزدی (۱۳۶۸-۱۳۷۸)

#### پرونده‌های مهم:

- پرونده قتل‌های زنجیره‌ای (۱۳۷۷): قتل چند روشنفکر و فعال سیاسی مانند داریوش و پروانه فروهر که به وزارت اطلاعات نسبت داده شد.

- پرونده میکونوس (۱۳۷۵): ترور مخالفان نظام در خارج از کشور و محاکمه عوامل مرتبط در آلمان در دوران ایشان باز و بررسی شد.

در این دوره عملکرد قوه قضاییه به دلیل عدم شفافیت، مورد انتقاد بود.

### ۴. آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی (۱۳۷۸-۱۳۸۸)

#### پرونده‌های مهم:

- پرونده زهرا کاظمی (۱۳۸۲): قتل روزنامه‌نگار ایرانی-کانادایی در زندان اوین.

- پرونده فساد مالی در دولت احمدی‌نژاد (۱۳۸۴-۱۳۸۸): مواردی مانند پرونده شهرام جزایری و اختلاس‌های بزرگ این پرونده در آن زمان بسیار جنجالی شد. در سال‌های پایانی ریاست شاهرودی، انتقاداتی درباره عدم شفافیت در برخی از پرونده‌های قضایی مطرح شد، آقای شاهرودی متهم به تخلفاتی بودند که به آنها رسیدگی نشد.

### ۵. آیت‌الله صادق آملی لاریجانی (۱۳۸۸-۱۳۹۸)

#### پرونده‌های مهم:

- پرونده کهریزک (۱۳۸۸): رسیدگی به تخلفات مأموران امنیتی در ماجرای بازداشت‌های

پس از انتخابات ۱۳۸۸.

- پرونده بابک زنجانی (۱۳۹۲): یکی از بزرگ‌ترین پرونده‌های فساد اقتصادی که مرتبط با نفت و معاملات بین‌المللی بود.

- پرونده رحیمی و مرتضوی (۱۳۹۰-۱۳۹۲): فساد معاون اول رئیس‌جمهور و رئیس سابق تأمین اجتماعی از جمله پرونده‌های مهم این دوره بوده است.

- پرونده حساب‌های قوه قضاییه (۱۳۹۵): افشای حساب‌های شخصی رئیس قوه قضاییه که گفته شد با پول‌های دولتی اداره می‌شوند. این مسئله به شدت جنجال‌برانگیز شد.

- پرونده اکبر طبری (۱۳۹۸): معاون اجرایی قوه قضاییه به اتهام فساد مالی دستگیر و محاکمه شد. این پرونده اعتبار دوران آملی لاریجانی را تحت‌الشعاع قرار داد.

## ۶. حجت‌الاسلام سید ابراهیم رئیسی (۱۳۹۸-۱۴۰۰)

### پرونده‌های مهم:

- پرونده اکبر طبری: ادامه رسیدگی به پرونده فساد اکبر طبری و دستگیری و محاکمه سایر افراد مرتبط.

- پرونده‌های خصوصی‌سازی: بررسی فساد در خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی مانند نیشکر هفت‌تپه.

در دوره کوتاه ریاست رئیسی، گزارش مستقیمی از فساد شخصی یا اطرافیان وی منتشر نشد، اما عملکرد دستگاه قضایی به دلیل سرعت رسیدگی به پرونده‌ها مورد توجه قرار گرفت.

## ۷. حجت‌الاسلام غلامحسین محسنی اژه‌ای (۱۴۰۰-۱کنون)

### پرونده‌های مهم:

- پرونده فساد خودرو (۱۴۰۱): دستگیری عوامل مرتبط با تخلفات در واردات و توزیع خودرو
- پرونده‌های محیط‌زیستی: رسیدگی به پرونده فعالان محیط‌زیست متهم به جاسوسی.

## فصل چهارم: تعریف فساد

تعریف فساد و اهمیت بررسی فساد در قوه قضاییه و تاثیر این تخلفات و فسادها در جامعه

### - تعریف فساد قضایی

در اینجا چند تعریف دیگر از منابع مختلف می‌آورم تا نقاط مشترک و مهم این تعاریف بهتر مشخص شود:

۱. طبق تعریف بانک جهانی (World Development Report 2000/2001):  
(Attacking Poverty)

فساد قضایی به هرگونه سوءاستفاده از قدرت قضایی توسط قضات، وکلا، کارکنان قضایی یا سایر افراد مرتبط با سیستم قضایی برای دستیابی به منافع شخصی، گروهی یا سیاسی گفته می‌شود. این مفهوم شامل رشوه‌خواری، اعمال نفوذ، تبعیض، تأخیر غیرضروری در پرونده‌ها، نقض بی‌طرفی، و تصمیم‌گیری‌های ناعادلانه است.

۲. تعریف تاد آر. کلاینسکی (Todd R. Clear):

بر اساس کتاب *The Ethics of Criminal Justice: Balancing Truth and Fairness*، کتاب اخلاق عدالت کیفری: تعادل بین حقیقت و انصاف.

فساد قضایی حالتی است که در آن قواعد و اصول عدالت قربانی منافع فردی یا گروهی

می‌شود و تصمیم‌گیری‌های قضایی از مسیر قانونی خارج می‌شوند.

۳. سازمان شفافیت بین‌الملل فساد قضایی را چنین تعریف می‌کند: هرگونه نفوذ نامناسب بر بی‌طرفی فرایند قضایی از سوی هر عاملی در نظام دادگاه‌ها. هدف از رفتارهای فاسد در بخش قضایی می‌تواند متفاوت باشد: برخی فسادها برای منحرف کردن فرایند قضایی در جهت تولید نتیجه‌ای ناعادلانه است اما بسیاری از مردم رشوه می‌دهند تا فرایند قضایی را به سوی نتیجه عادلانه و منصفانه سوق دهند. قوای قضاییه که فساد ساختاری دارند به طور کلی در جوامعی وجود دارند که در بخش عمومی آن‌ها نیز فساد گسترده است. دو گونه فساد بر قوای قضاییه تأثیر می‌گذارد: یک، مداخله سیاسی در فرایند قضایی از سوی قوه مجریه یا مقننه؛ دو، رشوه. بررسی‌ها از ۳۲ کشور نشان می‌دهند که برای رفع فساد قضایی می‌توان چهار نکته را مدنظر داشت: ۱- انتصاب قضات بر مبنای شایستگی ۲- تأمین درآمد و شرایط کاری مطمئن ۳- پاسخگویی و اقدامات انتظامی، شفافیت در عزل قاضی ۴- شفافیت فرایندهای مبهم دادگاه، دارایی قضات و حضور روزنامه‌نگاران در وقایع دادگاه‌ها.

### • چرا مطالعه فساد در قوه قضائیه اهمیت دارد:

قوه قضائیه نهادی است که مسئول اجرای عدالت، حفظ حقوق مردم و مبارزه با جرائم است. اگر فساد به این نهاد راه پیدا کند، اعتماد مردم از بین می‌رود و سیستم حقوقی کارایی خودش را از دست می‌دهد. بررسی فساد در این قوه به چند دلیل مهم است.

۱. حفظ اعتماد عمومی: فساد در دستگاه قضایی باعث کاهش اعتماد مردم به عدالت و قانون می‌شود.

۲. پیشگیری از گسترش فساد: اگر خود نهاد قضایی فاسد باشد باعث گسترش فساد در سایر بخش‌های جامعه تبدیل شود.

۳. تقویت شفافیت و پاسخگویی: بررسی فساد و دلایل آن می‌تواند به شفافیت و مسئولیت‌پذیری بیشتر قوه قضائیه منجر شود.

۴. اجرای واقعی عدالت: فساد مانع از صدور احکام عادلانه می‌شود و باعث تبعیض در جامعه می‌گردد.

فساد در قوه قضائیه به اجرای عدالت و جامعه آسیب بزند:

۱. اختلال در اجرای عدالت: قوه قضائیه نهادی است که باید به شکایات و اختلافات پاسخ دهد و عدالت را برقرار کند. فساد در این نهاد باعث می‌شود احکام غیرعادلانه صادر شود و مجرمان واقعی از مجازات فرار کنند.

۲. کاهش اعتماد عمومی: اعتماد مردم به قوه قضائیه یکی از پایه‌های نظام سیاسی و اجتماعی است. فساد در این نهاد باعث می‌شود مردم به عدالت و قانون بی‌اعتماد شوند، که این مسئله نظم اجتماعی و حتی خود حکومت را تهدید می‌کند. وقتی مردم ببینند قانون فقط برای ضعیف اجرا می‌شود، دیگر به سیستم قضایی اعتماد نمی‌کنند.

۳. گسترش فساد در کل جامعه: قوه قضائیه مرجع نظارت و مقابله با فساد در سایر بخش‌های جامعه است. فساد در این نهاد، عملاً مبارزه با فساد را غیرممکن می‌کند و در نهادهای دیگر را به فساد آلوده می‌کند.

۴. تضعیف حکمرانی و قانون‌مداری: فساد در قوه قضائیه منجر به بی‌اعتباری قوانین و ضعف حکمرانی می‌شود. مردم احساس می‌کنند که قانون تنها برای افراد عادی اجرا می‌شود و قدرتمندان از آن مصون هستند.

۵. خطر فروپاشی عدالت اجتماعی و تشدید نابرابری: در صورت عدم مقابله با فساد، شکاف طبقاتی و بی‌عدالتی اجتماعی بیشتر می‌شود. این مسئله می‌تواند نارضایتی عمومی و در نهایت

بحران‌های اجتماعی را به همراه داشته باشد.

۶. اثر بر امنیت و توسعه اقتصادی: سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی برای فعالیت اقتصادی نیاز به امنیت حقوقی دارند. فساد در قوه قضائیه باعث کاهش این امنیت و کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود.

فساد در قوه قضائیه نه تنها اجرای عدالت را مختل می‌کند، بلکه به عنوان یک عامل بحران‌زا و تهدید کننده می‌تواند کل سیستم حکومتی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین، مطالعه و شناسایی دلایل فساد، شفاف‌سازی و اصلاح ساختارهای قضایی و افزایش نظارت بر این نهاد از ضروریات اساسی برای حفظ اعتماد عمومی و تقویت حکمرانی است.

## • حفظ توازن قوا

در نظام‌های دموکراتیک، اصل تفکیک قوا و ایجاد توازن میان آنها از اصول بنیادین محسوب می‌شود. این سازوکار مانع از تمرکز قدرت در یکی از قوای سه‌گانه (مجریه، مقننه و قضائیه) گردیده و ضمانت‌بخش اجرای صحیح وظایف هر قوه در چارچوب قانون اساسی است. استقلال قوه قضائیه به عنوان رکن نظارتی نظام، نقش محوری در پیشگیری از انحصار قدرت در سایر قوا ایفا می‌نماید. در خصوص وضعیت قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران، باید اذعان داشت که این نهاد با چالش‌های ساختاری در زمینه استقلال عملکرد مواجه است. بررسی‌های کارشناسی نشان می‌دهد که قوه قضائیه در ایران تحت تأثیر عوامل و نهادهای فراقوه‌ای قرار داشته که این امر به دلایل متعدد سیاسی، حقوقی و ساختاری قابل تحلیل است. این شرایط موجب گردیده که استقلال قضایی به معنای متعارف آن در نظام‌های حقوقی مدرن، در ایران به طور کامل محقق نگردد.

عوامل مؤثر بر این وضعیت را می‌توان در ابعاد ذیل مورد بررسی قرار داد:

۱. ساختار حقوقی نظام جمهوری اسلامی ایران
  ۲. جایگاه نهادهای فراقوه‌ای در نظام سیاسی کشور
  ۳. سازوکارهای انتصاب و عزل مقامات قضایی
  ۴. محدودیت‌های نهادی در اجرای کامل اصل تفکیک قوا
  ۵. چالش‌های ناشی از تفسیر خاص از مفهوم ولایت فقیه
- این مسائل موجب گردیده که قوه قضائیه ایران در عمل با چالش‌های جدی در زمینه استقلال عملکرد مواجه باشد.

## ۱. تأسیس و تغییرات پس از انقلاب اسلامی (۱۳۵۷)

استقلال قوه قضائیه ایران از زمان انقلاب اسلامی ۵۷ دستخوش تغییرات عمده‌ای شده است. پس از پیروزی انقلاب، بسیاری از نهادهای حکومتی و قضائی تغییرات اساسی پیدا کردند و ساختار جدیدی برای کشور طراحی شد. در ساختار جدید، قوه قضائیه به‌طور مستقیم به رهبری و نظام سیاسی وابسته شد. رئیس قوه قضائیه توسط شخص ولی فقیه (رهبر) منصوب می‌شود، که این امر تاثیر مستقیمی بر سطح استقلال این نهاد دارد.

## ۲. نظارت ولی فقیه و نقش آن در قوه قضائیه

نهاد ولی فقیه در نظام جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان بالاترین مقام سیاسی و دینی کشور، قدرت فراوانی در بسیاری از ارگان‌ها، از جمله قوه قضائیه دارد. رئیس قوه قضائیه توسط ولی فقیه منصوب می‌شود و در عمل بسیاری از تصمیمات قضائی تحت نظارت و هدایت ولی فقیه قرار دارد. این نظارت و وابستگی به رهبری باعث می‌شود که قوه قضائیه نتواند به‌طور کامل از دخالت‌های سیاسی و اجرائی مستقل باشد.

### ۳. تداخل قوا و فقدان تفکیک کامل قوا

اگرچه اصل تفکیک قوا در قانون اساسی پیش‌بینی شده است، اما در عمل شاهد نوعی تداخل عملکردی بین قوا هستیم. این وضعیت به ویژه در ارتباط بین قوه قضائیه و سایر نهادهای حاکمیتی مشهود است که منجر به کاهش سطح استقلال قضایی گردیده است.

### ۴. نهادهای موازی قضایی

در ایران، علاوه بر قوه قضائیه، نهادهایی امنیتی-قضایی مانند سپاه پاسداران، قوه قضائیه نظامی وجود دارند که از قدرت زیادی برخوردارند و در برخی مواقع، تصمیمات قضائی و اجرائی را تحت تاثیر قرار می‌دهند. این نهادهای موازی استقلال قوه قضائیه را تضعیف می‌کنند و باعث می‌شوند که قضات نتوانند تصمیمات خود را بدون فشار و دخالت خارجی و بر اساس قانون و عدالت اتخاذ کنند.

### ۵. دخالت‌های سیاسی در فرایند انتصاب قضات و روند دادرسی

در ایران، انتخاب قضات و به‌ویژه مقامات ارشد قضائی تحت تاثیر مقامات سیاسی و اجرائی قرار دارد. رئیس قوه قضائیه توسط ولی‌فقیه منصوب می‌شود و اعضای شورای نگهبان که برخی از اعضای آن از مقامات سیاسی هستند، در انتخاب قضات نقش دارند. این امر موجب می‌شود که قوه قضائیه نتواند به‌طور مستقل عمل کند و از نفوذ سیاسی آسیب ببیند.

### ۶. عدم شفافیت و فشارهای اجتماعی

عدم شفافیت در برخی فرآیندهای قضایی و تأثیرپذیری از نهادهای اطلاعاتی و امنیتی، از دیگر عواملی است که استقلال قضایی را با چالش مواجه ساخته است. این وضعیت به ویژه در

پرونده‌های دارای ابعاد سیاسی مشهودتر است.

## ۷. تحول در دوران جنگ ایران و عراق (۱۳۵۹-۱۳۶۷)

دوران جنگ ایران و عراق و بحران‌های سیاسی و اجتماعی مرتبط با آن نیز بر استقلال قوه قضائیه تأثیر گذاشت. در دوران جنگ هشت ساله، بسیاری از نهادهای دولتی و قضائی تحت فشارهای شدید قرار گرفتند و نقش‌های سیاسی و اجرائی در تعیین قضات و نحوه رسیدگی به پرونده‌ها پررنگ‌تر شد.

## فصل پنجم: فساد در قوه قضائیه

### نمونه‌های از تخلفات قوه قضائیه:

در سال‌های اخیر گزارش‌های متعددی درباره فساد در بدنه قوه قضائیه ایران منتشر شده است. هرچند که اطلاعات و آمار دقیق و جامعی از میزان فساد در سیستم قضایی در دسترس نیست اما طبق گزارش‌ها، در سال‌های اخیر، بیش از ۷۰۰ پرونده تخلف علیه قضات و کارکنان دستگاه قضائی ثبت شده که منجر به تعلیق یا استعفاى تعدادی از قضات شد. این فسادها و اختلاس‌ها همچنان توجه افکار عمومی را جلب کرده و واکنش‌های مختلفی در سطح جامعه و مسئولین برانگیخته است. در سال‌های اخیر، گزارش‌های مختلفی از فساد در قوه قضائیه ایران منتشر شده است که در برخی موارد، به آشنایی با مقامات عالی رتبه یا همکاری در تخلفات مقامات مربوط می‌شود.

### فساد در دستگاه قضایی؛ از شایعه تا واقعیت:

۱. قاضی رشوه‌خوار (پرونده محمدمامین زاده - ۱۳۹۸): ایشان یکی از قضات بلندپایه که به فساد مالی و دریافت رشوه در قبال صدور احکام قضائی متهم شد. پرونده ایشان وقتی علنی شد که یکی از شاکیان جرات کرد و مدارک را به رسانه‌ها داد. وی به همکاری با برخی مقامات قضائی در تخلفات مرتبط با پرونده‌های مالی متهم شد.

۲. فساد قضائی در پرونده تأسیس دادگاه‌های ویژه اقتصادی (۱۳۹۸-۱۳۹۷): این پرونده شامل فساد در تأسیس و مدیریت دادگاه‌های ویژه اقتصادی بود که به دستگیری برخی مقامات قضائی و دیگر افراد مرتبط انجامید. این مورد واقعا دردناک بود چرا که همان دادگاه‌هایی که قرار بود با فساد مبارزه کنند، خودشان به لانه فساد تبدیل شدند. بعضی قضات این دادگاه‌ها آنقدر درگیر معاملات پشت پرده شدند که آخر کار خودشان به متهم پرونده تبدیل شدند.

۳. پرونده فساد مالی قاضی منصوری (۱۳۹۹): قاضی منصوری که به اتهام فساد مالی و ارتباط با افراد پشت پرده در پرونده‌های مختلف متهم بود، در یکی از پرونده‌های فساد بزرگ دستگیر و سپس به خارج از کشور فرار کرد.

۴. فساد درست در قلب نظارت (سازمان بازرسی - ۱۳۹۶): اعضای این سازمان به اتهام فساد و دریافت رشوه در مواردی که مربوط به تحقیق و نظارت قضائی بود، مورد تحقیق قرار گرفتند. این مورد شبیه به این بود که از دزدی بخواهند دزدان دیگر را کنترل کند! این‌ها فقط چند نمونه از فسادهای سیستماتیک و بزرگ در قوه قضائیه بوده‌اند که در رسانه‌ها گزارش شده است.

در سال‌های اخیر، چندین پرونده جنجالی به افراد وابسته به قوه قضائیه یا نزدیکان رئیس قوه قضائیه مربوط بوده که توجه رسانه‌ها و افکار عمومی به جلب کرده است. این پرونده‌ها اغلب شامل اتهامات فساد مالی، تخلفات قضائی و ارتباطات مشکوک بوده‌اند.

چند نمونه دیگر از این پرونده‌ها به شرح زیر است:

۱. پرونده فساد مالی سید روح‌الله حسینیان (۱۳۹۹): سید روح‌الله حسینیان، از مقامات قضائی و نماینده سابق مجلس، به اتهام فساد مالی و ارتباطات مشکوک با برخی از مقامات قضائی و اقتصادی مطرح شد. این پرونده جنجال زیادی به راه انداخت، زیرا حسینیان به عنوان

یک شخصیت منتسب به دستگاه قضائی شناخته می‌شد.

۲. پرونده محمدباقر ذوالقدر (۱۳۹۷): از مقامات ارشد قوه قضائیه که به دلیل اتهامات فساد مالی و روابط غیرقانونی با گروه‌های اقتصادی تحت بازخواست قرار گرفت. این پرونده نگرانی‌هایی درباره ضعف نظارت در بدنه قضایی کشور برانگیخت.

۳. پرونده مرسوم به «پرونده آقازاده‌ها» (۱۳۹۷): این پرونده در مورد اتهامات فساد و سوءاستفاده از قدرت توسط برخی افراد در قوه قضائیه و دیگر مقامات دولتی بود که به ارتباطات آقازاده‌ها با مقامات قضائی و سیاسی اشاره داشت. برخی از این افراد به دلیل ارتباطات فامیلی با مقامات عالی‌رتبه قوه قضائیه به پست‌های حساسی در دستگاه قضائی منصوب شده بودند.

این موارد بخشی از پرونده‌های بحث‌برانگیزی هستند که به افراد مرتبط با بدنه قضایی یا شبکه قدرت نزدیک به آن مربوط می‌شوند. در برخی از آنها، شواهدی از سوءاستفاده از موقعیت شغلی و نقض قوانین مشاهده شده، هرچند سرنوشت نهایی بسیاری از این پرونده‌ها در حاله‌ای از ابهام باقی مانده است. متأسفانه نمونه این پرونده‌ها بسیار زیاد است.

بخش سوم

## فصل اول: عباس پالیزدار

عباس پالیزدار (زاده ۱۰ شهریور ۱۳۴۷) عضو هیئت تحقیق و تفحص مجلس هفتم از قوه قضائیه بود. قبل از این سمت او به عنوان رئیس امور زیربنایی مرکز پژوهش‌های مجلس و مشاور کمیسیون اقتصادی مجلس هفتم بین سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۷ فعالیت می‌کرد. همچنین، او عضویت در خانه صنعت‌کاران ایران را در کارنامه خود دارد.

### • کمیته تحقیق و تفحص چیست و چه کاربردی دارد؟

در جمهوری اسلامی ایران، کمیته تحقیق و تفحص به کمیته‌ای اطلاق می‌شود که به منظور بررسی و تحقیق در خصوص مسائل خاص، تخلفات، فساد، سوء مدیریت و مشکلات قانونی در نهادها و دستگاه‌های دولتی و غیر دولتی توسط مجلس شورای اسلامی یا کمیسیون‌های آن تشکیل می‌شود. این کمیته‌ها معمولاً تحت نظارت و به درخواست کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی شکل می‌گیرند. کمیسیون اصل ۹۰ مسئول رسیدگی به شکایات مردم از قوا و نهادهای دولتی است و در صورت نیاز، درخواست تحقیق و تفحص از مجلس را به منظور بررسی دقیق‌تر موضوعات خاص مطرح می‌کند. هدف از تشکیل کمیته تحقیق و تفحص، شفاف‌سازی، کشف تخلفات احتمالی و نظارت بر عملکرد نهادها و سازمان‌های مختلف است تا پس از جمع‌آوری اطلاعات و مستندات لازم، تصمیمات قانونی و قضائی مناسب اتخاذ شود.



- **وظایف و فرآیند تشکیل کمیته تحقیق و تفحص:**

۱. تصویب در مجلس: برای تشکیل کمیته تحقیق و تفحص، ابتدا نمایندگان مجلس باید طرحی را به تصویب برسانند که در آن موضوع تحقیق مشخص شده و کمیته مربوطه شکل گیرد.
۲. بررسی و تحقیق: کمیته تحقیق و تفحص از اسناد، مدارک، گزارش‌ها و اطلاعات مرتبط با موضوع مورد بررسی استفاده کرده و در صورت نیاز، به مصاحبه با مسئولان، کارشناسان و افراد ذی‌صلاح می‌پردازد.
۳. صدور گزارش: پس از اتمام تحقیقات، کمیته گزارشی مبنی بر نتایج تحقیقات خود تهیه کرده و به مجلس ارائه می‌دهد. این گزارش ممکن است شامل پیشنهادات و توصیه‌هایی برای اصلاحات یا پیگیری قضائی باشد.
۴. اعلام نتایج: در صورتی که تخلفاتی از سوی مقامات یا سازمان‌ها شناسایی شود، کمیته ممکن است نتایج تحقیقات را به قوه قضائیه یا سایر نهادهای نظارتی ارجاع دهد.

• **مواردی که ممکن است نیاز به کمیته تحقیق و تفحص داشته**

**باشد:**

۱. فساد مالی و اداری: مواردی مانند سوء استفاده از منابع عمومی، رشوه‌خواری، اختلاس و فساد در نهادهای دولتی.
۲. تخلفات مدیریتی: مسائل مربوط به سوء مدیریت، ناکارآمدی، یا تصمیمات اشتباه که به منافع عمومی آسیب می‌زنند.
۳. نواقص قانونی و حقوقی: موضوعات مربوط به نقض حقوق شهروندی، تخلفات قانونی یا عدم رعایت قوانین در دستگاه‌های دولتی.

• **اهمیت کمیته تحقیق و تفحص:**

کمیته‌های تحقیق و تفحص در جمهوری اسلامی ایران نقش مهمی در نظارت و پاسخگویی دولت و نهادهای عمومی دارند. این کمیته‌ها کمک می‌کنند تا شفافیت در فرآیندهای اداری و دولتی افزایش یابد و از بروز فساد و تخلف جلوگیری شود. همچنین، از آنجا که این کمیته‌ها تحت نظارت مجلس هستند، قدرت لازم را برای اعمال فشار بر مسئولان و مقامات دولتی دارند. مشارکت عباس پالیزدار در این تحقیقات دو ساله در نهایت با دستگیری او در خرداد ۱۳۸۷ پایان یافت. اما مجدداً در آبان ماه ۱۴۰۳ افشاگری‌های جدیدی داشتند.

لازم به ذکر است که ایشان در دوران جنگ کنار مجتبی خامنه‌ای و افراد دیگری مثل مهدی هاشمی رفسنجانی، مصطفی ناطق نوری، نیز حضور داشتند و در این برنامه علاوه بر افشاگری معرفی مجتبی خامنه‌ای به عنوان رهبر آینده عنوان کردند. مصاحبه ایشان از جنس سخنرانی‌های دهه هشتاد که این بار شاید صریح‌تر از نمونه‌های پیشینش بود.

عباس پالیزدار در سال ۱۳۸۶ به عنوان دبیر هیئت تحقیق و تفحص مجلس از قوه قضائیه منصوب شد. این هیئت در دوره هفتم مجلس شورای اسلامی (غلامعلی حدادعادل رئیس مجلس) تشکیل شد و مأموریت داشت تا به بررسی عملکرد قوه قضائیه و شفاف‌سازی درباره برخی پرونده‌ها و اتهامات فساد بپردازد.



• چطور وارد هیئت شد؟



## نقل قول از خود آقای پالیزدار

آقای پالیزدار نحوه ورود به هیئت را اینگونه شرح می‌دهند: در آن مقطع زمانی، طرحی با عنوان (شناسایی گلوگاه‌های مشکلات صنعت در تولید کشور مطرح شد) من هم به عنوان رئیس خانه صنعت کار ایران و به عنوان یک تشکل صنعتی به مرکز پژوهش‌های مجلس ورود کردم تا این طرح را به ثمر برسانیم. از سوی دیگر موضوع تدوین چشم‌انداز ۲۰ساله مطرح بود و مرحوم آقای هاشمی رفسنجانی پیشنهاد بنده را به آقای محسن رضایی (دبیر وقت مجمع مصلحت نظام) پیشنهاد کرده بود و در نامه خود نوشته بود: (حتما از ایشان در تدوین چشم‌انداز بیست‌ساله در بخش صنعت و تولید کشور استفاده کنید). شروع همکاری من با مجلس و مجموعه تشخیص مصلحت نظام شروع شد. اما در آن زمان با افرادی مواجه شدیم که ادعای مبارزه با فساد داشتند. مثل آقای زاکانی، آقای کاتوزیان، خانم آجرلو، آقای کامران و تعداد دیگری که شامل ۲۳ نفر از نمایندگان بودند. این افراد بر موضع خود مبنی بر مقابله با فساد پافشاری می‌کردند.

در سال ۱۳۸۹، پالیزدار در مصاحبه‌ای که با روزنامه سیاست روز داشت، از عملکرد خود ابراز

پشیمانی و سابقه همکاری خود با مجلس و از طریق مرکز پژوهش‌ها را از دوره مجلس چهارم اعلام کرد. وی که پس از افشاگری‌هایش در ۲۱ خرداد ۱۳۸۷ بازداشت شده بود، پیشتر توسط فاطمه آجرلو، نماینده وقت کرج، به هیئت تحقیق دعوت شده بود. جولو در مصاحبه‌ای که ۲۲ خرداد ۱۳۸۷ در عصر ایران منتشر شد، درباره این دعوت گفت: «من اصلاً از دعوت آقای پالیزدار به هیئت تحقیق پشیمان نیستم. او را به عنوان کارشناس صنعت دعوت کردیم چون معتقد بودم در کارش متخصص است. بعد از پایان کار، همکاریش قطع شد و الان هم قصد دارم از رسانه‌هایی که شایعاتی در این باره منتشر کرده‌اند، شکایت کنم.»

### • محورهای تحقیق و تفحص

طرح تحقیق و تفحص از قوه قضائیه، ۲۹ دی‌ماه ۱۳۸۳ در مجلس با ۱۶۵ رای موافق به تصویب رسید. این طرح که در ۱۰ آبان همان سال با امضای ۱۰۰ نماینده مجلس هفتم به ریاست حداد عادل ارائه شده بود.

بر اساس گزارش‌های موجود این طرح شامل محورهای اصلی زیر بود:

۱- بررسی وضعیت زندان‌های کشور

۲- ارزیابی فرآیند عزل و نصب‌های صورت گرفته در قوه قضائیه

۳- رسیدگی به موارد احتمالی استفاده شخصی مسئولان قضایی از اختیارات قانونی

۴- بررسی عملکرد سازمان‌های تابعه این قوه

۵- واکاوی نحوه رسیدگی به پرونده‌های فساد اقتصادی

در آخر گزارش نهایی تحقیق و تفحص مجلس از قوه قضائیه در نهایت ۱ خرداد ۱۳۸۷ در

صحن علنی مجلس قرائت شد.

## • سخنرانی در همدان و چند مورد از گفته‌های آن زمان

در تاریخ ۱۴ اردیبهشت ماه، یعنی دو هفته قبل از قرائت این گزارش در مجلس، پالیزدار در دانشگاه بوعلی سینای همدان حاضر شد و در سخنرانی خود به افشای نام‌ها و جزئیات پرداخت. وی در مصاحبه اخیر خود درباره انگیزه این اقدام چنین توضیح داد: «اگرچه گزارش نهایی در مجلس قرائت شد، اما اسامی به صورت نامشخص بصورت (الف، ب، ج و...) بیان گردید. من با توجه به تعهدی که به شهدا داشتم و همچنین با استناد به سوگندم در مجلس (که بر اساس قرآن کریم انجام شده بود)، قول داده بودم در صورت ورود به این موضوع، به بیان رمزی اکتفا نکنم و حتماً افشاگری کنم. به همین دلیل تمام اسامی را علنی اعلام کردم، هرچند این کار پیامدهای سنگینی مانند زندان را برایم در پی داشت.»

پالیزدار در سخنرانی همدان اسامی را به طور کامل و شفاف گفت و رسماً دست به افشاگری زد.

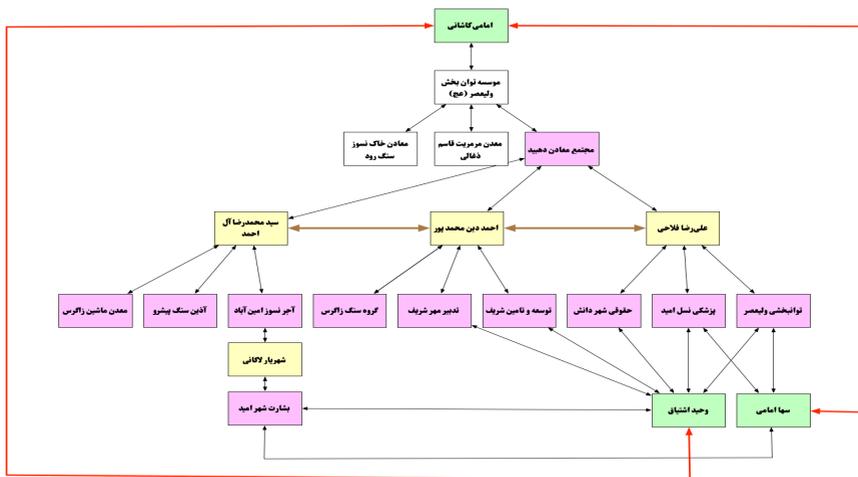
## • نمونه‌ای از افشاگری‌ها

مورد جالبی پیش آمده بود که فردی با ارسال نامه‌ای درخواست تأسیس مؤسسه توانبخشی را مطرح کرده بود. او در نامه خود توضیح داده بود: «پسرم دچار معلولیت جسمی است و می‌خواهم مؤسسه‌ای ایجاد کنم تا هم او تحت مراقبت باشد و هم بتوانیم حدود ۱۰۰ تا ۳۰۰ نفر از معلولان را نگهداری کنیم. پسرم هم مسئولیت این مرکز را بر عهده بگیرد.»

مسئولان نیز با درخواست این شخص موافقت کردند و مؤسسه را ثبت کرده و شروع به کار کرد، اما پس از شروع به کار، این فرد دوباره نامه‌ای ارسال کرد و اظهار داشت: «برای ادامه کار نیاز به حمایت مالی داریم و از عهده هزینه‌ها بر نمی‌آییم. خواهشمندیم از ما حمایت شود» در

پی درخواست این شخص معدن سنگ دهبید فارس را به وی سپردند، مجدد بعد از یک مدت درخواست دیگری کردند و گفتند یک معدن کفایت نمیکند و معدن زنگان را هم مطالبه کردند، بررسی‌های بعدی حداقل چهار مورد دیگر از این واگذاری‌ها را مشخص کرد.

### فعالیتهای اقتصادی آیت‌الله امامی کاشانی:



### ۱- معدن دهبید



معدن دهبید فارس از معادن معروف سنگ مرمر در ایران محسوب می‌شود که به دلیل کیفیت و زیبایی منحصر به فرد سنگ‌های آن شهرت دارد. در این ماجرا اشاره به واگذاری یا معامله‌ای بود که در آن حقوق بهره‌برداری یا مالکیت معدن به مؤسسه توانبخشی معلولین، وابسته به برخی شخصیت‌های دینی و نهادهای خیریه، منتقل شد. در این میان نام آقای امامی کاشانی به‌عنوان یکی از شخصیت‌های روحانی مطرح گردید ایشان یکی از شخصیت‌های برجسته روحانی در ایران است، محمد امامی کاشانی، با اینکه سال‌ها امام جمعه موقت تهران بود، اما همیشه از پرده‌نشینان سیاست بوده است و در عرصه سیاست خیلی محتاطانه عمل می‌کرد. اما امامی کاشانی در اقتصاد فعالیت قابل توجهی از خود نشان داده‌اند. وی سمت متولی مدرسه شهید مطهری را نیز در پرونده خود دارد که کمتر به چشم می‌آید اما موقوفات مدرسه سپه سالار «میرزا حسین قزوینی مشیرالدوله» و وقف نامه ۷۹ صفحه‌ای آن ابعاد این امپراطوری اقتصادی را مشخص می‌کند. به دلیل جایگاه و نقش مدیریتی یا حمایتی خود از این مؤسسه در این ماجرا مطرح شد. معامله معدن دهبید در دوره‌های مختلف مورد بحث بوده است، به‌ویژه در مورد نحوه واگذاری، شفافیت قراردادها، و اینکه آیا منابع حاصل از این معدن به اهداف خیریه مؤسسه تخصیص یافته یا خیر. برخی منتقدان معتقد بودند که این واگذاری‌ها شفافیت لازم را نداشته و ممکن است جنبه‌های اقتصادی یا سیاسی در آن دخیل بوده باشد. در مقابل، حامیان این معامله ادعا می‌کنند که این اقدامات در جهت حمایت از معلولین و تأمین منابع مالی برای فعالیت‌های خیریه بوده است.

## ۲- معدن زنجان و...



بر اساس تحقیقات و بسایت زیتون در سال ۱۳۹۹، شبکه اقتصادی تحت مدیریت آیت‌الله محمد امامی کاشانی، (امام جمعه موقت تهران) فعالیت‌های اقتصادی خود را تحت پوشش بنیاد خیریه «توان‌بخشی ولیعصر» آغاز کرد. این بنیاد با اخذ مجوز از وزارت معادن و فلزات وقت، بهره‌برداری از سه معدن کشور، از جمله مجتمع معادن دهبید در شهرستان آباده، را در دست گرفت.

در مرحله اول ابوالقاسم شفیعی به‌عنوان متولی این معادن منصوب شد و محصولات معدن دهبید را بدون مزایده به شرکت خصوصی «نکوراد» واگذار کرد. پس از افزایش اعتراضات و شکایات، امامی کاشانی صحن‌علی صالحی را به‌جای شفیعی منصوب کرد تا فضا را کمی آرام کند، اما همچنان واگذاری انحصاری به شرکت نکوراد ادامه یافت. شرکت خصوصی «نکوراد تهران» توسط مدیران بنیاد توان‌بخشی ولیعصر تأسیس شد و محصولات ممتاز و با کیفیت معدن دهبید را بدون مزایده و به‌صورت انحصاری دریافت

می‌کرد. همچنین، گزارش‌ها حاکی از آن است که ابوالقاسم شفیعی، متولی معادن تحت مدیریت بنیاد، کلیه محصولات سنگ معدن دهبید را به صورت انحصاری و بدون مزایده خارج از پروسه به شرکت نکوراد واگذار می‌کرد.



آقای پالیزدار در مصاحبه اخیر خود با شبکه دیدبان ایران به جزئیات جدیدی درباره منابع اطلاعاتی و حامیان اولیه خود ارائه داد. وی مدعی شد اطلاعات محرمانه‌ای از طریق برخی افراد داخل دستگاه‌های امنیتی با انگیزه اصلاح‌طلبی به دستش رسیده است. برخی از افرادی که گفته می‌شود از او در مراحل اولیه حمایت کرده یا به او اطلاعات داده بودند، عبارتند از:

۱. برخی اعضای تیم تحقیق و تفحص مجلس هفتم - پالیزدار مدعی بود که بخشی از اطلاعاتش از طریق تحقیقات رسمی مجلس و برخی نمایندگان به دست آمده است.

۲. افرادی نزدیک به ابراهیم رئیسی - پالیزدار بعدها گفت که تیمی از نزدیکان ابراهیم رئیسی (از جمله داماد او، مقداد نیلی) در تنظیم برنامه‌های افشاگری‌اش

نقش داشتند.

۳. برخی رسانه‌های اصلاح‌طلب در آن زمان برخی رسانه‌های نزدیک به اصلاح‌طلبان سخنان پالیزدار را پوشش دادند، اما پس از دستگیری او، این حمایت کاهش یافت. مثل روزنامه شرق یا اعتماد.

در اینجا به پرونده گل‌گهر و چادر ملو اشاره می‌کند، وی متذکر می‌شوند که قدرت عامل فساد بقدری زیاد است که در صورت احساس خطر ممکن از فرد مورد نظر را حذف فیزیکی کنند همچنین اشاره کردند بعضی افراد بدون تایید دستگاه نظارتی حکم و سمت می‌گیرند.



شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر

GOLGOHAR MINING & INDUSTRIAL COMPANY

#### • داستان گل‌گهر

شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر، یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های معدنی ایران، با پرونده‌های متعدد فساد مالی مواجه شده است که این روزها در مرکز توجه رسانه‌ها قرار گرفته است. در دی‌ماه ۱۴۰۳، خبر بازداشت تعدادی از مدیران ارشد این شرکت به اتهام تخلفات مالی گسترده منتشر شد. به گزارش (تابناک)، این بازداشت‌ها شامل مدیرعامل و اعضای هیئت‌مدیره بوده و

شرکت را در وضعیت بحرانی قرار داده است.

در مرداد ۱۴۰۳، (تسنیم) گزارش کرد که مدیرعامل سابق گل‌گهر با قرار وثیقه آزاد شده و پنج فرد جدید در ارتباط با این پرونده احضار شده‌اند. در میان متهمان نام‌هایی مثل ایمان عتیقی (مدیرعامل سابق)، محمود زیدآبادی‌نژاد (عضو هیئت مدیره)، کسری غفوری (که سابقه مدیریت در فولاد خراسان را هم دارد) و رامین سارنگ (از مدیران ارشد شرکت) به چشم می‌خورد. این افراد به تشکیل شبکه فساد و سوءاستفاده از موقعیت‌های مدیریتی متهم شده‌اند.

هنوز جزئیات دقیقی از میزان تخلفات و چگونگی آن منتشر نشده است. به نظر می‌رسد تحقیقات همچنان ادامه دارد و ممکن است در آینده اسامی بیشتری به این لیست اضافه شود. این پرونده نشان می‌دهد حتی در بزرگترین شرکت‌های دولتی هم نیاز به نظارت بیشتر احساس می‌شود. بسیاری منتظرند ببینند دستگاه قضایی چطور با این پرونده برخورد خواهد کرد و آیا می‌تواند به شفافیت برسد یا نه.

## • چادرملو



شرکت معدنی و صنعتی چادرملو یکی از عظیم‌ترین تولیدکنندگان سنگ آهن و فولاد در ایران است که اتهامات و پرونده‌های فساد مالی مواجه شده است. در سال ۱۳۹۳، محمدعلی مددی، نماینده مردم میانه در مجلس شورای اسلامی، گزارشی در مورد وجود رانت‌خواری کلان در معدن چادرملو خبر داد و اعلام کرد که مدارک مربوطه را به مراجع ذیصلاح ارائه کرده است. عباس پالیزدار، عضو سابق هیئت تحقیق و تفحص مجلس هفتم از قوه قضاییه، نیز در مصاحبه‌ای به فساد در شرکت‌های معدنی مانند چادرملو اشاره کرده و از وجود پرونده‌های فساد در این شرکت‌ها خبر داده است. نتایج این پرونده هم مثل خیلی از پرونده‌های که رد مافیای حکومتی در آن است نامشخص مانده است.

## • دستگیری و زندان

پالیزدار دو هفته پس از سخنرانی جنجالی‌اش در دانشگاه بو علی سینا در خرداد ۱۳۸۷ با حکم سعید مرتضوی به عنوان دادستان تهران بازداشت شد و به زندان رفت، این اتفاق در اوج جنجال‌های افشاگری او رخ داد. دادگاه بدوی او را به ۱۰ سال زندان محکوم کرد، اتهامات وی مواردی مثل اقدام علیه امنیت ملی، افشای اسناد محرمانه، خیانت در امانت، تحصیل مال نامشروع، تهمت، افترا و نشر اکاذیب صادر شد. در تیرماه ۸۸ وکیل او خبر داد که پالیزدار با وثیقه ۳۵۰ میلیون تومانی تا پایان دادرسی آزاد شده است. در دادگاه تجدیدنظر که در سال ۱۳۸۹ برگزار شد از اتهام اقدام علیه امنیت ملی تبرئه شد، اما دادگاه اتهامات دیگر او که عبارت بودند از افشای اسناد محرمانه و خیانت در امانت و افترا را تأیید کرد همچنین محکومیت او به شش سال کاهش یافت. او مهرماه ۱۳۹۰ برای اجرای حکم بازداشت و به زندان معرفی شد. پالیزدار به دلیل عوارض ناشی از جنگ (عوارض شیمیایی) و با ارائه نامه پزشکی قانونی، مدتی از زندان آزاد شد. اما اطلاعات دقیقی درباره مدت زمان واقعی حبس او در دسترس نیست،

چرا که اخبار بعدی درباره اجرای کامل یا بخشی از حکم زندان او منتشر نشده است.

## پالیزدار در افشاگری مجدد چه گفت و چه پرونده‌های جدیدی را مطرح کرده است؟

### • سقوط هواپیمای یاک ۴۰



پالیزدار بار دیگر در ادعای جنجالی دیگری گفت، که سقوط هواپیمای حامل رحمان دادمان در ۱۷ بهمن ۱۳۹۲، وزیر راه و ترابری دولت محمد خاتمی، عمدی بوده و خلبان پرواز صلاحیت لازم برای پرواز را نداشته و به‌صورت دستوری اقدام به پرواز کرده است.

در پی سانحه سقوط هواپیمای یاک ۴۰ در سال ۱۳۸۰ که منجر به جان باختن رحمان دادمان، وزیر راه و ترابری وقت، و سایر مقامات شد، برخی اتهامات مبنی بر عمدی بودن این حادثه مطرح گردید. پالیزدار در سال ۱۳۸۷ اظهار داشت که اطلاعاتی در مورد عمدی بودن این سانحه دارد و به «پرونده یاک ۴۰» اشاره کرد که توسط سازمان بازرسی کل کشور بررسی شده است. وی همچنین اشاره کرد که جعبه سیاه هواپیما مورد بررسی قرار گرفته است. با این حال،

تحقیقات رسمی سازمان هواپیمایی کشوری علت سقوط را اشتباه خلبان اعلام کرد. بر اساس این گزارش، خلبان در شرایط نامساعد جوی و مه شدید، از سیستم‌های ناوبری خودکار استفاده نکرده و با تکیه بر دید و نشانه‌های زمینی اقدام به فرود کرده که منجر به سقوط هواپیما شد. بنابراین، در حالی که برخی مقامات و منابع به عمدی بودن این سانحه اشاره کرده‌اند که به قصد حذف فیزیکی بعضی چهره‌های سیاسی بوده این ادعا تا کنون اثبات نشده، تحقیقات رسمی علت را به اشتباه خلبان نسبت داده‌اند و در واقع پرونده با این توضیحات بسته شده است!

### • فساد در خانواده محمد یزدی



پالیزدار ادعا کرد که خانواده محمد یزدی، رئیس اسبق قوه قضائیه، کارخانه لاستیک دنا را تصاحب کرده و هرگز مبلغ آن را پرداخت نکرده‌اند. همچنین، اشاره کرد به پسر محمد یزدی که ۳ هزار هکتار از اراضی جنگل‌های شمال را به تملک خود درآورده است.

## محتوای بیشتر افشاگری‌های پالیزدار عبارتند از:

### ۱. مورد های از فساد اقتصادی:

- واگذاری اموال دولتی با قیمت‌های بسیار پایین به افراد خاص.
- تصاحب اراضی ملی و منابع طبیعی توسط برخی مقامات دولتی یا افراد نزدیک به آنها.
- اخذ وام‌های کلان بانکی بدون بازپرداخت و سوءاستفاده از تسهیلات بانکی.

### ۲. پرونده‌های خاص:

پالیزدار به پرونده‌هایی اشاره کرد که در آنها قوه قضاییه یا سایر نهادها با اعمال نفوذ، اجازه بررسی و پیگیری قانونی را نمی‌دادند. او مدعی بود که برخی از این پرونده‌ها به دلیل دخالت مقامات مسکوت مانده است.

### ۳. شکایت از نبود شفافیت:

او مدعی شد که فساد بصورت سیستماتیک در دولت نهادینه شده است و تأکید کرد که بخش‌هایی از ساختار سیاسی و اقتصادی کشور درگیر مشکلات جدی هستند.

پالیزدار در صحبت‌هایش نام‌های دیگری را نیز آورده است که در ذیل به

چند تن از آنها اشاره می‌کنم:



• آیت‌الله محمود هاشمی شاهرودی (رئیس سابق قوه قضائیه)

۱. دخالت در پرونده‌های قضائی: یکی از اتهاماتی که علیه شاهرودی مطرح شده بود، دخالت جانبدارانه در برخی پرونده‌ها و اتخاذ تصمیماتی بود که به نفع برخی افراد خاص صورت گرفت. این موضوع به ویژه در دوران ریاستش بر قوه قضائیه مورد بحث قرار گرفت.

۲. فساد اقتصادی: شاهرودی به خاطر ارتباطات با افراد خاص و پرونده‌های اقتصادی جنجالی، تحت انتقاد قرار داشت. برخی گزارش‌ها به فساد در سیستم قضائی اشاره داشتند که در آن زمان به آیت‌الله شاهرودی نسبت داده شد.

۳. نقش در پروژه‌های دولتی و مالی: برخی از تحلیل‌ها نشان دهنده این است که شاهرودی در تصمیمات کلان اقتصادی و مالی در کشور، نفوذ داشته و احتمالاً از موقعیت خود بهره‌برداری‌های شخصی کرده است.

البته شاهرودی هرگز به طور رسمی به این اتهامات پاسخ نداد یا مورد محاکمه قرار نگرفت.

همچنان این موضوع یکی از موضوعات بحث‌برانگیز در تاریخ معاصر ایران به شمار می‌آید. پالیزدار همچنین به فساد اقتصادی و استفاده نادرست از منابع دولتی توسط برخی مقامات قضائی اشاره کرد.



- **محمود احمدی‌نژاد (رئیس‌جمهور سابق ایران)**

پالیزدار از سوءاستفاده از منابع مالی دولت و تخلفات اقتصادی در دوران ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد صحبت کرد که در چند دسته نمونه‌های را می‌آوریم.

### ۱. اختلاس در بانک‌ها و مؤسسات مالی

پالیزدار یکی از مهم‌ترین اتهامات خود را به فساد در بانک‌ها و مؤسسات مالی منتسب به دولت احمدی‌نژاد مرتبط دانسته است. او ادعا می‌کرد که برخی از این بانک‌ها و مؤسسات با پشتیبانی دولت، در پروژه‌های اقتصادی بزرگ اختلاس‌های میلیاردی شدند و این فساد به جیب نزدیکان و دوستان احمدی‌نژاد رفت.

در دوره ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد، بعضی بانک‌ها و مؤسسات مالی درگیر فساد، رانت و سوءاستفاده‌های اقتصادی شدند. قاضی مرتضی پالیزدار که در آن زمان به عنوان بازرس

فعالیت می‌کرد، در افشاگری‌هایی به این فسادها اشاره کرد. برخی از بانک‌ها و مؤسسات مالی که در آن زمان در پرونده‌های فساد مطرح شدند عبارتند از:

## ۱. بانک صادرات

### ۲. پرونده بزرگ اختلاس ۳,۰۰۰ میلیارد تومانی که به گروه مه‌آفرید

امیرخسروی نسبت داده شد.

اختلاس ۳۰۰۰ میلیارد تومانی که به گروه مه‌آفرید امیرخسروی نسبت داده شد، در سال ۱۳۹۰ یکی از بزرگ‌ترین و جنجالی‌ترین پرونده‌های فساد مالی در تاریخ ایران افشا شد. این اختلاس در ابتدا بوسیله یک سری اقدامات غیرقانونی و سوءاستفاده‌های مالی در بانک صادرات ایران انجام گرفت اما بعد از مدتی به گروه «مه‌آفرید» به رهبری امیرخسروی نسبت داده شد.

ماجرای شکل‌گیری گروه مه‌آفرید:

مه‌آفرید امیرخسروی

اعدام میشود تا دانه درشتها معرفی نشوند



مه‌آفرید امیرخسروی، فردی که روزی با معدل ضعیف از دانشگاه اخراج شده بود، مسیر غیرمنتظره‌ای را در اقتصاد ایران طی کرد. او که کار خود را با یک گاوداری کوچک در رودبار گیلان آغاز کرده بود، به سرعت با استفاده از وام‌های کلان و رانت‌های اطلاعاتی، امپراتوری مالی خود را بنا تشکیل داد. در کمتر از چند سال، شرکت کوچک ۵۰ میلیون تومانی او به غولی ۲۰ میلیارد تومانی تبدیل شد که ده‌ها شرکت بزرگ از فولاد و ماشین‌سازی تا بیمه و گردشگری را در خود جا داده بود. امیرخسروی و سه برادرش به همراه همسرانشان، شبکه پیچیده‌ای از شرکت‌ها را مدیریت می‌کردند. آنها با ترفندهای مختلف از جمله دریافت وام‌های کلان بدون وثیقه، خرید سهام شرکت‌های دولتی با قیمت‌های نامعتبر و تصاحب زمین‌های ارزشمند در کیش و تهران، ثروت زیادی بدست آوردند.

در مرداد ۱۳۹۰، همه چیز برای این گروه تغییر کرد. اختلاس ۳۰۰۰ میلیارد تومانی از بانک صادرات، دریافت ۴۰۰ میلیارد تومان وام بدون ضمانت از بانک ملی، و تصاحب ۲۳۰ هکتار زمین در کیش با قیمت متری ۱۶ ریال، از جمله اتهاماتی بود که علیه او مطرح شد. در جریان محاکمه، امیرخسروی قول داد اسامی تمامی همداستان بانفوذ خود را فاش کند، اما این جلسه هرگز برگزار نشد! و این خود نشان دهنده قدرت افراد پشت پرده است. بامداد سوم خرداد ۱۳۹۳، حکم اعدام او در زندان اوین اجرا شد، تنها سه روز پس از ارسال نامه‌ای به مقامات عالی کشور در واقع برای کتمان اسامی افراد با نفوذ بصورت ضراالعجل متهم را کشتند تا نتواند اسرا آن‌ها را بازگو کند. علاوه بر اینکه دولت نتوانست یا نخواست این پرونده را شفاف سازی کند عملکرد خودش هم زیر سوال رفت همچنین سوالات بی‌پاسخ بسیاری باقی مانده: چگونه یک فرد با چنین سوابق تحصیلی و مالی توانست به چنین موقعیتی دست یابد؟ نقش نهادهای نظارتی و بانک‌ها در این ماجرا چه بود؟ شاید مهمترین سوال این باشد اگر آن جلسه پایانی برگزار می‌شد، چه اسراری فاش می‌شد؟ سرنوشت امیرخسروی و

گروهش، همچنان به عنوان یکی از سیاه‌ترین فصل‌های فساد اقتصادی ایران باقی مانده است

## - افشای و پیگیری قضائی

اختلاس ۳۰۰۰ میلیارد تومانی در سال ۱۳۹۰ زمانی که به طور رسمی افشا شد، جنجال زیادی به راه انداخت. گزارشات نشان داد که این اختلاس شامل انتقال وام‌های غیرقانونی به حساب‌های مختلف در قالب پروژه‌های اقتصادی و تجاری بوده است. بلافاصله پس از افشای این اختلاس، پلیس اقتصادی و مقامات قضائی وارد عمل شدند و پس از بررسی‌های دقیق و تحقیقات گسترده، امیرخسروی و تعدادی از همدستانش بازداشت شدند. طبق اسناد و مدارک، گروه مه‌آفرید امیرخسروی به‌طور غیرقانونی اقدام به استفاده از تسهیلات دولتی کرده و این پول‌ها را در حساب‌های شخصی خود و اعضای گروه منتقل کرده بود. در جریان محاکمه‌های مربوط به این پرونده، مشخص شد که برخی از مسئولان بانکی و دولتی در این فساد مالی دست داشتند و با استفاده از موقعیت‌های خود، به گروه مه‌آفرید کمک کرده بودند تا این اختلاس‌ها را انجام دهد.

## - حکم و پیامدهای اختلاس

در نهایت، پس از انجام تحقیقات و محاکمه‌ها، امیرخسروی و دیگر متهمان به زندان محکوم شدند.

در این پرونده، بسیاری از مقامات بانکی و دولتی نیز مورد بازجویی و مجازات قرار گرفتند. این اختلاس نه تنها خسارت‌های مالی زیادی به سیستم بانکی کشور وارد کرد، بلکه اعتماد عمومی به بانک‌ها و مؤسسات مالی را نیز به شدت کاهش داد.

این پرونده یکی از بزرگ‌ترین پرونده‌های فساد مالی در تاریخ ایران بود و پس از آن قوانین

و نظارت‌های مالی جدیدی در سیستم بانکی کشور اعمال شد تا از وقوع چنین اختلاس‌هایی جلوگیری شود.



## • محمودرضا خاوری

### ۲- بانک ملی ایران

یکی از بانک‌هایی که در همین اختلاس بزرگ نقش داشت و مدیرعامل وقت آن به همین دلیل از کشور گریخت.

(مدیرعامل وقت بانک ملی ایران که در پرونده اختلاس ۳,۰۰۰ میلیارد تومانی نقش داشت و از کشور گریخت، محمودرضا خاوری بود.

او پس از افشای این فساد مالی در سال ۱۳۹۰ به کانادا فرار کرد و تاکنون به ایران

بازنگشته است. خاوری به صورت غیابی در ایران محاکمه و به ۲۰ سال حبس محکوم شد، اما درخواست‌های ایران برای استرداد وی از کانادا تاکنون بی نتیجه مانده است.)

ماجرای فساد ۳,۰۰۰ میلیارد تومانی که به گروه مه‌آفرید امیرخسروی و مدیرعامل وقت بانک ملی ایران، محمودرضا خاوری، نسبت داده شد، نه تنها یکی از بزرگ‌ترین اختلاس‌های تاریخ ایران است، بلکه به طور گسترده‌ای ضعف‌های جدی در سیستم بانکی، نظارتی و قضائی کشور را نمایان کرد.

این پرونده، علاوه بر افشای فسادهای مالی گسترده، سوالات زیادی را درباره کارکرد و کارایی نظام‌های نظارتی و قضائی در ایران ایجاد کرد که نیازمند بررسی و بازنگری جدی است. اختلاس ۳,۰۰۰ میلیارد تومانی نشان‌دهنده ضعف‌های جدی در نظام نظارتی بانک‌ها و سیستم مالی کشور است.

بانک ملی ایران تحت نظارت مستقیم مقامات دولتی بود و مدیرعامل آن، محمودرضا خاوری، که در آن زمان مسئولیت‌های کلانی داشت، توانست با سوءاستفاده از موقعیت خود، وام‌های کلانی را به گروه مه‌آفرید تخصیص دهد. این تسهیلات هیچ‌گونه پشتوانه مالی نداشتند و بیشتر به عنوان پوششی برای اختلاس‌های میلیاردی به کار گرفته شدند.

این فساد از زمانی آغاز شد که سیستم‌های نظارتی بانک‌ها نتوانستند جریان‌های پولی غیرقانونی و جعلی را شناسایی کنند.

بانک‌ها در دوره‌های مختلف، به‌ویژه بانک ملی، از نهادهای نظارتی مانند بانک مرکزی و قوه قضائیه بی‌اعتنایی کرده و به دلیل نبود سیستم‌های دقیق و شفافیت مالی، در برابر فسادهایی که در جریان بودند، غفلت کردند.

یکی از اصلی‌ترین مشکلات سیستم بانکی در این اختلاس، تخصیص تسهیلات بدون

ضمانت‌های کافی و بررسی‌های مالی دقیق بود. گروه مه‌آفرید توانست بدون داشتن پشتوانه مالی و تضمین‌های معتبر از بانک‌ها وام‌های کلانی بگیرد.

این تسهیلات به‌طور غیرقانونی و با کمترین نظارت و ارزیابی اعطا شدند. این مسئله نشان‌دهنده ضعف‌های اساسی در سیاست‌های بانکی ایران است که نمی‌توانسته یا نخواسته‌اند به درستی و با دقت عمل کنند. علاوه بر این، نقش بانک ملی ایران در این اختلاس بسیار حیاتی بود و مشخص شد که تسهیلات بانکی به‌راحتی از طریق روابط شخصی و رانت‌های اقتصادی برای افراد خاصی اعطا می‌شود. این به نوعی نشان‌دهنده ضعف‌های ساختاری در سیاست‌های اعطای وام در کشور است.

پس از افشای فساد و فرار محمودرضا خاوری به کانادا، مهم‌ترین سوالاتی که مطرح شد این بود که چرا سیستم قضائی ایران نتوانسته به‌طور مؤثر با فسادهای کلان در دستگاه‌های دولتی برخورد کند؟

خاوری، که متهم اصلی اختلاس بود، به راحتی از ایران فرار کرد و به کانادا پناه برد. این در حالی بود که درخواست‌های مکرر ایران برای استرداد وی از کانادا به نتیجه نرسید و سیستم قضائی ایران نتوانست فشار کافی برای بازگرداندن او به کشور وارد کند.

این مشکل همچنین در سیستم قضائی ایران و عدم همکاری میان کشورها در زمینه استرداد متهمان فاسد و به‌ویژه کشورهای غربی نمود پیدا کرد.

در حالی که ایران انتظار داشت که این پرونده به‌سرعت پیگیری و مجازات شود، به دلیل عدم حضور متهم اصلی در کشور، نتایج این پرونده به‌صورت ناقص و معلق باقی ماند. این ناتوانی در پیگیری قضائی مسائلی مانند فرار متهمان، نشان‌دهنده ضعف‌های سیستم قضائی و نیاز به اصلاحات در این حوزه است.

اختلاس ۳,۰۰۰ میلیارد تومانی در واقع فقط یک نماد از بحران‌های عمیق‌تری بود که در درون سیستم‌های اقتصادی و مالی کشور ریشه داشت.

فسادهای مالی بزرگ در ایران به‌طور مستقیم با ساختارهای اقتصادی دولتی و همچنین روابط پیچیده اقتصادی و سیاسی میان مقامات مختلف در ارتباط است.

فسادهایی که از تسهیلات بانکی گرفته تا ارتباطات ویژه میان مقامات بانکی و اقتصادی وجود دارد، تنها یک لایه از فساد ساختاری است که در دولت‌های مختلف به‌طور پنهانی ادامه داشت این فسادها باعث شده‌اند که اعتماد عمومی نسبت به سیستم بانکی، قضائی و حتی دولت‌ها کاهش پیدا کند. در حالی که مردم انتظار دارند که سیستم‌های نظارتی و قضائی از وقوع چنین فسادهایی جلوگیری کنند، اما مشاهده این فسادها باعث شده که باور عمومی نسبت به کارایی و بی‌طرفی این نهادها تضعیف شود.

اختلاس ۳,۰۰۰ میلیارد تومانی پیامدهای جدی برای اقتصاد ایران داشت. علاوه بر زیان‌های مالی بزرگ که این فساد به سیستم بانکی کشور وارد کرد، ناتوانی در حل مسائل اقتصادی کلان و فسادهای گسترده، باعث شد که بحران‌های اقتصادی در کشور به‌ویژه در بخش‌های مالی و بانکی افزایش یابد. این فساد به‌طور مستقیم بر ثبات اقتصادی کشور تاثیر گذاشت و بر روی بازارهای مالی و اعتماد عمومی به بانک‌ها تأثیر منفی گذاشت.

ماجرای اختلاس ۳,۰۰۰ میلیارد تومانی و فساد محمودرضا خاوری به‌خوبی نشان‌دهنده ضعف‌های بزرگ در سیستم بانکی، نظارتی و قضائی ایران است. اصلاحات جدی در این حوزه‌ها، از جمله تقویت شفافیت مالی، افزایش نظارت بر فرآیندهای بانکی، اصلاح قوانین مبارزه با فساد و تقویت همکاری‌های بین‌المللی برای استرداد متهمان فساد، برای جلوگیری از وقوع فسادهای مشابه ضروری است.

در نهایت، بدون انجام این اصلاحات، سیستم مالی و اقتصادی ایران در معرض بحران‌های جدیدتری قرار خواهد گرفت که اعتماد عمومی و امنیت اقتصادی کشور را تهدید خواهد کرد.



### ۳- بانک مسکن: پرونده‌های فساد و تخلفات مالی در وام‌های کلان

بدون ضمانت.

#### سوءاستفاده از تسهیلات بانکی و رانت‌های مالی

بانک مسکن که به عنوان یکی از مهم‌ترین بانک‌های کشور در حوزه تأمین مالی بخش مسکن فعالیت دارد، در سال‌های گذشته با پرونده‌های سنگین فساد مالی مواجه شد. تخلفات گسترده‌ای که در این بانک رخ داد، عمدتاً شامل اعطای تسهیلات کلان به افراد و شرکت‌های خاص بدون وثایق کافی، تسویه حساب‌های غیرقانونی، پرداخت وام‌های میلیاردی بدون پشتوانه مالی و سوءاستفاده از منابع بانکی بود.

در برخی از پرونده‌ها مشخص شد که مدیران ارشد بانک با سوءاستفاده از جایگاه خود، مبالغ هنگفتی را به افراد وابسته به دولت یا نهادهای خاص اختصاص داده‌اند. بسیاری از این وام‌ها نه تنها بدون وثیقه‌های معتبر پرداخت شدند، بلکه گیرندگان آن‌ها نیز در مواردی هیچ‌گاه بازپرداختی انجام ندادند. در برخی موارد، این تسهیلات به پروژه‌هایی تخصیص داده شد که یا هرگز اجرایی نشدند یا صرفاً پوششی برای فساد مالی و خروج پول از بانک بودند. یکی از تخلفات مهم در بانک مسکن، پرداخت تسهیلات کلان به اشخاص خاص با بهره‌های بسیار پایین یا بدون بهره بود که به دلیل ضعف نظارت، این پول‌ها عملاً از چرخه بانکی خارج و به منافع شخصی تبدیل شد. در بعضی پرونده‌ها، مدیران بانک به صورت غیرقانونی، بدهی‌های افراد پرنفوذ را تسویه کردند، به این معنا که برخی وام‌گیرندگان حتی یک ریال از بدهی‌های خود را پرداخت نکردند و بانک به طور رسمی اعلام می‌کرد که وام تسویه شده است. پس از افشای این تخلفات، دستگاه‌های نظارتی و قضائی به بررسی پرونده‌های فساد بانک مسکن پرداختند. تعدادی از مدیران وقت بانک تحت پیگرد قضائی قرار گرفتند و برخی نیز بازداشت شدند. اما در عمل، بسیاری از مبالغ اختلاس شده دیگر قابل بازگشت نبود و سیستم بانکی کشور همچنان تحت تأثیر این فساد باقی ماند.

## ۴- بانک سرمایه: درگیر فسادهای مالی و وام‌های مشکوک به افرادی خاص که بعدها در دولت‌های بعدی نیز ادامه یافت.



### از تأسیس تا فساد بزرگ مالی و نابودی سرمایه‌فرهنگیان:

بانک سرمایه در سال ۱۳۸۴ با هدف حمایت از بخش خصوصی، تأمین مالی پروژه‌های اقتصادی و ارائه تسهیلات به سرمایه‌گذاران تأسیس شد. برخلاف بانک‌های دولتی، این بانک تحت نظارت بخش خصوصی اداره می‌شد، اما نکته مهم این بود که بخش عمده‌ای از سهام بانک سرمایه متعلق به صندوق ذخیره فرهنگیان بود، نهادی که پس‌اندازهای معلمان کشور را مدیریت می‌کرد. به همین دلیل، انتظار می‌رفت که بانک سرمایه به تقویت وضعیت معیشتی معلمان و تأمین مالی پروژه‌های اقتصادی سودآور بپردازد. اما در عمل: این بانک به یکی از فاسدترین نهادهای مالی کشور تبدیل شد و طی سال‌های بعد، به محلی برای اختلاس، رانت‌خواری و فساد مالی گسترده مدیران و چهره‌های بانفوذ تبدیل شد. نبود نظارت کافی،

سوءمدیریت و نفوذ افراد خاص، بانک سرمایه را به بستری برای فسادهای کلان مالی تبدیل کرد که ۱۴ هزار میلیارد تومان از منابع آن غارت شد. در این میان، فرهنگیان که صاحبان اصلی سرمایه بانک بودند، بزرگ‌ترین قربانیان این فساد شدند، چرا که منابع مالی‌ای که قرار بود برای بهبود وضعیت معیشتی آنان استفاده شود، به جیب افراد فاسد رفت.

### • سوءاستفاده سرمایه‌گذاران پرنفوذ: وام‌های کلان بدون وثیقه:

چهره‌های پرنفوذ اقتصادی و سیاسی با استفاده از روابط خود با مدیران ارشد بانک سرمایه، وام‌های کلان بدون وثیقه کافی دریافت کردند و این مبالغ را نه در تولید و اشتغال، بلکه برای خرید املاک، خودروهای لوکس، سرمایه‌گذاری‌های شخصی و فعالیت‌های پربیسک هزینه کردند.



### • محمد امامی

محمد امامی (تهیه‌کننده سریال شهرزاد) بدون ارائه وثیقه معتبر، میلیاردها تومان از بانک سرمایه وام گرفت و این مبالغ را به جای سرمایه‌گذاری در بخش تولید، به صنعت سینما و سرمایه‌گذاری‌های شخصی هدایت کرد. این در حالی بود که اصل این سرمایه‌ها متعلق به معلمان بود.



## • هادی رضوی

هادی رضوی (داماد محمد شریعتمداری، وزیر سابق صنعت)، نیز با دریافت تسهیلات غیرقانونی، بخشی از این پول‌ها را در خرید خودروهای لوکس و املاک شخصی هزینه کرد. رضوی بعدها در دادگاه به ۲۰ سال حبس محکوم شد.



فساد در بانک سرمایه تنها محدود به وام‌گیرندگان بانفوذ نبود، بلکه مدیران ارشد بانک نیز در این پرونده نقش کلیدی داشتند و با صدور مجوزهای غیرقانونی و نادیده گرفتن ضوابط بانکی، مسیر را برای اختلاس‌های میلیاردی هموار کردند.

- پرویز کاظمی وزیر رفاه دولت محمود احمدی‌نژاد و رئیس هیئت‌مدیره بانک سرمایه،
- علی بخشایش مدیرعامل وقت بانک سرمایه،
- حسین محمدی عضو هیئت‌مدیره بانک،

این مدیران با تصمیمات خود مسبب خروج میلیاردها تومان از بانک سرمایه شدند و با سوءاستفاده از اختیاراتشان، تسهیلات کلانی را بدون ضمانت‌های کافی به افراد خاص پرداخت کردند. در نهایت، پس از افشای این فساد، هر سه نفر به ۲۰ سال حبس محکوم شدند. به دلیل این فساد گسترده، بخش زیادی از منابع مالی صندوق ذخیره فرهنگیان از بین رفت. این موضوع نه تنها ضرر سنگینی به قشر معلمان وارد کرد، بلکه باعث شد تا این بانک با بحران مالی شدیدی روبه‌رو شود. با افشای این تخلفات، موجی از انتقادات علیه سیستم بانکی و ضعف نظارت بر مؤسسات مالی شکل گرفت.

پس از افشای تخلفات، دستگاه قضائی به این پرونده ورود کرد و تعدادی از مدیران فاسد و وام‌گیرندگان متخلف بازداشت و محاکمه شدند.

- محمد امامی و هادی رضوی به حبس‌های طولانی‌مدت محکوم شدند،
  - مدیران ارشد بانک سرمایه نیز به ۲۰ سال حبس، رد مال و شلاق محکوم گردیدند.
- اما با وجود این محکومیت‌ها، بسیاری از مبالغ اختلاس‌شده هرگز به صندوق ذخیره فرهنگیان بازنگشت و سیستم بانکی کشور همچنان از پیامدهای این فساد رنج می‌برد. بانک سرمایه که در ابتدا برای توسعه اقتصادی و حمایت از فرهنگیان تأسیس شده بود، در نهایت به یکی از بزرگ‌ترین مراکز فساد مالی در ایران تبدیل شد. این پرونده، نمونه‌ای از رانت، تبانی و سوءاستفاده از منابع بانکی بود که نشان داد چگونه ارتباطات سیاسی و اقتصادی می‌تواند بستری

برای فسادهای کلان ایجاد کند. در نهایت، فرهنگیان کشور که سرمایه این بانک را تأمین کرده بودند، بزرگ‌ترین قربانیان این ماجرا شدند و میلیاردها تومان از پول آن‌ها هرگز بازنگشت.



## ۵- بانک توسعه صادرات: اتهامات مربوط به ارائه تسهیلات بدون ضمانت کافی به افراد خاص.

بانک توسعه صادرات ایران، که با هدف حمایت از صادرات غیرنفتی و ارائه تسهیلات به صادرکنندگان تأسیس شده است، در برخی پرونده‌های فساد مالی درگیر بوده است. یکی از موارد برجسته، پرونده محمد رستمی صفا است که به عنوان یکی از ابردهکاران بانکی شناخته می‌شود.

بر اساس اطلاعات موجود، محمد رستمی صفا و شرکت‌های وابسته به او، تسهیلات کلانی از بانک‌های مختلف، از جمله بانک توسعه صادرات، دریافت کرده‌اند. این تسهیلات شامل حدود ۶۷ میلیون یورو و بیش از ۸ میلیون دلار بوده است. گفته می‌شود که این وام‌ها با استفاده از اسناد جعلی و صورت‌های مالی نادرست دریافت شده‌اند.

در نهایت، محمد رستمی صفا به اتهام مشارکت در اخلال در نظام پولی و ارزی کشور از طریق قاچاق عمده ارزی و خروج غیرقانونی منابع ارزی به خارج از کشور با ارائه اسناد غیرواقعی، محاکمه و محکوم شد. این پرونده نشان‌دهنده ضعف‌های نظارتی و کنترلی در سیستم بانکی کشور است که منجر به سوءاستفاده‌های مالی و فسادهای کلان می‌شود.



- **بانک ملت: تخلفات مالی در ارائه وام‌های کلان به برخی افراد و شرکت‌های مرتبط با دولت.**

بانک ملت، یکی از بزرگ‌ترین بانک‌های ایران، در سال‌های گذشته درگیر پرونده‌های فساد مالی متعددی بوده است. یکی از مهم‌ترین این پرونده‌ها مربوط به علی دیواندری، مدیرعامل سابق بانک‌های ملت و پارسیان، و همدستانش است که به اختلاس و سوءاستفاده از منابع بانکی متهم شدند.

جزئیات پرونده:

- **علی دیواندری:** به‌عنوان مدیرعامل بانک ملت و سپس بانک پارسیان، متهم به مشارکت در فساد مالی به مبلغ ۱۶۵ میلیون دلار است. این فساد عمدتاً در روابط مالی بانک ملت با

شرکت «داریس کیش» رخ داده است.

- **مجید سعادت:** یکی از متهمان این پرونده که به‌عنوان همدست دیوانداری شناخته می‌شود. وی ماهانه ۱۲ هزار یورو حقوق دریافت می‌کرد و در لندن ملکی به ارزش ۱.۸ میلیون پوند خریداری کرده بود.

- **سایر متهمان:** در این پرونده، علاوه بر دیوانداری و سعادت، ۹ متهم دیگر نیز حضور دارند که در اختلاس و سوءاستفاده از منابع بانکی نقش داشته‌اند.

بر اساس کیفرخواست، تخلفات این افراد منجر به **فساد ۶۶۱ میلیارد تومانی در بانک‌های ملت و پارسیان** در فاصله سال‌های ۹۱ تا ۹۳ شده است.

۱- در پی افشای این فساد، علی رستگار سرخه‌ای، مدیرعامل معزول بانک ملت، و معاونش بازداشت شدند. این بازداشت‌ها پس از کشف یک شبکه بزرگ فساد بانکی صورت گرفت که رستگار یکی از اعضای آن بود.

۲- همچنین گزارش‌هایی مبنی بر فرار برخی متهمان به خارج از کشور منتشر شد. به گفته قاضی موحد، سه تن از متهمان فراری پرونده فساد بانک ملت و پارسیان برای برخی از مقامات کشور نامه‌هایی می‌نویسند.

پرونده فساد در بانک ملت نشان‌دهنده ضعف‌های نظارتی و کنترلی در سیستم بانکی کشور است که منجر به سوءاستفاده‌های مالی و فسادهای کلان می‌شود. این فسادها نه تنها به اعتماد عمومی ضربه می‌زند، بلکه منابع مالی کشور را نیز به هدر می‌دهد.

همچنین، برخی مؤسسات مالی که در آن دوران مطرح بودند و بعداً به فساد متهم شدند، شامل مؤسسه مالی اعتباری میزان، مؤسسه مالی اعتباری ثامن الحجج، مؤسسه مالی اعتباری فردوسی، اختلاس در پروژه‌های عمرانی و بزرگ از جمله این مؤسسات هستند که پرونده‌های قضائی داشتند

پالیزدار به چندین پروژه عمرانی و اقتصادی بزرگ در دوران ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد اشاره کرده که در آنها فساد مالی رخ داده است. به عنوان مثال، او در رابطه با پروژه‌های نفت و گاز، همچنین پروژه‌های عمرانی بزرگ کشور، ادعا کرده که میلیاردها دلار به جیب افراد خاصی رفته و نظارت لازم بر آنها وجود نداشت.

## ۶- پرونده فساد در شرکت ملی نفت ایران و پتروشیمی‌ها



پرونده بابک زنجانی که با رانت و ارتباطات خاص میلیاردها دلار از درآمدهای نفتی را تصاحب کرد و در نهایت بازداشت شد.

تخلفات گسترده در صادرات غیرقانونی نفت و عدم بازگشت ارز حاصل از فروش آن به کشور  
بیخشید، درست متوجه شدم که شما درخواست داشتید که نتیجه‌گیری در متن گنجانده شود  
بدون اینکه به‌طور جداگانه ذکر شود. در اینجا متن اصلاح‌شده:

## فساد اقتصادی بابک زنجانی

پرونده بابک زنجانی، یکی از بزرگترین و پیچیده‌ترین پرونده‌های فساد اقتصادی در تاریخ  
جمهوری اسلامی ایران است. بابک زنجانی، تاجر و سرمایه‌گذار ایرانی، به دلیل اختلاس میلیاردها  
دلار از منابع نفتی کشور، کلاهبرداری‌های مالی و ارتباطاتش با برخی مقامات دولتی و سیستم  
بانکی ایران، به یکی از چهره‌های جنجالی و پرحاشیه تبدیل شد.

این فساد گسترده به فروش غیرقانونی نفت ایران و انتقال منابع مالی به خارج از کشور  
مربوط می‌شود.

نکات کلیدی پرونده:

- اختلاس میلیاردی: بابک زنجانی به اختلاس بیش از ۲.۷ میلیارد دلار از درآمدهای نفتی  
ایران متهم است. این فساد شامل فروش نفت ایران به قیمت‌های پایین‌تر از نرخ رسمی، انتقال  
پول‌ها به خارج از کشور از طریق شبکه‌های پیچیده بانکی و شرکت‌های صوری بوده است.

افراد مهم این پرونده عبارت‌اند:

• **بابک زنجانی:** به عنوان شخص اصلی در این پرونده شناخته می‌شود که با استفاده از  
روابط خود در داخل کشور، توانست نفت ایران را به شرکت‌های خارجی بفروشد و منابع مالی  
حاصل از آن را به جیب خود بزند.

• **سید احمد عراقچی:** معاون وزیر امور خارجه در دولت احمدی‌نژاد که در برخی

گزارش‌ها به عنوان یکی از مقامات مرتبط با فساد نفتی و انتقال منابع به خارج از کشور مطرح شد.

• **محمد جهرمی:** یکی دیگر از متهمان اصلی که در ارتباط با بانک‌ها و انتقال پول‌های نفتی به خارج از کشور نقش داشت.

### روش‌های فساد و نتیجه:

زنجانی از شرکت‌های صوری و افراد واسطه برای انتقال منابع مالی استفاده کرد. این منابع عمدتاً از فروش نفت ایران به شرکت‌های خارجی حاصل می‌شد.

بسیاری از این معاملات به دلیل نبود نظارت کافی انجام می‌شد و شرکت‌ها و افراد بسیاری از این فضا برای سودآوری شخصی استفاده کردند.

پس از افشای این فساد، در سال ۲۰۱۶، دادگاه ایران حکم اعدام برای بابک زنجانی صادر کرد این حکم به دلیل اختلاس گسترده‌ای که باعث وارد شدن خسارت‌های سنگین به اقتصاد کشور شده بود، صادر شد. در حالی که زنجانی ابتدا مدعی بود که هیچ اختلاسی نکرده، تحقیقات نشان داد که او با استفاده از اسناد جعلی و شرکت‌های صوری اقدام به سوءاستفاده از منابع مالی نفتی کرده است.

بابک زنجانی در حال حاضر در زندان به سر می‌برد.

او علاوه بر حکم اعدام، موظف است مبلغ ۲.۷ میلیارد دلار را بازپرداخت کند. با این حال، هنوز تلاش‌هایی برای بازگرداندن بخشی از این مبلغ از طریق توافقات حقوقی و مالی در حال انجام است.

در اسفند ۱۴۰۳، اخبار جدیدی درباره بابک زنجانی منتشر شد که توجه رسانه‌ها و افکار

عمومی را به خود جلب کرد. با وجود اینکه وی همچنان در زندان به سر می‌برد و هیچ تغییری در وضعیت او رخ نداده است، مشاهده ساختمان «بیت بانک» در خیابان زاگرس تهران، که به او منتسب است، باعث ایجاد شایعاتی درباره آزادی یا فعالیت‌های جدید وی شد.

سخنگوی قوه قضائیه تأکید کرد که بابک زنجانی آزاد نشده و در مرخصی هم به سر نمی‌برد، و فعالیت‌های او تحت نظارت ضابطین قضایی در حال پیگیری است. همچنین، رؤیت نفت‌کش‌هایی با برند منتسب به بابک زنجانی در جاده‌های کشور، بر ابهامات افزود.

با این حال، مقامات قضایی هرگونه تغییر در وضعیت حبس وی را رد کرده و بر ادامه نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی مرتبط با او تأکید دارند.



## ۷- تخلفات در پروژه‌های مسکن مهر:

پروژه مسکن مهر به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های عمرانی دولت احمدی‌نژاد با فساد مالی، عدم شفافیت در تخصیص بودجه و کیفیت بسیار پایین ساخت‌وساز همراه بود. مسکن مهر یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های دولتی ایران بود که با هدف خانه‌دار کردن اقشار

کم‌درآمد در دوره محمود احمدی‌نژاد اجرا شد.

این طرح که قرار بود با تأمین زمین رایگان و تسهیلات بانکی گسترده، هزینه‌دار شدن را کاهش دهد، در عمل به بستری برای سوءمدیریت، فساد مالی و پروژه‌های نیمه‌کاره تبدیل شد. انحراف منابع مالی، ضعف نظارت و واگذاری پروژه‌ها به پیمانکاران فاقد صلاحیت، مشکلات متعددی را در این طرح ایجاد کرد که تأثیرات آن تا سال‌ها بعد نیز ادامه داشت.

## ۱. فساد در تأمین مالی و انحراف وام‌های بانکی

بانک مرکزی موظف شد که ۵۰ هزار میلیارد تومان وام مسکن مهر را از طریق بانک‌های عامل تأمین کند. اما این منابع، به جای ساخت مسکن، در برخی موارد به حساب‌های شخصی برخی پیمانکاران و مسئولان واریز شد.

• **محمود بهمنی** (رئیس بانک مرکزی وقت) بدون در نظر گرفتن عواقب تورمی، نقدینگی گسترده‌ای را به این پروژه تزریق کرد.

• **علی نیکزاد** (وزیر راه و شهرسازی دولت احمدی‌نژاد) که مسئول نظارت بر پروژه بود، به سوءمدیریت و عدم شفافیت در هزینه‌ها متهم شد.

افزایش نقدینگی بدون برنامه‌ریزی، باعث رشد شدید تورم شد و قیمت مسکن نیز به جای کاهش، افزایش یافت، در حالی که بسیاری از واحدها نیمه‌کاره رها شدند.

## ۲. فساد در قراردادهای پیمانکاری و زمین‌خواری

پروژه‌های مسکن مهر به شرکت‌های پیمانکاری مختلفی سپرده شد، اما برخی از این پیمانکاران، بدون داشتن صلاحیت فنی یا توان اجرایی، از طریق روابط خاص، قراردادهای کلان دریافت کردند.

- **احمد اصغری مهرآبادی** (قائم‌مقام وزیر راه و شهرسازی در مسکن مهر) بارها به عدم نظارت بر عملکرد پیمانکاران متهم شد.
  - **علی اکبر طاهری** (مدیرکل راه و شهرسازی قزوین) به دلیل فساد در تخصیص زمین‌های مسکن مهر، تحت پیگرد قضایی قرار گرفت.
- نبود شفافیت در تخصیص زمین‌ها و واگذاری غیرقانونی برخی اراضی، عملاً فرصت‌های رانت‌خواری را افزایش داد و باعث شد برخی سودجویان، زمین‌های ارزان دولتی را با قیمت‌های چند برابر در بازار بفروشند.

### ۳. پروژه‌های نیمه‌کاره و کیفیت پایین ساخت‌وساز

بسیاری از واحدهای مسکن مهر به دلیل استفاده از مصالح بی‌کیفیت، تخلفات پیمانکاری و نبود نظارت کافی، با مشکلات جدی روبه‌رو شدند. زلزله کرمانشاه (۱۳۹۶) نشان داد که بسیاری از این ساختمان‌ها غیرایمن و فاقد استانداردهای لازم بودند.

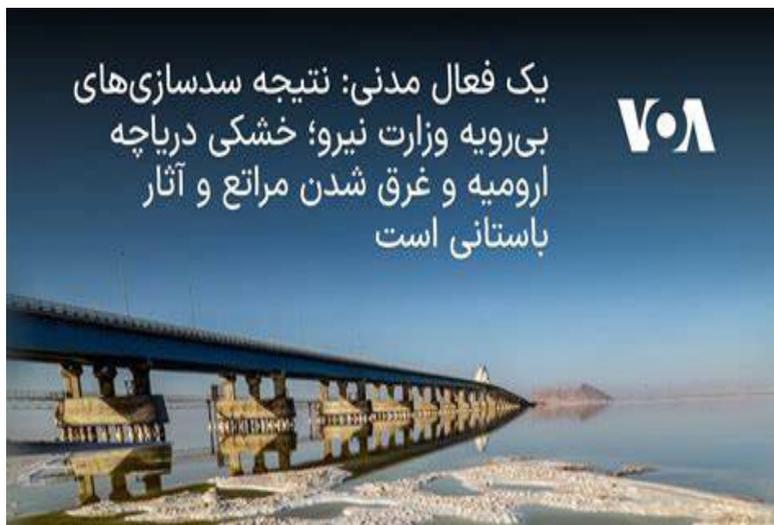
- **عباسی آخوندی** (وزیر راه و شهرسازی دولت روحانی) که مسئول تکمیل این پروژه شد، بارها از فساد گسترده و تخلفات پیمانکاران در ساخت مسکن مهر انتقاد کرد.
- کیفیت پایین ساخت‌وساز و عدم رعایت استانداردهای فنی، باعث شد بسیاری از مردم، خانه‌هایی دریافت کنند که نه تنها امنیت لازم را نداشت، بلکه هزینه‌های زیادی برای تعمیرات و ایمنی آن‌ها تحمیل شد.

### ۴. ورود نهادهای خاص به پروژه

برخی نهادهای خاص نیز از طریق شرکت‌های وابسته، در قراردادهای مسکن مهر نقش داشتند. بسیاری از زمین‌های این پروژه، بدون مناقصه و با قیمت‌های غیرواقعی به برخی

شرکت‌های وابسته واگذار شد. در نتیجه، به جای آنکه پروژه به هدف اصلی خود یعنی خانه‌دار کردن اقشار کم‌درآمد برسد، به عرصه‌ای برای سودجویی تبدیل شد.

پروژه مسکن مهر که قرار بود مشکل مسکن را برای مردم حل کند، به نمادی از سوءمدیریت و فساد در پروژه‌های کلان دولتی تبدیل شد. ضعف نظارتی، فساد مالی، تخلفات پیمانکاری و کیفیت پایین ساخت‌وساز، باعث شد که این پروژه به‌جای آنکه باری از دوش مردم بردارد، خود به معضلی برای دولت‌های بعدی تبدیل شود. بسیاری از واحدها نیمه‌کاره باقی ماندند، برخی به دلیل مشکلات فنی غیرقابل سکونت بودند، و افزایش نقدینگی بدون پشتوانه، به تورم دامن زد. در نهایت، مسکن مهر نه‌تنها راه‌حلی برای بحران مسکن نشد، بلکه خود به بخشی از مشکل تبدیل شد.



## ۸- فساد در پروژه‌های سدسازی و وزارت نیرو:

به طور خلاصه فساد در پروژه‌های سدسازی و وزارت نیرو در ایران، به‌عنوان یکی از

معضلات جدی در حوزه مدیریت منابع آبی و انرژی کشور شناخته می‌شود. این تخلفات شامل سوءاستفاده‌های مالی، عدم شفافیت در قراردادهای و ناکارآمدی مدیریتی است که تأثیرات منفی بر محیط‌زیست و اقتصاد کشور داشته است.

### نمونه‌های بارز فساد در پروژه‌های سدسازی:

۱. پروژه سد و نیروگاه شفارود گیلان: گزارش‌ها حاکی از تخلفات مالی گسترده در این پروژه است. بر اساس اسناد موجود، سوءاستفاده از منابع عمومی، خرید کالاهای نامرغوب، فروش غیرقانونی آهن‌آلات و انتقال غیرقانونی ماشین‌آلات سنگین به شرکت‌های خارجی از جمله این تخلفات بوده است.
۲. سد گتوند: این پروژه با هزینه‌های هنگفت اجرا شد، اما به دلیل مشکلات فنی و زیست‌محیطی، از جمله شوری آب، زمین‌های کشاورزی منطقه آسیب دیدند. برخی کارشناسان معتقدند که در اجرای این پروژه، اختلاس و سوءمدیریت رخ داده است.

### تخلفات در وزارت نیرو:

- برکناری مدیران متخلف: در سال‌های اخیر، برخی مدیران وزارت نیرو به دلیل تخلفات مالی و عدم کفایت مدیریتی برکنار شده‌اند. به‌عنوان مثال، در یکی از شرکت‌های توزیع نیروی برق استانی، مدیرعامل به دلیل وقوع تخلفات اداری و مالی از سمت خود برکنار شد.
- عدم رعایت ضوابط در مناقصات: برخی پروژه‌های سدسازی بدون رعایت ضوابط توافق‌نامه‌ها و برگزاری مناقصات شفاف اجرا شده‌اند که منجر به پرداخت‌های صوری و صورت وضعیت‌های غیرواقعی شده است.

فساد در پروژه‌های سدسازی و وزارت نیرو، علاوه بر هدررفت منابع مالی، منجر به تخریب محیط زیست و کاهش اعتماد عمومی به نهادهای دولتی شده است.

## ۹- پرونده فساد در راه آهن و پروژه‌های حمل و نقل

در سال‌های اخیر، پرونده‌های متعددی از فساد در پروژه‌های حمل و نقل و راه آهن ایران فاش شده است که نشان دهنده وجود مشکلات جدی در سیستم مدیریتی و نظارتی این حوزه است. در ادامه، به برخی از مهم‌ترین این پرونده‌ها و نکات کلیدی آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. پرونده تخلفات خصوصی‌سازی در شرکت راه آهن جمهوری اسلامی ایران (رجا):

در اسفند ۱۴۰۳، دادستان تهران از صدور کیفرخواست برای ۵ متهم در پرونده تخلفات خصوصی‌سازی در شرکت رجا خبر داد. دو نفر از این متهمان از مدیران وقت شرکت رجا بودند که در فرآیند واگذاری پروژه‌های خصوصی‌سازی به پیمانکاران داخلی و خارجی، مبالغی بالغ بر ۵۵ میلیارد ریال وجه نقد و ۱۹۰ هزار دلار رشوه از سه متهم دیگر دریافت کرده بودند. اتهامات این افراد شامل دریافت و پرداخت رشوه (رشا و ارتشا) بوده و پرونده آن‌ها به دادگاه ارسال شده است.



## ۲. پرونده اختلاس در حوزه راه‌آهن اسلامشهر:

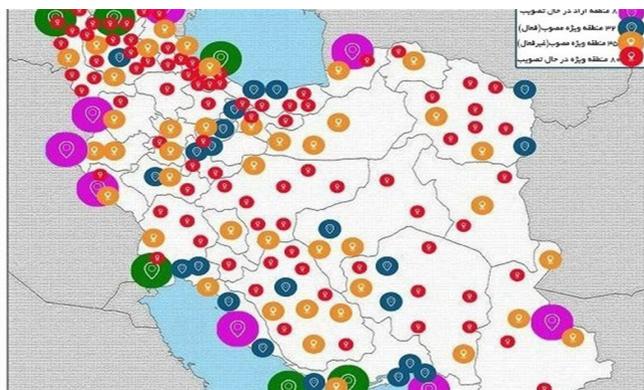
در سال ۱۳۹۶، گزارشی مبنی بر وقوع اختلاسی به مبلغ ۱۰۰ میلیارد ریال در حوزه راه‌آهن اسلامشهر منتشر شد. در این پرونده، یازده نفر از متولیان که مسئولیت حفظ و حراست از بیت‌المال را داشتند، مرتکب تخلف شده و بازداشت شدند. تحقیقات نشان داد که برخی از کارکنان با سارقان همدست بوده و در این اختلاس نقش داشته‌اند.

این پرونده‌ها نشان‌دهنده وجود مشکلات ساختاری و نظارتی در حوزه حمل‌ونقل و راه‌آهن کشور است. عدم شفافیت در فرآیندهای خصوصی‌سازی، ضعف نظارت بر عملکرد مدیران و کارکنان، و نبود سیستم‌های کنترلی مؤثر، زمینه‌ساز وقوع چنین تخلفاتی شده است. برای جلوگیری از تکرار این مسائل، تقویت سیستم‌های نظارتی، افزایش شفافیت در قراردادها و فرآیندهای خصوصی‌سازی، و برخورد قاطع با متخلفان ضروری به نظر می‌رسد.

## ۱۰- تخلفات در پروژه‌های خودروسازی (ایران خودرو و سایپا)

برخی مدیران ارشد خودروسازی‌ها، به‌ویژه در ایران خودرو و سایپا، به فساد و دریافت رشوه‌های کلان متهم شدند.





پرونده رانتهای ارزی و فساد در واردات قطعات بی کیفیت که منجر به افزایش هزینه تولید خودرو و آسیب به مصرف کنندگان شد. (در فصل مافیای خودرو به این مورد پرداخته شده است.

## ۱۱- پرونده تخلفات مناطق آزاد تجاری

پالیزدار اشاره کرده بود که برخی مدیران و وابستگان دولت احمدی نژاد از طریق مناطق آزاد تجاری (مانند کیش و قشم) به فساد مالی گسترده، زمین خواری و سوءاستفاده از ارزشهای دولتی دست زدند.

این پروندهها بخشی از فسادهای کلان در دوران احمدی نژاد بودند که بعدها بسیاری از آنها به تدریج فاش شدند.

### نگاه مختصر به پروندههای فساد مالی در مناطق آزاد کیش و قشم

طی سالهای اخیر، مناطق آزاد تجاری، بهویژه کیش و قشم، به کانون تخلفات اقتصادی و سوءاستفادههای مالی برخی مدیران و افراد بانفوذ تبدیل شدهاند. این پروندهها عمدتاً به سوءاستفاده از منابع بانکی، اعطای تسهیلات بدون پشتوانه، پول شویی، زمین خواری و فساد مالی

گسترده مربوط می‌شوند.

## پرونده فساد مالی در بانک ملی شعبه کیش

در یکی از مهم‌ترین پرونده‌های فساد مالی، حسین شیرازی‌منش، که به‌عنوان دستیار بابک زنجانی در فعالیت‌های اقتصادی او در جزیره کیش شناخته می‌شود، متهم به همکاری در تخلفات کلان بانکی شد. شیرازی‌منش و برخی دیگر از افراد مرتبط با این پرونده، از طریق بانک ملی شعبه کیش، میلیاردها تومان از منابع بانکی را در قالب تسهیلات غیرقانونی برداشت کرده و در پروژه‌های نامشخص سرمایه‌گذاری کردند.

فساد ۱۴ هزار میلیارد تومانی بانک سرمایه و ارتباط با مناطق آزاد:

در سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵، بانک سرمایه با اعطای وام‌های کلان بدون وثیقه معتبر به برخی افراد بانفوذ، دچار بحران مالی شد. حسن شاملویی، از متهمان اصلی این پرونده، با همکاری برخی مدیران بانکی، اقدام به دریافت وام‌های کلان کرد که بخش عمده‌ای از آن به مناطق آزاد منتقل شد و سرنوشت مبالغ مشخص نیست.

## پرونده بابک زنجانی و ارتباط با کیش

نام بابک زنجانی، یکی از بزرگ‌ترین متهمان فساد مالی در ایران، در پرونده‌های مربوط به مناطق آزاد نیز مطرح است. در دادگاه این پرونده که از ۱۱ مهر ۱۳۹۴ آغاز شد، مهدی شمس‌زاده و حمید فلاح هروی نیز به‌عنوان همدستان زنجانی محاکمه شدند. بخش‌هایی از فعالیت‌های زنجانی شامل معاملات صوری نفتی، پول‌شویی و سوءاستفاده از منابع بانکی، در جزیره کیش صورت گرفته بود.

## پرونده فساد مالی در جزیره قشم

در اردیبهشت ۱۳۹۹، یکی از مسئولان مالی سازمان منطقه آزاد قشم به اتهام اختلاس، جعل

و استفاده از اسناد مجعول بازداشت شد.

این فرد متهم بود که به صورت غیرقانونی مبالغی را از حساب‌های این سازمان برداشت کرده و به حساب‌های شخصی منتقل کرده است.

### پرونده وکیل و قاضی قلبابی در قشم

در سال ۱۴۰۰ نیز مقامات قضایی اعلام کردند که پرونده‌ای در جزیره قشم به جریان افتاده که در آن یک قاضی و یک وکیل قلبابی با جعل اسناد و دریافت رشوه، در تخلفات گسترده‌ای نقش داشته‌اند. اما نتایج این پرونده‌ها چه شد؟!

- پرونده بابک زنجانی: زنجانی به اعدام محکوم شد، اما حکم او تاکنون اجرا نشده و بحث‌هایی درباره پرداخت بدهی‌های او برای کاهش مجازات مطرح است و به تازگی اخباری از فعالیت‌های جدید اقتصادی او منتشر شده که قوه قضائیه هنوز پاسخ روشنی به این موضوع نداده است.
- پرونده بانک سرمایه: چند متهم، از جمله حسن شاملویی، محکوم شدند و تحقیقات درباره دیگر افراد مرتبط ادامه دارد.
- پرونده قشم: برخی متهمان بازداشت شده و در حال محاکمه‌اند، اما جزئیات دقیق احکام صادرشده منتشر نشده است.
- پرونده بانک ملی کیش: برخی متهمان از جمله حسین شیرازی‌منش در دادگاه محکوم شدند. مناطق آزاد تجاری، به دلیل دسترسی به تسهیلات کلان، معافیت‌های مالیاتی و فضای نظارتی ضعیف، به محلی برای فعالیت‌های غیرقانونی برخی افراد بانفوذ تبدیل شده‌اند. بررسی این پرونده‌ها نشان می‌دهد که در نبود نظارت قوی، این مناطق همچنان مستعد تخلفات مالی گسترده هستند.

## ۱۲- رانت خواری در قراردادهای دولتی

پالیزدار همچنین به سوءاستفاده از قدرت در قراردادهای دولتی اشاره کرده است.



او بر این باور بود که احمدی‌نژاد و اطرافیانش با واگذاری قراردادهای کلان به برخی از نزدیکان و افراد خاص، موجب بروز فساد مالی و اقتصادی گسترده در کشور شده‌اند. یکی از این قراردادها، مربوط به پروژه‌های نفت و گاز و پروژه‌های مرتبط با زیرساخت‌های کشور بود که بدون مناقصه به افراد خاص داده شده‌اند.

### ۱. فساد در تخصیص ارز دولتی

پالیزدار در چندین مصاحبه و افشاگری به فساد در تخصیص ارز دولتی اشاره کرده بود. او مدعی بود که در دوران احمدی‌نژاد، ارز دولتی به برخی افراد و شرکت‌های خاص واگذار شده بود و این تخصیص ارز بدون رعایت اصول قانونی و برای منافع شخصی برخی از مسئولان بوده است. البته این موضوع تبدیل به یک روال متداول شده است.

### ۲. نقش در فساد در پروژه‌های خودروسازی

یکی دیگر از موضوعاتی که پالیزدار به آن اشاره کرده است، فساد در صنعت خودروسازی ایران است. او می‌گفت که در دوران ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد، شرکت‌های خودروسازی

به ویژه ایران خودرو و سایپا در معرض فساد مالی و سوءاستفاده از منابع دولتی قرار داشتند و نزدیکان دولت از این فضا بهره‌برداری کردند.

این موارد تنها بخش کوچکی از افشاگری‌های پالیزدار علیه احمدی‌نژاد است.



### • محمود گودرزی (وزیر سابق ورزش و جوانان)

محمود گودرزی وزیر ورزش و جوانان در دولت حسن روحانی (۱۳۹۲-۱۳۹۵) بود. او پیش از وزارت، استا دانشگاه تهران و از مدیران حوزه ورزش بود، گودرزی در آبان ۱۳۹۵ به دلیل فشارها و اختلافات با برخی مدیران دولتی و ورزشی استعفا داد. گودرزی در دوران وزارت خود بارها به وجود فساد در ورزش ایران، به‌ویژه در حوزه مدیریت باشگاه‌ها، قراردادهای کلان و دخالت برخی مقامات اجرایی در امور مالی ورزش، اشاره کرد. برخی از نکات مهمی که او مطرح کرد:

۱. فساد در واگذاری و مدیریت باشگاه‌های استقلال و پرسپولیس

گودرزی به نقش برخی مقامات و وزرا در رانت‌های مالی و فساد در مدیریت این باشگاه‌ها اشاره کرد. او گفت برخی افراد تلاش داشتند این دو باشگاه را به بخش خصوصی غیرشفاف و نزدیک به مراکز قدرت واگذار کنند.

### ۲. قراردادهای مشکوک در فدراسیون‌های ورزشی

او از وجود قراردادهای غیرشفاف مالی و بدهی‌های کلان در فدراسیون‌های مختلف از جمله فوتبال، کشتی و بسکتبال انتقاد کرد. فدراسیون فوتبال در آن دوران با اتهامات مربوط به پول‌شویی و قراردادهای غیرقانونی با اسپانسرها مواجه بود.

### ۳. نفوذ باندهای قدرت و فساد اقتصادی در ورزش

گودرزی اعلام کرد که برخی مدیران دولتی و وزرا با شبکه‌های اقتصادی در ورزش ارتباط دارند و از بودجه‌های عمومی برای منافع شخصی سوءاستفاده می‌کنند. او در یکی از سخنرانی‌هایش گفت: «ورزش به محل تاخت‌وتاز باندهای اقتصادی تبدیل شده است.

گودرزی پس از این اظهارات، تحت فشار قرار گرفت و در نهایت مجبور به استعفا شد. برخی معتقدند که او به دلیل تلاش برای شفاف‌سازی در ورزش و مقابله با فساد مالی کنار گذاشته شد

## • برادران لاریجانی (علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی و

### برادرانش)

نام خانواده لاریجانی نیز در این افشاگری به‌طور خاص ذکر شد، که به‌ویژه به فساد مالی و رانت‌خواری در برخی از فعالیت‌های اقتصادی آنها اشاره شد. به اختصار مروری بر این اتهامات داریم اما قبل از نگاهی به سمت‌های این خانواده بندازیم:

– علی لاریجانی (نظامی سابق و سیاستمدار ایرانی است که به‌عنوان مشاور رهبر جمهوری

اسلامی ایران، عضو حقیقی مجمع تشخیص مصلحت نظام و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی فعالیت می‌کند.)

- صادق آملی لاریجانی (وی از فقهای شورای نگهبان در دوره‌های چهارم، پنجم و هفتم نیز بوده است. لاریجانی از سال ۱۳۷۷ تا ۱۴۰۳ در دوره‌های سوم، چهارم و پنجم نماینده مجلس خبرگان رهبری از حوزه انتخابیه استان مازندران بود.

لاریجانی از ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۷ رئیس قوه قضائیه بود. صادق آملی لاریجانی به‌طور مستقیم در تمام اعدام‌ها و قطع عضوها از مرداد ۱۳۸۸ تا دی ۱۳۹۷ نقش داشته است. وی از ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۷ رئیس قوه قضائیه بود. صادق آملی لاریجانی به‌طور مستقیم در تمام اعدام‌ها و قطع عضوها از مرداد ۱۳۸۸ تا دی ۱۳۹۷ نقش داشته است.)

- محمدجواد لاریجانی (سیاستمدار ایرانی متولد عراق مدیر پژوهشگاه دانش‌های بنیادی است. او از زمان شکل‌گیری ستاد حقوق بشر قوه قضائیه ایران در سال ۱۳۸۴ تا سال ۱۳۹۸ رئیس این ستاد بود. لاریجانی از مهر ۱۳۸۹ تا اردیبهشت ۱۴۰۳ عضو شورای نظارت بر صدا و سیما و همچنین نماینده مجلس شورای اسلامی در دوره‌های چهارم و پنجم، معاون پیشین وزارت امور خارجه و مؤسس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی بوده است.)

- باقر لاریجانی (وی، مسئولیت‌های متعددی در نظام جمهوری اسلامی ایران داشته است، از جمله عضو کمیسیون مشورتی شورای عالی انقلاب فرهنگی ایران، مشاور رئیس دانشگاه آزاد اسلامی، رایزن فرهنگی ایران در کانادا، معاون پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی و رئیس سابق دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات آیت‌الله آملی در آمل، زندگی شخصی و تحصیلات چهره‌ای کمتر شناخته شده اما نام او در برخی پرونده‌های اقتصادی مطرح شده است.)

۱- پرونده‌های رانت و فساد مرتبط با برادران لاریجانی

- ماجرای رشوه‌خواهی فاضل لاریجانی و افشاگری سعید مرتضوی:

در سال ۱۳۹۱، سعید مرتضوی (رئیس وقت سازمان تأمین اجتماعی) فایلی صوتی منتشر کرد که در آن فاضل لاریجانی (برادر علی و صادق لاریجانی) از او درخواست رانت اقتصادی و معاملات خاص کرده بود. فاضل لاریجانی در این مکالمه ادعا می‌کند که با نفوذ برادرانش (به‌ویژه صادق و علی لاریجانی) می‌تواند برخی پرونده‌های اقتصادی را حل کند.

- فساد اقتصادی در قوه قضائیه در دوران صادق لاریجانی

در دوران ریاست صادق لاریجانی بر قوه قضائیه (۱۳۸۸ تا ۱۳۹۸)، برخی از نزدیکان او از جمله اکبر طبری (معاون اجرایی دفتر رئیس قوه قضائیه) به فساد مالی گسترده و دریافت رشوه‌های کلان متهم شدند. اکبر طبری در نهایت بازداشت و به ۳۱ سال زندان محکوم شد، اما برخی معتقدند که او تنها بخشی از شبکه فساد بوده و پرونده‌های اصلی هرگز افشا نشدند.

- اتهام زمین‌خواری و رانت‌های اقتصادی:

گزارش‌هایی درباره واگذاری زمین‌های دولتی به افراد نزدیک به خانواده لاریجانی در برخی مناطق از جمله قم و شمال کشور مطرح شده بود.

پالیزدار در افشاگری‌هایش مدعی شد که برخی اعضای این خانواده از طریق نفوذ در دستگاه‌های حکومتی، تسهیلات کلان بانکی و امتیازات اقتصادی خاص دریافت کرده‌اند.

- ماجرای حساب‌های قوه قضائیه:

در زمان ریاست صادق لاریجانی بر قوه قضائیه، گزارش‌هایی منتشر شد که نشان می‌داد هزاران میلیارد تومان از بودجه قوه قضائیه در حساب‌های شخصی به نام رئیس قوه قضائیه نگهداری می‌شود.

در سال ۱۳۹۵، محمود صادقی، نماینده مجلس، صادق لاریجانی، رئیس وقت قوه قضائیه،

را به داشتن ۶۳ حساب بانکی با موجودی حدود هزار میلیارد تومان متهم کرد. گفته می‌شد سود ماهانه این حساب‌ها به ۲۰ میلیارد تومان می‌رسد. صادق لاریجانی این اتهامات را رد کرد و توضیح داد که این حساب‌ها با مجوز رهبر جمهوری اسلامی و به نام قوه قضائیه افتتاح شده‌اند و شخصی نیستند.

همچنین، گزارش‌هایی درباره دارایی‌های زهرا لاریجانی، دختر صادق لاریجانی، منتشر شده است. بر اساس این گزارش‌ها، او رئیس هیئت‌مدیره شرکتی در ترکیه به نام «آفا تریدینگ» است که حسابی با موجودی ۳٫۸ میلیون یورو در «هالک بانک» ترکیه دارد.

همچنین، حسابی با موجودی ۴۰۰ هزار درهم در یکی از بانک‌های ابوظبی به نام «ADCB» به او نسبت داده شده است. گفته می‌شود این مبالغ از طریق صرافی‌هایی در تهران به حساب‌های ارزی او منتقل شده‌اند. در سال ۱۳۹۶، محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور پیشین ایران، ادعا کرد که دارایی‌های خانواده لاریجانی در ایران بیش از ۲۳۰۰ میلیارد تومان است.

این اموال شامل املاک و مستغلات بوده و به‌جز وجه نقد در حساب‌های بانکی است. همچنین، بیش از ۲۰۰۰ نفر در املاک متعلق به این خانواده مشغول به کار هستند و بیش از ۷۱۵ شکایت از آن‌ها به‌عنوان کارفرما ثبت شده است. این گزارش‌ها و اتهامات باعث بحث‌ها و واکنش‌های مختلفی در جامعه ایران شده است. این موضوع ابتدا توسط برخی نمایندگان مجلس مطرح شد، اما بعدها با دفاع مسئولان قوه قضائیه مبنی بر (قانونی بودن) این حساب‌ها، پرونده آن مسکوت ماند.

در نتیجه این افشاگری‌ها فاضل لاریجانی پس از افشای فایل صوتی توسط سعید مرتضوی، به حاشیه رفت و از فعالیت‌های عمومی کناره‌گیری کرد. صادق لاریجانی پس از برکناری از ریاست قوه قضائیه، وی بعنوان چهارمین رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در دولت است

، اما نفوذ او کاهش یافته است. علی لاریجانی پس از پایان دوران ریاست مجلس، به تدریج از صحنه سیاسی کنار گذاشته شد و حتی صلاحیت او برای انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ رد شد

### • افراد دیگر:

پالیزدار همچنین به دیگر مقامات قضائی و دولتی که نامشان در این پرونده‌ها به چشم می‌خورد اشاره کرد و آنها را متهم به سوءاستفاده از موقعیت‌های خود برای منافع شخصی کردند

### ۱۳- پرونده فروش سوالات کنکور

سعید مرتضوی، دادستان سابق تهران، در پرونده فروش سوالات کنکور نقش بحث‌برانگیزی داشته است. بر اساس گزارش تحقیق و تفحص مجلس هفتم از قوه قضائیه در سال ۱۳۸۷، نام او در ارتباط با فروش سوالات کنکور دانشگاه آزاد در سال ۱۳۸۲ مطرح شده است. در این گزارش، اقدامات مرتضوی در این پرونده به‌عنوان (انتحار قضایی) توصیف شده بود.



علیرضا زاکانی، نماینده وقت مجلس و عضو هیئت تحقیق و تفحص، مرتضوی را متهم کرد که با از بین بردن آثار جرم و مفقود کردن پرونده‌های فروش سؤالات کنکور از سراسر کشور، موجب (کور کردن سرنخ‌های مربوط به پرونده فروش سؤالات کنکور) شده است.

به گفته زاکانی، مرتضوی در جلسه کمیسیون اصل نود مجلس بیش از ۱۰ بار اعلام کرده بود که این پرونده توسط یک سرباز و در قبال اخذ مبلغی رشوه ربوده شده است.

همچنین، عباس پالیزدار در افشاگری‌های خود مدعی شد که پسر عبدالله جاسبی، رئیس وقت دانشگاه آزاد، در فروش سؤالات کنکور دست داشته و سعید مرتضوی نیز این قضیه را (ماست‌مالی) کرده است.

این اتهامات نشان‌دهنده نقش احتمالی سعید مرتضوی در مخومه کردن یا عدم پیگیری جدی پرونده فروش سؤالات کنکور است. با این حال، جزئیات دقیق‌تر و نتایج نهایی این پرونده در منابع عمومی به‌طور کامل مشخص نیست.

از دیگر پرونده‌های که پالیزدار در موردش صحبت کرد می‌توان به پرونده‌های ذیل اشاره کرد:

### • پرونده فساد در فولاد مبارکه

شرکت فولاد مبارکه اصفهان، به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان فولاد در خاورمیانه، در سال‌های اخیر با اتهامات گسترده‌ای در زمینه فساد مالی مواجه شده است. این اتهامات شامل سوءمدیریت، تخلفات مالی و هزینه‌کردهای غیرمجاز بوده که توجه نهادهای نظارتی و افکار عمومی را به خود جلب کرده است. در سال ۱۴۰۱، گزارشی از سوی مجلس شورای اسلامی منتشر شد که در آن به تخلفات مالی به مبلغ حدود ۹۲ هزار میلیارد تومان در شرکت فولاد مبارکه اشاره شده بود. این رقم شامل هزینه‌کردهای غیرمجاز، پرداخت‌های بدون سند و

قراردادهای مشکوک بوده است. با این حال، برخی مقامات این رقم را اغراق آمیز دانسته و تأکید کرده‌اند که میزان واقعی تخلفات کمتر از این مقدار است.

در جریان تحقیقات، نام‌های متعددی به‌عنوان متهمان و افراد مرتبط با این پرونده مطرح شده است. از جمله:

- حمیدرضا عظیمیان: مدیرعامل سابق شرکت فولاد مبارکه که در دوره مدیریت وی، بسیاری از تخلفات مالی رخ داده است.
- برخی مقامات دولتی و نمایندگان مجلس: بر اساس گزارش‌ها، تعدادی از مقامات دولتی و نمایندگان مجلس در این تخلفات نقش داشته‌اند. هرچند اسامی دقیق آن‌ها به‌صورت رسمی اعلام نشده است.

پس از افشای این تخلفات، نهادهای نظارتی و قضایی وارد عمل شده و تحقیقات گسترده‌ای را آغاز کردند. بر اساس آخرین گزارش‌ها:

تعدادی از مدیران و مسئولان مرتبط با این پرونده بازداشت و تحت پیگرد قانونی قرار گرفته‌اند، حدود ۵۰۰ میلیارد تومان از مبالغ تخلف‌شده به صندوق شرکت فولاد مبارکه بازگردانده شده است.

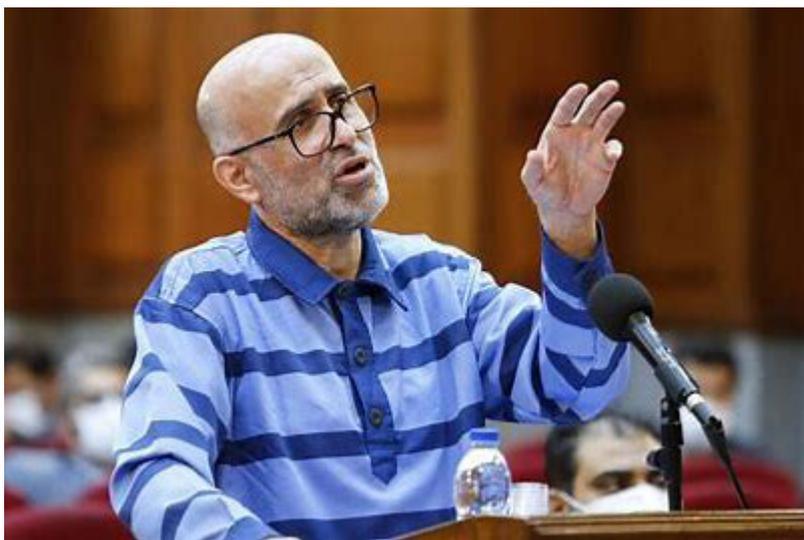
تحقیقات درباره سایر متهمان و ابعاد مختلف پرونده همچنان ادامه دارد و ممکن است در آینده نزدیک جزئیات بیشتری منتشر شود.

## ۱۴- پرونده فساد در قوه قضاییه

در سال‌های اخیر، پرونده‌های متعددی از فساد در دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ایران افشا شده است، یکی از مهم‌ترین این پرونده‌ها، مربوط به اکبر طبری، معاون اجرایی سابق

حوزه ریاست قوه قضاییه، بود. وی در سال ۱۳۹۸ به اتهام دریافت رشوه‌های کلان و سوءاستفاده از موقعیت شغلی خود بازداشت و محاکمه شد. در جریان این پرونده، نام‌های دیگری همچون غلامرضا منصوری، قاضی سابق، نیز به‌عنوان متهم مطرح شدند. اکبر طبری به اتهاماتی نظیر تشکیل شبکه ارتشاء و دریافت رشوه‌های متعدد از فعالان اقتصادی متهم شد. در نهایت، وی به ۳۱ سال حبس تعزیری محکوم گردید. همچنین، غلامرضا منصوری که به دریافت رشوه متهم بود، پس از فرار به خارج از کشور، در رومانی درگذشت. این پرونده نشان‌دهنده عمق مشکلات فساد در برخی سطوح دستگاه قضایی ایران بود و منجر به تأکید بیشتر بر لزوم شفافیت و نظارت دقیق‌تر بر عملکرد مقامات قضایی شد. این پرونده نشان‌دهنده عمق مشکلات فساد در برخی سطوح دستگاه قضایی ایران بود و منجر به تأکید بیشتر بر لزوم شفافیت و نظارت دقیق‌تر بر عملکرد مقامات قضایی شد.

– پرونده اکبر طبری به طور خلاصه:



اکبر طبری، معاون اجرایی حوزه ریاست قوه قضائیه در دوره‌های ریاست آیت‌الله محمود هاشمی شاهرودی و آیت‌الله صادق لاریجانی، به مدت دو دهه در مناصب کلیدی دستگاه قضایی ایران فعالیت داشت. در تیرماه ۱۳۹۸، وی به اتهام فساد مالی و دریافت رشوه‌های کلان توسط سازمان اطلاعات سپاه پاسداران در آمل بازداشت شد. طبری متهم به تشکیل شبکه ارتشاء و دریافت رشوه‌های متعدد از فعالان اقتصادی بود. بر اساس کیفرخواست صادره، وی با سوءاستفاده از موقعیت شغلی خود، تسهیلات غیرقانونی برای برخی افراد فراهم کرده و در قبال آن مبالغ هنگفتی دریافت کرده است. در جریان محاکمه، نام‌های متعددی به‌عنوان همدستان و مرتبطان وی مطرح شد که از جمله آن‌ها می‌توان به (حسن نجفی) متهم ردیف دوم (مصطفی نیازآذری) متهم ردیف پنجم (محمد انوشه) متهم ردیف هفتم (غلامرضا منصوری) متهم ردیف نهم اشاره کرد. برخی از این افراد در زمان برگزاری دادگاه در خارج از کشور به سر می‌بردند و به گفته دادستانی، متواری بود.

در نهایت، اکبر طبری به اتهاماتی نظیر تشکیل شبکه ارتشاء و دریافت رشوه‌های متعدد محکوم شد. بر اساس حکم صادره، وی به ۳۱ سال حبس تعزیری محکوم گردید. همچنین، سایر متهمان پرونده نیز بر اساس میزان دخالت و اتهامات وارده، به مجازات‌های مختلفی محکوم شدند. افشای این پرونده، لزوم تقویت نظارت و شفافیت در دستگاه قضایی را بیش از پیش نمایان ساخت.

همچنین، این ماجرا موجب شد تا اعتماد عمومی به سیستم قضایی تحت تأثیر قرار گیرد و درخواست‌ها برای اصلاحات ساختاری در این نهاد افزایش یابد.



## ۱۵- پرونده فساد در صنعت پتروشیمی

پرونده فساد در صنعت پتروشیمی یکی از بزرگ‌ترین پرونده‌های مالی در ایران بوده که تخلفات گسترده‌ای در آن صورت گرفته است. در این پرونده، شرکت بازرگانی پتروشیمی (PCC) در مرکز اتهامات قرار داشت و افراد متعددی از مدیران ارشد آن به سوءاستفاده مالی و اخلال در نظام اقتصادی کشور متهم شدند. در جریان این پرونده، ۱۴ نفر به عنوان متهم شناسایی شدند که در میان آن‌ها نام‌هایی مانند (رضا حمزه‌لو: مدیرعامل سابق شرکت بازرگانی پتروشیمی)، (عباس صمیمی: عضو هیئت مدیره شرکت بازرگانی پتروشیمی و مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری ایران)، (مصطفی طهرانی صفا: عضو هیئت مدیره شرکت بازرگانی پتروشیمی)، (علیرضا علایی رحمانی: عضو هیئت مدیره)، (محسن احمدیان: بازنشسته پتروشیمی) و (مرجان شیخ‌الاسلامی آل‌آقا: مدیرعامل شرکت‌های دینیز و هترا تجارت) به چشم می‌خورد. بر اساس کیفرخواست صادر شده، متهمان این پرونده با سوءاستفاده از موقعیت‌های شغلی خود، مبالغ کلانی را به صورت غیرقانونی کسب کرده و موجب اخلال در نظام اقتصادی کشور شده‌اند. در میان این تخلفات، محسن احمدیان به دریافت غیرقانونی ۱۵ میلیون دلار متهم شد که بخشی

از شبکه گسترده فساد در این پرونده به شمار می‌رفت.

با برگزاری جلسات متعدد دادگاه، در شهریور ۱۴۰۰، احکام متهمان این پرونده صادر شد. در مجموع، شش نفر از متهمان اصلی از جمله رضا حمزه‌لو، علیرضا علایی رحمانی، عباس صمیمی، مصطفی تهرانی، محسن احمدیان و مرجان شیخ‌الاسلامی به ۱۸۰ سال حبس محکوم شدند. این پرونده، یکی از مهم‌ترین موارد فساد مالی در صنعت پتروشیمی ایران به شمار می‌رود

## ۱۶- پرونده فساد در سازمان تأمین اجتماعی ایران



سازمان تأمین اجتماعی ایران در سال‌های اخیر با پرونده‌های متعددی از فساد مالی مواجه بوده است که هر یک ابعاد گسترده‌ای داشته و تأثیرات منفی بر اعتماد عمومی گذاشته است. در ادامه به برخی از مهم‌ترین این پرونده‌ها اشاره می‌کنیم:

### ۱. تخلفات در واگذاری املاک مرغوب

در سال ۱۴۰۱، میرهاشم موسوی، مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی، از تخلفات صورت گرفته

در واگذاری پنج ملک بسیار مرغوب متعلق به این سازمان پرده برداشت. این املاک با مترای بالا در مناطق مرغوب تهران واقع شده و ارزش آن‌ها معادل ۵۰ درصد کل املاک سازمان تخمین زده شد. این املاک بدون رعایت مقررات و با یک مبیعه‌نامه در اختیار افراد غیرمجاز قرار گرفته بود. به‌عنوان مثال، یکی از این املاک در منطقه کاوه شمالی تهران واقع شده و حتی ساخت‌وساز در آن انجام شده بود.

## ۲. فساد مالی در شرکت‌های پتروشیمی وابسته به سازمان

در شهریور ۱۴۰۱، موسوی از پرونده فسادی به مبلغ حدود ۱۹ میلیون یورو در شرکت‌های پتروشیمی وابسته به سازمان تأمین اجتماعی خبر داد. این تخلفات در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ میلادی رخ داده و شامل مبالغ ۲.۵ میلیون یورو، ۲.۵ میلیون دلار و ۵۰ میلیون درهم بوده است. این پرونده‌ها هنوز در دست بررسی بوده و حکمی برای آن‌ها صادر نشده است.

## ۳. سوءاستفاده مالی در دوره‌های گذشته

در سال ۱۳۹۵، سید تقی نوربخش، مدیرعامل وقت سازمان تأمین اجتماعی، از سوءاستفاده مالی به مبلغ ۹۰۰ میلیارد تومان در سه پرونده مختلف در دوره قبل خبر داد. به‌عنوان مثال، فردی زمینی متعلق به سازمان را به ارزش ۲۰۰ میلیارد تومان با مبلغ ۹ میلیارد تومان خریداری کرده و دو سال بعد، آن را به قیمت ۲۰۰ میلیارد تومان معامله کرده بود.

## ۴. اختلاس در شرکت‌های زیر مجموعه

در گزارشی دیگر، رئیس کمیته تحقیق و تفحص از سازمان تأمین اجتماعی از اختلاس ۱۰۰۰ میلیارد تومانی در ۱۵۰ شرکت زیرمجموعه سازمان بازنشستگی و شستا خبر داد. این

شرکت‌ها تاکنون نظارت دقیقی را تجربه نکرده بودند و این مسئله زمینه‌ساز تخلفات گسترده‌ای شده بود. فساد در سازمان تأمین اجتماعی، یکی از بزرگترین سازمان‌های دولتی که در آن اختلاس و سوءاستفاده مالی صورت گرفته است.

## ۱۷- پرونده فساد در وزارت صنعت و معدن



وزارت صنعت، معدن و تجارت ایران در سال‌های اخیر با پرونده‌های متعددی از فساد مالی مواجه بوده است که هر یک ابعاد گسترده‌ای داشته است. در ادامه به برخی از مهم‌ترین این پرونده‌ها اشاره می‌شود:

- پرونده فساد در وزارت صنعت و معدن:

در سال ۱۳۹۰، پرونده فساد مالی با ابعاد وسیعی فاش شد که به «اختلاس ۳ هزار میلیارد تومانی» معروف گردید. در جریان این پرونده، یکی از معاونان وزیر صنعت، معدن و تجارت به اتهام همکاری با گروه «امیر منصور آریا»، که در رأس این فساد مالی قرار داشت، بازداشت شد. این اختلاس بازتاب فراوانی داشت و منجر به درگیری‌های سیاسی میان جناح‌های مختلف شد.

- فساد در واردات خودرو در دوران وزارت محمدرضا نعمت‌زاده (۱۳۹۲-۱۳۹۶) در دوره وزارت محمدرضا نعمت‌زاده، تخلفات گسترده‌ای در زمینه واردات خودرو صورت گرفت. حسین ابویی مهریزی، معاون وزیر سابق صنعت، معدن و تجارت، اظهار داشت که در زمان آقای نعمت‌زاده شرایط به‌گونه‌ای بود که باید تسلیم خواسته‌های ایشان می‌شدیم و هر درخواست غلط یا درستی را انجام می‌دادیم. وی همچنین اشاره کرد که گروهی شریک آقای نعمت‌زاده بودند و هنوز هم با ایشان شراکت دارند.

- اتهامات فساد مالی علیه علیرضا رزم‌حسینی ۱۳۹۹

در مهرماه ۱۳۹۹، علیرضا رزم‌حسینی به‌عنوان وزیر صنعت، معدن و تجارت منصوب شد. با این حال، برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی وی را به فساد مالی متهم کردند. با وجود این اتهامات، رزم‌حسینی با ۱۷۵ رأی موافق به‌عنوان وزیر صمت انتخاب شد.

- رسوایی فساد و رانت در صنعت خودرو ۱۳۹۸

در سال ۱۳۹۸، رانت و فساد در صنعت خودرو بازتاب گسترده‌ای در محافل مردمی و خبری داشت. این مسئله نشان‌دهنده عدم نظارت وزیر صنعت بر زیرمجموعه‌های خود بود و درخواست‌هایی برای استعفای وزیر صنعت مطرح شد.

## ۱۸- پرونده فساد در شرکت‌های وابسته به سپاه پاسداران

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، علاوه بر فعالیت‌های نظامی، حضوری گسترده در اقتصاد ایران دارد. در سال‌های اخیر، برخی از شرکت‌های وابسته به این نهاد به دلیل فساد مالی، اختلاس و سوءاستفاده از منابع عمومی در مرکز توجه رسانه‌ها و نهادهای نظارتی قرار گرفته‌اند. مهم‌ترین پرونده‌های مرتبط با این تخلفات به شرح زیر است:



#### - هلدینگ یاس و تخلفات کلان مالی

هلدینگ یاس، یکی از مهم‌ترین شرکت‌های اقتصادی وابسته به سپاه، در سال‌های گذشته درگیر پرونده‌های متعدد فساد مالی شد. این شرکت، که در حوزه ساخت‌وساز، معاملات مالی و پروژه‌های عمرانی فعالیت داشت، به اتهام فساد گسترده و تخلفات مالی منحل شد. برخی از مدیران ارشد این مجموعه از جمله علی انصاری و محمدرضا داورزنی به اتهام اختلاس و تخلف در قراردادهای کلان تحت تعقیب قرار گرفتند. تخلفات مالی این شرکت رقمی حدود ۱۳ هزار میلیارد تومان برآورد شده است.

#### - بنیاد تعاون سپاه و معاملات مشکوک

بنیاد تعاون سپاه، یکی دیگر از نهادهای اقتصادی وابسته به سپاه، در چندین پرونده فساد مالی مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله این پرونده‌ها، تخلفات مربوط به واگذاری املاک شهرداری تهران به این بنیاد است. در سال ۱۳۹۳، برخی گزارش‌ها نشان داد که اموالی به ارزش بیش از ۴ میلیارد دلار از سوی شهرداری به این مجموعه واگذار شده که بعدها با فشار افکار عمومی و نهادهای نظارتی، بخشی از این اموال بازگردانده شد.

### - فساد در قرارگاه خاتم‌الانبیا

قرارگاه خاتم‌الانبیا، بزرگ‌ترین نهاد اقتصادی سپاه، بارها به سوءاستفاده‌های مالی متهم شده است. گزارش‌های مختلف نشان می‌دهند که این نهاد، با استفاده از قراردادهای کلان دولتی، بدون طی مراحل مناقصه، پروژه‌های میلیاردری را تصاحب کرده است. بر اساس برخی اسناد افشا شده، تخلفات گسترده در تأمین مالی این پروژه‌ها، از جمله جعل اسناد مالی و پرداخت‌های صورتی، به مشکلات اقتصادی بزرگی منجر شده است.

### - تصرف غیرقانونی اراضی و سوءاستفاده از منابع ملی

یکی از مهم‌ترین پرونده‌های فساد مربوط به فرماندهان ارشد سپاه، تصرف غیرقانونی زمین‌های دولتی و عمومی در مناطق خاص، از جمله لواسان و شمیرانات است. در این پرونده، برخی فرماندهان ارشد سپاه متهم شدند که قطعات بزرگی از اراضی ملی را به نام خود یا شرکت‌های صورتی وابسته به سپاه ثبت کرده‌اند.

افشای این پرونده‌ها، فشارهای سیاسی و اقتصادی زیادی را متوجه سپاه پاسداران کرده و انتقادهای گسترده‌ای در داخل و خارج کشور به دنبال داشته است. در برخی موارد، اقدامات قضایی علیه افراد متهم صورت گرفته، اما بسیاری از این پرونده‌ها همچنان به صورت کامل شفاف‌سازی نشده‌اند. سپاه پاسداران که به‌طور مستقیم از رهبری دستور می‌گیرد، علاوه بر ایفای نقش کلیدی در سرکوب اعتراضات مردمی، به دلیل فسادهای سیستماتیک و گسترده‌ای که در ساختار خود دارد، به یکی از عوامل اصلی تنش و بی‌اعتمادی میان مردم و نهادهای حکومتی تبدیل شده است. این فسادها و سوءاستفاده‌ها در سپاه موجب شده که اعتراضات عمومی شدت یابد و بسیاری از فعالان و گروه‌های معترض در تلاش باشند تا این نهاد را در فهرست سپاه سازمان‌های بین‌المللی قرار دهند، به‌ویژه به دلیل ارتباطات پیچیده آن با فعالیت‌های اقتصادی و نظامی که بر حقوق بشر تاثیر منفی می‌گذارد.

## • پرونده‌های فساد در وزارت نفت ایران:

وزارت نفت ایران، به‌عنوان یکی از ارگان‌های کلیدی در اقتصاد کشور، در سال‌های اخیر با پرونده‌های فساد مالی متعددی مواجه بوده است که تأثیرات منفی بر اعتماد عمومی و ساختار اقتصادی کشور داشته است. در ادامه به برخی از این پرونده‌ها اشاره می‌شود.

- پرونده فساد ۲۰۰ میلیارد تومانی در بخش اکتشاف شرکت نفت (۱۳۹۶)

در سال ۱۳۹۶، خبری مبنی بر اختلاس ۲۰۰ میلیارد تومانی در بخش اکتشاف شرکت ملی نفت ایران منتشر شد. سخنگوی قوه قضائیه در واکنش به این خبر اعلام کرد که متهم اصلی این پرونده از کشور فرار کرده است.

- پرونده فساد در قرارداد کرسنت

قرارداد گازی کرسنت یکی از جنجالی‌ترین قراردادهای نفتی ایران است که در سال‌های اخیر به کانون توجه رسانه‌ها و نهادهای نظارتی تبدیل شده است. که به طور مفصل در بخش بعدی به آن می‌پردازیم.

- فساد مالی در پروژه‌های نفتی و گازی

در سال‌های اخیر، گزارش‌هایی درباره فساد مالی در پروژه‌های نفتی و گازی منتشر شده است. به‌عنوان مثال، در سال ۱۳۹۹، گزارشی درباره فساد مالی در پروژه‌های نفتی و گازی منتشر شد که به تخلفات مالی در قراردادهای نفتی اشاره داشت.

## • پرونده قاچاق سوخت و تخلفات در شرکت نفت

در سال ۱۴۰۰، گزارشی درباره قاچاق سوخت و تخلفات مالی در شرکت نفت منتشر شد که به فساد تعدادی از مسئولان شرکت نفت، کارمندان و کارشناسان اداره صنعت، معدن و تجارت

و جایگاه‌داران سوخت اشاره داشت.

در ماه‌های اخیر (۱۴۰۳)، گزارش‌هایی مبنی بر ناپدید شدن مقادیر قابل توجهی از سوخت پس از خروج از جایگاه‌های سوخت منتشر شده است. براساس اطلاعات موجود، روزانه حدود ۲۰ تا ۳۰ میلیون لیتر سوخت به دلایل مختلف از جمله قاچاق، کم‌فروشی و تخلفات دیگر ناپدید می‌شود. این موضوع به چالشی بزرگ برای سیستم توزیع سوخت کشور تبدیل شده است. در فصل بعد در این مورد بیشتر توضیح خواهم داد.

- روش‌های اصلی ناپدید شدن سوخت عبارت‌اند از:

۱- قاچاق سوخت تحت پوشش ترانزیت صوری: قاچاقچیان با جعل اسناد، سوخت یارانه‌ای داخلی را به عنوان سوخت ترانزیتی ثبت کرده و از کشور خارج می‌کنند، بدون اینکه سوخت به مقصد موردنظر برسد. این روش در گزارش‌ها و تحقیقات سال ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ بارها مطرح شده است.

۲- حمل سوخت با قطارهای باری: به دلیل نظارت کمتر بر حمل‌ونقل ریلی، قاچاقچیان سوخت را با قطارهای باری به مناطق مرزی منتقل کرده و در آنجا به فروش می‌رسانند. این روش از اواخر سال ۱۳۹۹ تا به امروز در برخی گزارش‌ها بررسی شده است.

۳- استفاده از مخازن جاساز در تانکرهای صادراتی: قاچاقچیان با تعبیه مخازن مخفی در تانکرهای صادراتی، سوخت را به صورت غیرقانونی از کشور خارج می‌کنند. این روش از بهار ۱۴۰۰ تا تابستان همان سال در چندین گزارش خبری مطرح شد. همچنین، در برخی جایگاه‌های سوخت، تخلفاتی مانند (کم‌فروشی) و (تغییر کیفیت بنزین) مشاهده می‌شود که به کاهش میزان سوخت تحویلی به مصرف‌کننده منجر می‌شود. به‌عنوان مثال، برخی جایگاه‌ها با وارد کردن هوا در بنزین، حجم سوخت تحویلی را کاهش می‌دهند. این پدیده نیز در چندین گزارش سال‌های اخیر به ویژه در نیمه دوم سال ۱۳۹۹ مورد اشاره قرار گرفت. برای مقابله با این

مشکلات، مقامات مسئول به تقویت نظارت و کنترل بر فرآیندهای توزیع سوخت و رسیدگی به تخلفات در جایگاه‌های سوخت اقدام کرده‌اند. با این حال، همچنان نیاز به تدابیر بیشتر و هوشیاری در مواجهه با این پدیده وجود دارد.

- پرونده فساد ۵ هزار میلیارد تومانی در شرکت ملی نفت

اخیراً پرونده‌ای با عنوان فساد ۵ هزار میلیارد تومانی در شرکت ملی نفت مطرح شده است که به واگذاری غیرقانونی پروژه‌ها و تخلفات مالی در این شرکت اشاره دارد. با وجود درخواست‌های مکرر برای رسیدگی به این پرونده، هنوز اقدام ملموسی از سوی مقامات قضائی مشاهده نشده است. عباس پالیزدار به بسیاری از پرونده‌های فساد در ایران اشاره کرده از مواردی همچون فساد در دستگاه‌های دولتی، بخش خصوصی و حتی شرکت‌های وابسته به نهادهای نظامی پرده برداشته است. بیشتر این پرونده‌ها در حال بررسی و پیگیری بوده و هنوز حکم نهایی صادر نشده است. عباس پالیزدار در طول افشاگری‌های خود از فسادهایی که در نهادهای نظامی ایران به وقوع پیوسته، نیز سخن گفته است. در فصل‌های بعد به موضوع قاچاق سوخت نیز می‌پردازیم.



برخی از پرونده‌های فساد که به نهادهای نظامی و وابسته به آن اشاره دارند عبارتند از:

### • پرونده فساد در بنیاد مستضعفان و وابستگان به نهادهای نظامی

بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی یکی از نهادهای بزرگ اقتصادی در ایران است که تحت نظارت مستقیم رهبری قرار دارد. این بنیاد در دهه‌ها فعالیت‌های مختلف اقتصادی انجام داده و به نوعی از بزرگ‌ترین بازیگران اقتصادی کشور به شمار می‌آید. در سال‌های اخیر، برخی گزارش‌ها و تحقیقات از فساد و سوءاستفاده‌های گسترده‌ای در داخل این بنیاد و ارتباطات آن با نهادهای نظامی حکایت داشته‌اند. این فسادها شامل تخلفات مالی، سوء استفاده از اموال بنیاد و ارتباطات سیاسی با نهادهای قدرت بوده است. در این پرونده‌ها، برخی از اتهامات به سوءاستفاده از موقعیت‌های دولتی و منابع بنیاد مستضعفان برای منفعت شخصی اشاره دارند.

- یکی از پرونده‌های مهم در این زمینه به اتهامات محمد سعیدی کیا، رئیس سابق بنیاد مستضعفان، مربوط می‌شود. سعیدی کیا که در دوره‌های مختلف در رأس این نهاد قرار داشت، متهم به فساد مالی و سوء استفاده از منابع بنیاد برای اهداف شخصی و تجاری است. برخی از گزارش‌ها حاکی از این هستند که تحت مدیریت او، بنیاد مستضعفان در پروژه‌های عمرانی و اقتصادی مختلف که از منابع عمومی استفاده می‌کردند، نقش مهمی در ارتکاب تخلفات مالی داشت.

- ارتباطات بنیاد مستضعفان با نهادهای نظامی نیز موضوع مهم دیگری است که در پرونده‌های فساد مطرح شده است. برخی از وابستگان به نهادهای نظامی از جمله سپاه پاسداران، به‌ویژه از طریق شرکت‌های زیرمجموعه بنیاد، در پروژه‌های اقتصادی مشارکت کرده‌اند. این وابستگان به شکل غیررسمی از منابع مالی بنیاد برای راه‌اندازی فعالیت‌های اقتصادی و تجاری خود بهره‌برداری کرده‌اند. در این خصوص، اسماعیل احمدی‌مقدم، فرمانده

سابق سپاه پاسداران، و برخی از اعضای هیئت‌مدیره بنیاد، از جمله حسین مظفری، معاون سابق اقتصادی بنیاد مستضعفان، از جمله متهمان این پرونده‌ها هستند که در پروژه‌های مختلف فساد مالی دست داشتند.

نتیجه پرونده‌های فساد بنیاد مستضعفان و وابستگان به نهادهای نظامی تا کنون به‌طور کامل روشن نشده است. برخی از متهمان به‌ویژه افرادی که در ارتباط با پروژه‌های اقتصادی و تجاری بنیاد نقش داشته‌اند، تحت پیگرد قانونی قرار گرفته‌اند. با این حال، به دلیل ویژگی‌های خاص بنیاد مستضعفان و ارتباطات گسترده آن با نهادهای قدرت، بسیاری از این پرونده‌ها هنوز در مراحل اولیه رسیدگی قرار دارند یا با موانع مختلفی مواجه هستند. این پرونده‌ها همچنین باعث ایجاد سؤالاتی در مورد نظارت بر نهادهای دولتی و شبه‌دولتی در ایران و تأثیرات این فسادها بر اعتماد عمومی و اقتصاد کشور شده‌اند علاوه بر این سوال را مطرح می‌کرد که قدرت نفوذ این نهادها چقدر است؟ و کدام نهاد قدرت نظارت و تحقیق بر این نهادهای موازی با سه قوا را دارد؟

### • پرونده فساد در پروژه‌های نظامی ایران

پرونده‌های نظامی در ایران که تحت نظارت نهادهای مختلف از جمله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اجرا می‌شوند، از جمله بخش‌هایی بوده‌اند که در دهه‌های اخیر با اتهامات گسترده‌ای از فساد مالی، اختلاس، رانت‌خواری و سوءمدیریت روبه‌رو شده‌اند. این فسادها عمدتاً به دلیل نبود شفافیت، عدم نظارت دقیق و نفوذ گسترده مقامات نظامی در اقتصاد کشور شکل گرفته‌اند. پرونده‌های متعددی از فساد در قراردادهای تسلیحاتی، تأمین تجهیزات دفاعی، و پروژه‌های زیرساختی مرتبط با نهادهای نظامی در رسانه‌ها مطرح شده‌اند که برخی از آن‌ها به محاکمه و صدور احکام برای مقامات عالی‌رتبه منجر شده است.

- محمدباقر ذوالقدر، از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران که به سوءاستفاده از بودجه‌های نظامی و رانت‌خواری در پروژه‌های دفاعی متهم شد. گزارش‌هایی از تخصیص میلیاردها تومان بودجه به شرکت‌های وابسته به سپاه، بدون شفافیت مالی و با سوءاستفاده از منابع عمومی، منتشر شده است.

- حسن طهرانی، مقدم مسئول سابق برنامه موشکی سپاه که برخی از قراردادهای مربوط به توسعه سامانه‌های موشکی ایران تحت مدیریت او مورد انتقاد قرار گرفتند. در حالی که وی به عنوان یکی از چهره‌های کلیدی برنامه موشکی شناخته می‌شود، برخی اسناد نشان می‌دهد که در دوران مدیریت او، میلیاردها تومان از بودجه نظامی در پروژه‌های نامعلوم هزینه شده است - احمد وحیدی، وزیر کشور دولت سیزدهم و از فرماندهان سابق نیروی قدس سپاه پاسداران، که در برخی از قراردادهای تسلیحاتی مورد اتهام فساد قرار گرفته است. به‌ویژه در پرونده خریدهای خارجی تجهیزات نظامی، ابهامات گسترده‌ای درباره قیمت‌گذاری و نحوه پرداخت‌ها وجود دارد.

- سعید محمد، فرمانده سابق قرارگاه خاتم‌الانبیا که یکی از بزرگ‌ترین نهادهای اقتصادی وابسته به سپاه است. گزارش‌هایی درباره فساد گسترده در پروژه‌های عمرانی و نظامی تحت مدیریت او منتشر شده که نشان‌دهنده سوءاستفاده از منابع مالی و اجرای قراردادهای رانتی است.

اختلاس در قراردادهای تسلیحاتی در چندین مورد، تجهیزات نظامی با قیمت‌هایی بسیار بالاتر از نرخ واقعی خریداری شده و برخی از این قراردادها به شرکت‌های وابسته به مقامات نظامی اعطا شده است. این فسادها عمدتاً در همکاری‌های نظامی با کشورهای خارجی و خریدهای تسلیحاتی از روسیه و چین مشاهده شده است.

- پروژه‌های زیرساختی و عمرانی مرتبط با سپاه: نهادهایی مانند قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا

که پروژه‌های کلان عمرانی و نظامی را مدیریت می‌کنند، درگیر فساد گسترده در واگذاری پروژه‌ها و هزینه‌کرد بودجه‌های دولتی بوده‌اند.

- قاچاق و پولشویی: گزارش‌هایی از قاچاق تجهیزات نظامی و استفاده از سیستم‌های مالی غیرشفاف برای دور زدن تحریم‌ها و پولشویی مرتبط با درآمدهای نظامی سپاه منتشر شده است. برخلاف پرونده‌های فساد در نهادهای غیرنظامی، بسیاری از تخلفات مالی و فسادهای مرتبط با پروژه‌های نظامی به دلیل نفوذ گسترده سپاه پاسداران و سایر نهادهای مرتبط، به طور رسمی بررسی نشده یا تحت پیگرد قرار نگرفته است. در برخی موارد، گزارش‌هایی از فساد منتشر شده، اما دادگاه‌ها از پیگیری رسمی این پرونده‌ها خودداری کرده‌اند. با این حال، برخی از متهمان کلیدی مانند سعید محمد پس از افشای تخلفات، از سمت‌های کلیدی برکنار شده و در برخی موارد، تغییرات مدیریتی در نهادهای نظامی و اقتصادی مرتبط با این پرونده‌ها صورت گرفته است.

در مجموع، فساد در پروژه‌های نظامی ایران یکی از چالش‌های مهم در ساختار اقتصادی و امنیتی کشور محسوب می‌شود، اما به دلیل عدم شفافیت و نفوذ قدرتمند نهادهای نظامی، بسیاری از این پرونده‌ها همچنان در حاله‌ای از ابهام باقی مانده و پیگیری جدی درباره آن‌ها صورت نگرفته است.

در برخی از مصاحبه‌ها، پالیزدار به فساد در پروژه‌های نظامی و دفاعی اشاره کرده است. این فساد شامل قراردادهای خرید تجهیزات نظامی، فساد در واردات و صادرات تجهیزات دفاعی، و تخلفات مالی در پروژه‌های حساس دفاعی بوده است.



### • پرونده فساد در شرکت‌های وابسته به ارتش

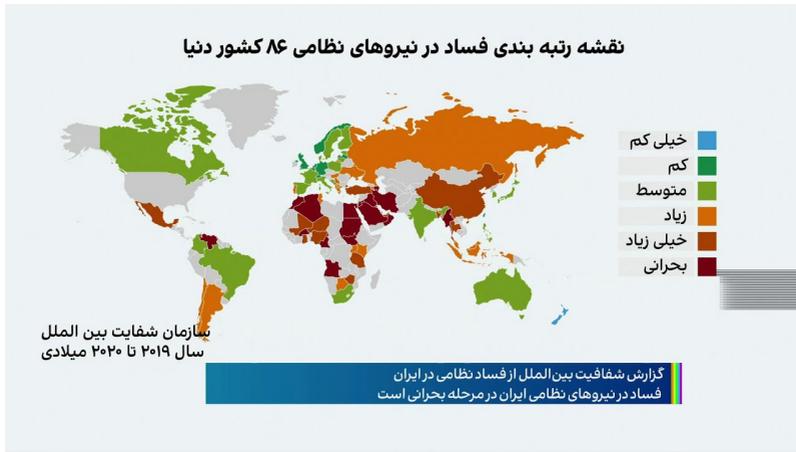
شرکت‌های وابسته به ارتش جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه در حوزه‌های صنعتی، دفاعی و عمرانی، از جمله نهادهایی هستند که در سال‌های اخیر با اتهامات متعددی از فساد مالی، رانت‌خواری، و سوءمدیریت روبه‌رو شده‌اند.

برخلاف تخلفات مالی در سپاه پاسداران که به دلیل نفوذ گسترده این نهاد در اقتصاد کشور بارها مطرح شده، فساد در شرکت‌های وابسته به ارتش کمتر رسانه‌ای شده است.

با این حال، برخی گزارش‌ها و افشاگری‌ها نشان داده که سوءاستفاده‌های مالی در پروژه‌های کلان اقتصادی و نظامی تحت مدیریت ارتش نیز رخ داده است.

- فرشاد طهران، از مدیران ارشد یکی از شرکت‌های اقتصادی ارتش که به دلیل سوءاستفاده از منابع مالی و انعقاد قراردادهای غیرشفاف با شرکت‌های خصوصی، مورد تحقیق قرار گرفت.

- علیرضا گلستانی، از مسئولان اسبق یکی از مؤسسات اقتصادی وابسته به ارتش که به دست داشتن در اختلاس کلان از بودجه‌های نظامی متهم شد.
- محمدرضا عادل، از مدیران پیشین یکی از کارخانه‌های مرتبط با صنایع نظامی که اتهاماتی مبنی بر دریافت رشوه در قراردادهای تأمین قطعات نظامی داشت.
- اختلاس و رانت در قراردادهای نظامی: برخی گزارش‌ها نشان داده‌اند که تجهیزات و قطعات نظامی با قیمت‌های بالاتر از نرخ واقعی خریداری شده و برخی قراردادهای بدون مناقصه و با رانت به شرکت‌های خاص واگذار شده است.
- فساد در پروژه‌های عمرانی: برخی از شرکت‌های وابسته به ارتش در پروژه‌های زیرساختی و ساختمانی حضور داشته‌اند که در آن‌ها گزارش‌هایی از دریافت رشوه و تخلفات مالی مطرح شده است.
- واگذاری غیرشفاف زمین و املاک: یکی از موارد مهم فساد در شرکت‌های اقتصادی ارتش، واگذاری زمین‌های متعلق به نهادهای نظامی به افراد خاص و فروش این اراضی با قیمت‌های بسیار پایین بوده است.
- برخلاف برخی پرونده‌های فساد که به‌طور علنی بررسی شده‌اند، بسیاری از پرونده‌های مرتبط با شرکت‌های اقتصادی وابسته به ارتش به دلیل حساسیت‌های نظامی و امنیتی رسانه‌ای نشده و در سکوت خبری قرار گرفته‌اند.
- برخی از متهمان این پرونده‌ها از سمت‌های خود برکنار شده‌اند، اما پیگیری قضایی رسمی در سطح گسترده برای این تخلفات صورت نگرفته است.



## • پرونده فساد در واگذاری اموال نظامی در ایران

واگذاری دارایی‌های نظامی، از جمله زمین‌ها، املاک و تجهیزات متعلق به ارتش و سپاه پاسداران، همواره یکی از چالش‌برانگیزترین مسائل اقتصادی و امنیتی ایران بوده است. در سال‌های اخیر، گزارش‌های متعددی از تخلفات گسترده در این حوزه منتشر شده که نشان می‌دهد برخی از این اموال به شکل غیرقانونی، بدون رعایت تشریفات قانونی و با قیمت‌های نازل به افراد و نهادهای خاص واگذار شده است. این واگذاری‌ها که اغلب تحت پوشش خصوصی‌سازی یا تغییر کاربری انجام شده‌اند، منجر به سودهای کلان برای برخی افراد و نهادهای بانفوذ شده است.

– محمدباقر ذوالقدر – از فرماندهان ارشد سابق سپاه پاسداران که در برخی از واگذاری‌های بحث‌برانگیز زمین‌های نظامی، از جمله اراضی با موقعیت استراتژیک، نام او مطرح شده است.

– احمد وحیدی – وزیر کشور و از مقامات سابق نیروی قدس که به دخالت در تخصیص اموال نظامی به برخی نهادهای خاص متهم شده است.

- سعید محمد - فرمانده پیشین قرارگاه خاتم‌الانبیا که برخی از پروژه‌های بزرگ مربوط به تغییر کاربری زمین‌های نظامی در دوران مدیریت او انجام شده است.

- فروش اراضی نظامی با قیمت‌های غیرواقعی: برخی از زمین‌های تحت تملک ارتش و سپاه به بهای بسیار کمتر از ارزش واقعی خود به شرکت‌های خصوصی وابسته به نهادهای نظامی واگذار شده‌اند.

- تغییر کاربری غیرقانونی پایگاه‌های نظامی: برخی املاک که پیش‌تر برای مقاصد نظامی استفاده می‌شدند، بدون طی شدن روند قانونی، به مناطق مسکونی، تجاری یا صنعتی تبدیل شده و به فروش رسیده‌اند.

- رانت‌خواری در قراردادهای فروش و واگذاری: اموال نظامی بدون برگزاری مزایده‌های عمومی، به اشخاص خاص واگذار شده و در برخی موارد، تخفیف‌های کلان یا تسهیلات ویژه برای خریداران در نظر گرفته شده است.

با وجود مطرح شدن اتهامات متعدد در این زمینه، بسیاری از پرونده‌های مرتبط با این واگذاری‌ها همچنان در حاله‌ای از ابهام قرار دارند و پیگیری قضایی شفاف‌تری درباره آن‌ها انجام نشده است. برخی از مسئولان و مقامات مرتبط با این تخلفات تغییر سمت داده یا بازنشسته شده‌اند، اما برخورد قاطعی با متخلفان صورت نگرفته است.

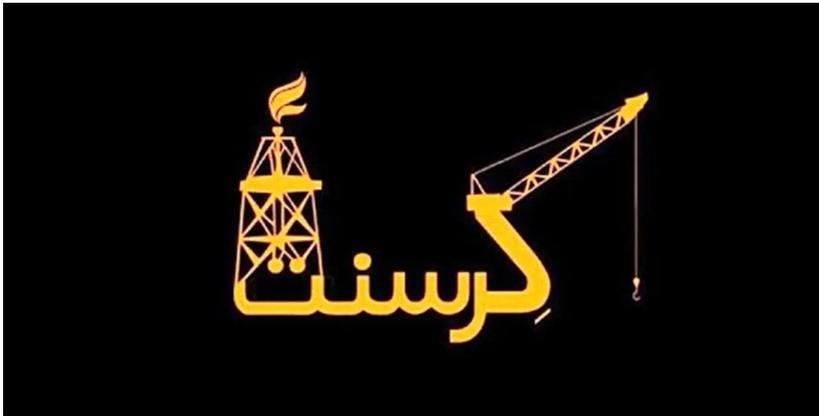
# فسادهای دیگر

بخش چهارم

پس از بررسی افشاگری‌های عباس پالیزدار درباره مفاسد اقتصادی گسترده در حوزه‌های مختلف، از بانک‌ها و مناطق آزاد گرفته تا پروژه‌های عمرانی و نهادهای نظامی و بررسی اجمالی آن پرونده‌ها، حالا به یکی از جنجالی‌ترین پرونده‌های فساد اقتصادی ایران می‌پردازیم: قرارداد گازی کرسنت.

این قرارداد که میان شرکت ملی نفت ایران و شرکت اماراتی «کرسنت پترولیوم» در اوایل دهه ۸۰ منعقد شد، به یکی از بحث‌برانگیزترین پرونده‌های اقتصادی کشور تبدیل شد. اتهامات مطرح‌شده درباره این قرارداد شامل فساد، تبانی و ضرر چندین میلیارد دلاری برای ایران بود که سال‌ها مورد مناقشه مقامات داخلی و نهادهای بین‌المللی قرار گرفت.

در ادامه، این پرونده را با نگاهی به جزئیات قرارداد، افراد دخیل در آن و پیامدهای حقوقی و اقتصادی‌اش بررسی خواهیم کرد. آیا کرسنت، یک خیانت اقتصادی بود یا قربانی جنگ‌های سیاسی داخلی؟



## فصل اول: قرارداد کرسنت

بررسی قراردادهای نفتی و قراردادهای بین‌المللی که اغلب آنها به صورت محرمانه هست و اطلاعات واضح و کاملی از آنها منتشر نمی‌شود مشکل است به دلیل اینکه از کلیه مفاد قرارداد اطلاعات کافی در دسترس عموم نیست به همین دلیل می‌توان منصفانه نظر داد که این قرارداد، قرارداد خوبیست یا خیر حتی اگر کلیه مفاد قرارداد را بدانیم فقط یک ماده را ندانیم ممکن است همان ماده اثر مهمی در کل قرارداد داشته باشد.

بنابراین شواهدی که من ازش یاد می‌کنم یا گفته مسئولان و طرفین قرارداد یا خبرهای مندرج در رسانه‌ها است و به معنای این نیست که کل قرارداد و پرونده را تحلیل کردم.

قرارداد کرسنت یک قرارداد گازی است که در سال ۲۰۰۱ میان شرکت کرسنت پترولیوم امارات و شرکت ملی نفت ایران (NIOC) منعقد شد. این قرارداد شامل صادرات گاز ترش از میدان سلمان در خلیج فارس به امارات متحده عربی بود و مدت آن ۲۵ سال تعیین شده بود. به گفته آقای زنگنه قرارداد کرسنت تنها قرارداد بین‌المللی ایران بود که قانون حاکم بر آن قرارداد، قانون ایران باشد.

طبق این قرارداد (کرسنت پترولیوم) قرار بود روزانه ۵۰۰ میلیون فوت مکعب گاز ترش از میدان نفتی سلمان به شرکت کرسنت انتقال پیدا کند مذاکرات اولیه این قرارداد از زمان رفسنجانی شروع و در نهایت در سال ۱۳۸۱ به امضای تفاهم‌نامه رسید، قرار بود با احداث خط

لوله در خلیج فارس گاز ترش میدان سلمان که یک مخزن مشترک با ابوظبی است به امارات متحده عربی صادر بشود مدت این قرارداد ۲۵ سال بود و از سال ۲۰۰۵ بنا بود شروع بشود. در ابتدا از ۵۰۰ میلیون مکعب شروع و به ۸۰۰ میلیون فوت مکعب می‌رسید طبق گفته‌های آقای بیژن زنگنه این تنها قرارداد نفتی و گازی ایران بوده که با روح قوانین داخلی ما نوشته شده بود این بدین معنی است که اگر در اجرای این قرارداد مشکلی به وجود بیاید باید به دادگاه‌های ایران مراجعه شود نه به دادگاه‌های بین‌المللی یا کشور دیگری، در قراردادهای بین‌المللی تعیین داوری یکی از مفاد مهم در قرارداد به حساب می‌آید که دو طرف بر روی آن باید توافق کنند و مرجع رسیدگی در صورت به وجود آمدن مشکل را مشخص نمایند. مثلاً می‌توان در قراردادی شورای حل اختلاف را مرجع قرار داد یا اتاق اصناف را یا حتی یک شخص مشخص را. وقتی در یک قرارداد بین‌المللی مرجع رسیدگی را در کشور خودمان قرار می‌دهیم این بدین معنی که به پشتوانه قوانین و دادگاه خودمان راحت‌تر می‌توانیم اعمال نفوذ کنیم.

صحبت‌های آقای زنگنه در مورد اینکه طبق قانون چه راه‌های برای فسخ این قرارداد وجود داشته:

آقای زنگنه در مصاحبه‌ای گفتند طبق قانون ایران، ما می‌توانستیم از خیار تدلیس از دادگاه‌های ایران تقاضای بطلان قرارداد کنیم نه ابطال قرارداد بطلان به این معنی است که از اول قراردادی وجود نداشته است.

تعریف: بطلان به معنای (بی‌اعتبار بودن از ابتدا) است. به عبارتی، قراردادی که باطل باشد، از ابتدا به‌گونه‌ای تنظیم شده که هرگز اعتبار قانونی نداشته است. دلایل بطلان: مغایرت با قوانین آمره یا نظم عمومی بین‌المللی فقدان شرایط اساسی قرارداد (مثل اهلیت طرفین، موضوع مشروع، رضایت آزادانه و...) پیامدها: گویی قراردادی هرگز وجود نداشته است. هیچ‌گونه تعهدی برای طرفین ایجاد نمی‌کند.

تعریف: ابطال به معنای (بی‌اعتبار کردن قرارداد پس از انعقاد) است. یعنی قراردادی که در ابتدا معتبر بوده، اما به دلیل شرایط خاصی بعداً بی‌اعتبار می‌شود. دلایل ابطال: وجود اشتباه، فریب، اکراه یا سوء استفاده در زمان انعقاد قرارداد نقض شرایط قرارداد توسط یکی از طرفین تغییر شرایط به گونه‌ای که اجرای قرارداد غیرممکن یا ناعادلانه شود.

پیامدها: قرارداد تا زمان ابطال معتبر است و اثر حقوقی دارد. بعد از ابطال، قرارداد دیگر اجرایی نیست، اما ممکن است تعهدات یا خسارت‌هایی که تا آن زمان ایجاد شده‌اند، پابرجا بمانند. بطلان: قرارداد از ابتدا بی‌اعتبار است. ابطال: قرارداد در ابتدا معتبر بوده ولی بعداً به دلیل شرایط خاصی بی‌اعتبار می‌شود.

به دلیل خیار خیار عُبن یکی از خيارات (حقوق فسخ قرارداد) در فقه اسلامی و حقوق ایران است که به طرفی که در معامله فریب خورده و ضرر کرده اجازه می‌دهد معامله را فسخ کند. اگر طرف‌های ایرانی با اشاره به این خیار بطلان قرارداد را اعلام می‌کردند طرف مقابل نمی‌توانست به داوری مراجعه کند، آقای زنگنه گفت حتی می‌توانستند بگویند مصوبه آمده و تصویب شده یا قانونی آمده یا دستور آمده که فروش گاز ترش را ممنوع اعلام می‌کند که اگر اینطور می‌شد باید قرارداد را دوباره مورد بررسی قرار می‌دادند آقای زنگنه گفتند در دادگاه به من تفهیم شد که باید از مجلس کسب اجازه می‌کردید و مجوز مجلس را می‌گرفتید ایشان در دفاع از خود گفتند قبل از این قرارداد من قراردادی مشابه با ترکیه بستم و اجازه نگرفتم از مجلس داشتیم و من در آنجا مسئول بودم و این کار هم بدون کسب اجازه از مجلس صورت گرفت و مشکلی نیست پیش نیامد همچنین قراردادهایی با پاکستان وجود داشته که به مجلس ارائه نشده چرا فقط در این یک مورد خاص باید قرارداد به مجلس ارجاع داده می‌شد و کسب تکلیف می‌شد.

حتی اگر چنین موضوعی صحت داشت قرارداد، قرارداد فضولی حساب می‌شد. قرارداد فضولی (معامله فضولی) قراردادی است که توسط شخصی منعقد می‌شود که مالک مال یا

نماینده قانونی مالک (مانند وکیل، ولی یا قیم) نیست و بدون اجازه و رضایت مالک این کار را انجام می‌دهد. و با توجه به این نوع قرارداد باید شکایت انجام می‌شد و قرارداد ابطال می‌شد در طرف مقابل هم پرونده را به داوری بین‌المللی ارجاع داد و در آنجا گفته شد خیار تدلیس آنی است ( خیار تدلیس مانند بسیاری از اختیارات دیگر فوری است. به این معنا که به محض اطلاع از فریب، باید برای فسخ قرارداد اقدام شود و تأخیر غیرموجه موجب سقوط حق فسخ خواهد شد) در صورتی که ۶ سال از آن ماجرا می‌گذشت. به نظر ایشان افراد ذینفع مخالف این قرارداد دادگاه را تحت فشار قرار دادند تا حکم را آنگونه که آنها صلاح می‌دانند و می‌خواستند صادر کنند تا به دیوان داوری داده شود ایشان گفتن به عده‌ای گفتند شما بیاید و اعتراف کنید که فساد کردید بعد که دادگاه تمام شد و رای داد پرونده اعاده حیثیت باز می‌کنیم و ایشان ادعا دارند که سند تمامی گفته‌ها موجود می‌باشد.

چیزی که مشخصه اینه که تیم آقای جلیلی و آقای زاکانی که در مورد این قرارداد زیاد صحبت کردند، آنها می‌گفتند ما داریم گاز را با قیمت خیلی پایین به اماراتی‌ها می‌فروشیم و داریم ثمن بخش انجام می‌دهیم و این به معنای فروختن به قیمت پایین‌تر از قیمت واقعی است و استناد آنها به سند فروش گاز به ترکیه است قیمت این قرارداد را با آن قرارداد مقایسه می‌کند و معتقدند در اینجا یک فساد وجود دارد که آقای مهدی هاشمی در این پرونده ۵ میلیون دلار رشوه گرفته است آنها اینطور نشان می‌دادند که ایران رفته است و قراردادی منعقد کرده که گازش را به قیمت ناچیز به امارات می‌دهد گازی که چند برابر قیمت خواهان داره با قیمت مناسب‌تری به ترکیه فروخته‌ایم و دوستان که طرفدار این قرارداد هستند منفعت شخصی در این قرارداد دارند.

اما چیزی که باید به آن توجه کرد این است که در قرارداد کرسنت فروش گاز ترش مد نظر است و این نوع گاز با گاز شیرین یا گاز پالایش شده تفاوت دارد گاز ترش گازی که به شدت

سمیه برای محیط زیست خطرناک و است، سمی بودن این گاز در این حد است که خط لوله‌ای که آن را انتقال می‌دهد چار خوردگی می‌شود و این خودش هزینه انتقال را افزایش می‌دهد بنابراین نمی‌توان گفت به طور کلی قرارداد گازی در همه نوع آن قیمت مشابهی دارد کیفیت اون گاز چقدر است از گاز ترش اولیه تا گاز پالایش شده کامل چقدر مواد آسیب‌زای آن حذف شده و چقدر پالایش شده حتی باید به این توجه کرد که این گاز باید کجا تحویل داده شود چطور تحویل داده شود خط لوله‌ای که قرار است گاز را انتقال دهد در خشکی است یا دریا حتی باید به این توجه کرد که این گاز قرار است در کجا پالایش شود در کشور مبدا یا یا مقصد یا حتی کشور سوم حتی ممکن است به صورت خام فروخته شود به نسبت به این موارد قیمت گاز نیز متفاوت خواهد بود آقای زنگنه در مصاحبه‌ای اشاره داشتند به قیمت گاز، قیمت گاز جهانی نیست و یک قیمت منطقه‌ای است مثلاً گاز را نمی‌شود به راحتی با کشتی به جای دیگر منتقل کرد هرچند که کشوری مثل قطر این کار را انجام می‌دهد در حالت نرمال انتقال گاز با خطوط لوله انجام می‌شود.

بنابراین ممکن است قیمت گاز در چین یک قیمت باشد در خاورمیانه یک قیمت در آفریقا به قیمت دیگر نکته دیگه این است که قیمت را بازار مشخص می‌کند نه طرفین برای مشخص شدن این موضوع در نظر بگیرید شما کالایی را دارید و قیمت آن کالا را مثلاً یک میلیون می‌گذارید اما در بازار کالاهای مشابه دیگری هم هست که قیمت آن به نسبت به قیمت پیشنهادی شما پایین‌تر است حال شما می‌توانید قیمت کالای خود را به نسبت کالاهای موجود در بازار نیاز بازار به آن جنس تغییر دهید یا اینکه قیمت را همانگونه بگذارید قیمت در بازار آزاد دستوری نیست و شما نمی‌توانید محصول خود را حتماً با قیمتی که خودتان می‌گویید بفروشید یا به قیمتی که به شما پیشنهاد می‌دهند البته گاهی پیش می‌آید که شما تنها فروشنده بازار هستید در آن حالت شما تعیین کننده قیمت می‌شوید و کالا انحصاراً در اختیار شماست اما زمانی که

شما تنها فروشنده نیستید و افراد دیگه همان کالا را دارند یا حتی بهتر از کالای شما ما نمی‌توانید کالا را قیمت کالا را به صورت دستوری مشخص کنید. تیم آقای جلیلی و زاکانی ادعا می‌کنم که ما گاز خودمان را در قرارداد کرسنت کف قیمت ۱۷ دلار و سقف آن ۴۰ دلار می‌فروشیم اما در قرارداد ترکیه ۱۵۰ دلار می‌فروشیم حتی اشاره به قیمت قرارداد قطر می‌کنند که ۵۰۶ سنت است و ادعا می‌کنند که حق ملت پایمال می‌شود و کلاه سر ملت می‌رود در صورتی که آقای جلیلی و زاکانی به نوع گاز هیچ اشاره‌ای نمی‌کنند.

گازی که در قرارداد کرسنت به امارات می‌خواستیم بدهیم گاز ترش تسویه نشده بود.

پالایش نشده فرآوری نشده بود

مورد دیگری که بهش توجه نمی‌کنند این دو شخص اینه که مسیر انتقال گاز به امارات نسبت به مسیر انتقال گاز به ترکیه متفاوت است مسیر رو به امارات و کوتاه‌تر است به هر حال هزینه انتقال گاز هم در قیمت نهایی آن حساب می‌شود و قیمت گازی که به ترکیه گفته شد با حساب پالایش و اون مسیر انتقال گاز و نگهداری حساب می‌شود بنابراین باید قیمت گاز با توجه به مسیر نوع پالایشی که انجام شده مقدار پالایشی که انجام شده و نوع نگهداری که لازم است برای انتقال حساب کرد برای مثال هزینه انتقال دریایی گاز دو و نیم برابر هزینه انتقال از طریق خشک است آقای بیژن زنگنه دعا می‌کنه اگر همین گاز که به امارات داده‌ایم اگر به سمت ترکیه می‌رفت قیمت گاز ۶۸ سنت می‌شد حدود ۳۷ سنت هزینه انتقال روی آن می‌آمد به اضافه ۸۱ سنت هزینه پالایش ۱۱۵ سنت هزینه انتقال بعد از پالایش که جمعاً می‌شود ۳۰۳ سنت میشود.

بعد از اتفاقی که برای قرارداد کرسنت افتاد قطری‌ها جایگزین ایران شدند و گاز خود را به قیمت خیلی پایین‌تر نسبت به قیمت ایران به امارات می‌فروشد یک شرکت اماراتی واسطه از شرکت قطری گاز را ۸۷ سنت از خروجی پالایشگاه قطر می‌خرد و بیشتر از ۵۰۰ کیلومتر گاز را انتقال می‌دهد و به قیمت ۱۳۰ سنت به امارات می‌فروشد.

قراردادی که ما با اماراتی‌ها بسته بودیم قابل بازنگری بود بر اساس قیمت نفت و اگر قیمت نفت بالاتر می‌رفت قیمت گاز هم به تبع آن می‌توانست بالاتر رود. طبق ادعای آقای بیژن زنگنه قیمتی که ما با اماراتی‌ها توافق کرده بودیم سه برابر قیمت توافق شده قرارداد قطر با اماراتی‌ها بود و در واقع قیمت بسیار خوبی بوده است.

حال سوال این است که چرا عده‌ای آمدند و جلوی این قرارداد را گرفتند؟ در واقع می‌توان گفت، بنظر می‌رسد سرویس‌های خارجی در توقف این قرارداد نقش داشته‌اند طبق اطلاعاتی که آقای زنگنه می‌دهد فقط سه شرکت گازی هستند که به امارات و به شیخ نشین‌هایش گاز می‌دهند باید به این نکته توجه کنیم که هر قسمت امارات حاکم خودش را دارد و مجموع این حکومت‌های کوچک امارات متحد را تشکیل می‌دهد و یک کشور با حکومت واحد مثل ایران نیست اما در هر صورت امارات مثل خیلی از کشورهای عربی دیگر به گاز وابسته است برای آنها گاز مصرف بیشتر و معنای کلیدی‌تری دارد نسبت به ما ایرانی‌ها مثلاً ما ایرانی‌ها اوج مصرف گازمان در زمستان است اما اوج مصرف گاز در امارات تابستان است در واقع اماراتی‌ها برای تصفیه آب و تولید برق به گاز وابستند این علاوه بر کاربرد نرمال گاز به عنوان سوخت و تولید انرژی است بنابراین گاز مسئله کلیدی است در امارات.

سه شرکت مهم در امارات کار توزیع و تامین گاز را به عهده دارند که مهمترین آن المبادله است اگر بخواهند یارانه‌ای به گاز تخصیص دهند این یارانه را به این شرکت می‌دهند و این شرکت است که به شیخ نشین‌ها این یارانه را انتقال می‌دهد در واقع یکی از مواردی که این شیخ نشین‌ها را به هم متصل می‌کند گاز است.

قدرت انتقال گاز به عنوان اهرم فشار را می‌توان در جنگ روسیه و اوکراین دید روزها به خوبی قدرت گاز خود را می‌دانستند بر روی آن خیلی حساب کرده بودند که اگر جنگی صورت بگیرد و ناتو در اوکراین قرار بگیرد آنها می‌توانند با قطع شریان گاز به اتحادیه اروپا فشار

مضعف وارد کند البته می‌توان گفت در مورد روسیه بین سیاست تا حدودی درست عمل کرد اما نه کاملاً می‌توان گفت به صورت نصیبی تاثیراتی گذاشت که البته دلایل مختلفی دارد که از حوزه سخنان ما خارج است.

آقای بیژن زنگنه در یک جمله جالب اشاره کردند اعتیاد به گاز از اعتیاد به هروئین هم بالاتر است منظور ایشان این بود که کشوری که با شما مبادلات گازی دارد به شما وابسته خواهد بود و این وابستگی امتیاز به حساب می‌آید و این وابستگی را نمی‌توان به راحتی جایگزین کرد و نمی‌توان به راحتی شما را کنار بگذارد در واقع اگر این قرارداد به طور کامل اجرا می‌شد و اماراتی‌ها وابسته گاز ایران می‌شدند در خیلی از مسائل مجبور بودند با ما کنار بیایند مثلاً در بحث تحریم‌ها تهدیدات خارجی از سمت کشورهای اروپایی سیاست‌های منطقه‌ای می‌توانست برای ایران اهرم فشار قوی باشد و آنها را متقاعد به همکاری به نفع ایران کند.

این قرارداد برای کسانی که از تحریم‌ها منفعت اقتصادی می‌بردند یا دور زدن تحریم‌ها برایشان مضر بود قرارداد تهدید کننده‌ای به حساب می‌آمد هم برای شرکت به افراد خارجی هم افراد و شرکت‌های داخلی که از تحریم‌ها سود می‌بردند از طرفی به نظر می‌رسد روس‌ها تمایل ندارند شرایطی به وجود آید که ایرانی‌ها بتوانند راحت‌تر مشکل تحریم‌ها را حل یا دور بزنند یا به سمت جامعی آزادتر پیش رود یا حتی ارتباط جهانی بهتری داشته باشد برای همین تلاش می‌کند که شریان‌های ارتباطی را کمتر و کمتر کنند و ایران را محدود نگه دارند و همچنین وابسته به خود نگه دارند به هر حال قراردادهای این چینی‌ها می‌تواند ترکیبات قدرت منطقه‌ای را تغییر دهد تواند ترکیب جنگ‌ها را عوض کند می‌تواند ترکیب متحدها را عوض کند به همین علت‌ها از است که قراردادهای این چینی اهمیت بسیار زیادی دارند به نظر من در این مواقع است که می‌توان تشخیص داد چه افرادی چه منافعی را دنبال می‌کنند و در چه سمت تاریخ قرار می‌گیرند کسانی که منافع ملی را ارجح می‌دانند یا عناصری که خودفروخته هستند و منافع

شخصی را به منافع ملی ترجیح داده و به نفع کشورهای دیگر تلاش می‌کنند.

به هر حال با تلاش‌های تیم سعید جلیلی و سنگ پرانی بعضی افراد دیگر این قرارداد مسکوت گذاشته شد حتی قرارداد را بطلان یا فسخ نکردند و حتی جواب طرف اماراتی را ندادند و رهایش کردند و در واقع می‌توان گفت دو بار به وسیله یک قرارداد ضربه خوردیم یک بار ما را از منافع خودمان محروممان کردند و از طرف دیگر در دادگاه‌های بین‌المللی ما جریمه شدیم آقای زنگنه در یکی از صحبت‌های خود گفتند آقای جلیلیان نزد آقای احمدی نژاد در دوره ریاست جمهوری‌شان رفتند و به ایشان گفتند که این قرارداد ضررش بیشتر از سودش است و رقمی که برای کنسل کردن و به هم زدن این قرارداد می‌گویند اما این واقعیت نداره رقم به میلیارد هم نمی‌رسد و ضرر ما ناچیز خواهد بود و سود زیادی این قرارداد نخواهیم برد آقای احمدی نژاد جواب داد از ابتدا عده‌ای مخالف این قرارداد بودند بروید و به توافق برسید اما به هر حال عده‌ای نخواستند و نگذاشتند این توافق ایجاد شود، در جای دیگر اشاره به قدرت این گروه مخالف و آقای جلیلیان کردند و گفتند حتی دادگاه و خود شخص رئیس جمهور توانایی مبارزه با این گروه و این اشخاص را نداشتند ایشان هم توانستند هم نظر دادگاه را تغییر دهند و هم بر خلاف نظر رئیس جمهور وقت عمل کنند همچنین گفتند این قرارداد به نفع ایران بود و یکی از کشورهای مخالف ابوظبی بود به این دلیل که انحصار تامین گاز امارات را از دست می‌داد اسرائیل نیز مخالف بود به این دلیل که نمی‌خواست رابطه استراتژیک بین ایران و امارات بوجود بیاید آمریکا نیز مخالف بوده قطر نیز به عنوان یک رقیب گازی مخالف این قرارداد بود طبق نظر آقای زنگنه آنها آمدند و در ایران هزینه کردند و افراد فاسدی را پیدا کردند که جلوی این قرارداد را بگیرند آقای زنگنه اشاره کردند، مخالفین می‌گویند در این قرارداد فساد وجود داشته آقای زنگنه گفتند اگر فساد وجود داشته جلوی آن را بگیرند نه قرارداد را منحل می‌کنند به هر حال سرنوشت اون گاز که یک میدان مشترک نفتی و گازی بود وقتی ما آن را مصرف

نمی‌کنیم طرف مقابل گاز را مصرف می‌کند بدون اینکه کوچک‌ترین نفعی یا آورده‌ای برای ما داشته باشد در واقع میدان مشترک قانونی برای حداقل یا حداکثر مصرف ندارد حتی اگر داشته باشد رعایت نمی‌شود و هر طرف به مقدار کنولوژی و سرمایه‌گذاری و توانایی استخراج از آن استفاده سودآوری می‌کند ۷۰ درصد این میدان متعلق به ایران و ۳۰ درصد متعلق به طرف مقابل است اما این ۷۰ و ۳۰ درصد مربوط به منابع نیست قسمت‌هایی از که می‌توانند دکل‌های خود را نصب کنند عملاً اینطور به نظر می‌رسد که جایی که ۰ درصد را در اختیار دارد می‌تواند دکل‌های بیشتری نصب کند و با سرعت بیشتری نفت و گاز استخراج و استفاده کند و جای کسی ۳۰ درصد را در اختیار دارد تعداد دکل‌های کمتری می‌تواند نصب کند به هر حال حتی اگر این تقسیم بندی ۹۹ به یک هم بود اگر آن طرف معامله که ۹۹ درصد را در اختیار دارد از مخازن خود استفاده نکند و عملاً گاز و نفتی استخراج نکند آن سمتی که حتی یک درصد را در اختیار دارد می‌تواند گاز و نفت خیلی بیشتری استخراج کند می‌تواند کل منابع را بگیرد و طرف مقابل نمی‌تواند اعتراضی کند و دقیقاً در میدان نفتی سلمان همین اتفاق می‌افتد و ایران آن زمان تصمیم گرفت یا به عبارتی مجبور شد از آن میدان گازی استفاده نکند و طرف مقابل شروع به استفاده کرد و نفت و گاز را فروخت و یک ریال هم عاید ایران نشد به اضافه اینکه ما مجبور به پرداخت جریمه‌های آن قرارداد نیز شدیم فقط به این دلیل که عده‌ای گفتند از ما دارید با قیمت پایینتری می‌فروشید و می‌توان گفت در ۲۰ سال بعد از آن نیز مشتری دیگری برای خرید این گاز نیامد که مخالفین بگویند ما آن گاز را با قیمت بالاتر از قیمت توافقی شما به مشتری دیگری فروختیم و این خود نشان دهنده این است که ادعای آقای جلیلی و تیمشان ادعای درستی نبوده نکته دیگر این پرونده در اینجا بود که بعد از تمام شدن این داستان در دادگاه لاهه و غیره ترکیه نیز اعتراض کرد که چرا گاز را با قیمت بالاتری به ما می‌فروشید و جالب اینکه ایران نیز قبول کرد که گاز را به آنها گرانتر فروخته و مابه‌التفاوت این قیمت را

گاز رایگان به ترکیه دادن تا آن حساب صاف شود شاید روزی ماجرای قرارداد گازی ترکیه نیز شفاف سازی شود چرا که قتی دو کشور با هم قرارداد می‌بندند به اختیار هر دو کشور و با توافق بوده و سر قیمت به توافق رسیده بودند و مسئولین ترک نمی‌توانستند اعتراض کنند چرا ایران گازش را به کشور دیگری با قیمت پایین‌تری فروخته است مثل این می‌ماند که شما جنسی را به کسی می‌فروشید به کس دیگر هدیه می‌دهید خریدار اول نمی‌تواند اعتراض کند چرا جنس را به من فروخته‌ای و هدیه نکرده‌اید به نظر می‌رسد که اعتراض ترکیه منطقی نیست که بر سر قیمت بوده باشد بعضی کارشناسان ادعا کردند ممکن است اعتراض ترکیه به کیفیت گاز بوده باشد اما در رسانه‌ها جور دیگر بیان شده؛ به هر حال این پرونده نیز جای سوالات زیادی دارد آقای ابوالفضل حسن بیگی عضو کمیسیون انجمن امنیت ملی و سیاست خارجه مجلس در گفتگو با ایسنا گفته است فردی در پشت پرده موضوع کرسنت را هست که ۵ میلیون دلار به حساب فردی دیگر واریز می‌کند و با این کار باعث می‌شود بین احزاب داخلی جنگ و مجادله پیش آید و در نهایت قرارداد کرسنت فسخ شود ایشان معتقدند عده‌ای نفوذی در کشور ما به منافع ملی مردم ضربه وارد کردند.

## قرارداد کرسنت بخش دوم

با توسعه کشور ترکیه رشد مصرف گاز آنها از نیم میلیارد متر مکعب به سه و نیم میلیارد متر مکعب رسید در سال ۲۰۰۷ برای همین ترک‌ها مجبور می‌شوند با کشوری که گاز دارد وارد مذاکره شوند تا بتواند کسری خود را برطرف کند یکی از این کشورهایی که موفق می‌شوند قرارداد با آن ببندند ایران است قرارداد گاز ایران و ترکیه در سال ۱۹۹۶ منعقد می‌شود طبق این قرارداد ایران باید ظرف ۲۳ سال سالانه تا بر ۱۰ میلیارد متر مکعب به این کشور گاز صادر کند که عمده مصرف آن مصرف خانگی و شرق آناتولی در نظر گرفته شده این قرارداد

از قراردادهایی بود که چالش‌های زیادی داشت اولین مخالفت با این قرارداد از سمت آمریکا صورت می‌گیرد و ترکیه و ایران برای اینکه درگیر تحریم‌های آی‌اِس‌اِس آمریکا نشوند یک ایده جالب طرح می‌کنند هم طرف ترک هم طرف ایرانی باید خط لوله خودشان را تا لب مرز ببرند در واقع هر کس قسمت خودش را تکمیل می‌کرد تا لب مرز، ترک‌ها ادعا می‌کند گازی که از ایران می‌خرند در واقع گاز ایران نیست و از ترکمنستان دارند گاز می‌خرند و ایران فقط به سوپاپ گازی انجام می‌دهد و فقط گاز ترکمنستان را به ترکیه منتقل می‌کند پس شامل تحریم‌های آمریکا نمی‌شود اما تاریخ قراردادی که ایران با ترکیه بسته و تاریخ قراردادی که ترکمنستان و ایران با هم بستند فاصله زمانی زیادی دارد و قطعاً این نشان می‌دهد که این دو قرارداد هیچ ربطی به هم ندارند بعد از یک سال از آغاز صادرات گاز به ترکیه در سال ۲۰۰۲ به دلیل نداشتن کیفیت مناسب ترکیه اردات گاز از ایران را قطع می‌کند بعد از آن ایران دوباره با ترکیه مذاکره می‌کند و قبول می‌کند که طرف ایرانی ۹ درصد قیمت خود را پایین بیاورد و دوباره صادرات گاز از سر گرفته می‌شود علاوه بر کاهش قیمت ترک‌ها شرط *take or pay* را کاهش دادم این شرط کشور خریدار را ملزم می‌کرد که باید تا مقدار مشخصی گاز حتماً خریداری کند برای مثال اگر ایران ۱۰ میلیارد متر مکعب در سال گاز به ترکیه فروخته و ترک‌ها فقط ۵ میلیارد متر مکعب را دریافت کنند یا مصرف کنند به ایران ربطی ندارد و ایران کل پول را دریافت میکنند اگر در قرارداد ذکر شده باشد حداقل ۸۷ را باید پرداخت کنند چه ترک‌ها ۵۰ درصد گاز را دریافت کرده باشند چه دو درصد را مجبور هستند مبلغ ۸۷ درصد را پرداخت کنند اما بعد از این اصلاحیه این مبلغ ۸۷ درصد به ۷۰ درصد تقلیل پیدا می‌کند و اینگونه شرایط قرارداد را برای خودشان بهتر می‌کنند اما مجدداً در سال ۲۰۰۴ ترک‌ها از شرایط معامله ابراز نارضایتی می‌کنند و وزیر وقت انرژی ترکیه از ایران به دیوان لاهه شکایت می‌کنم و برای چند روز واردات گاز به ترکیه قطع می‌شود این اتفاق در سال ۲۰۰۵ نیز به مدت چند روز مجدد رخ می‌دهد که در هر صورت چندین

بار از طرف ترک‌ها این واردات گاز قطع شده و هر بار دلیلی برای این کار داشتن در سال ۲۰۰۶ مجدداً از طرف ایران این بار این قطعی صادرات و واردات گاز ورت می‌گیرد و علت آن سردی هوا در تبریز و ناترازی انرژی ایران مجبور می‌شود صادرات گاز خود را به ترکیه متوقف کند و این گاز را به استان‌های شمالی و تبریز اختصاص بدهد چیزی که باعث می‌شود ترک‌ها مجدداً از ایران شکایت کنند چیزی که باعث می‌شود دوباره ترک‌ها از ایران شکایت کنند شکایت جدید ترکیه از این کشور به نحوه اجرای این قرارداد از سال ۲۰۱۱ کلید خورد حتی چند بار به دلیل خرابکاری گروه‌های مخالف در ترکیه خطوط انتقال گاز انفجارهای رخ می‌دهد که باز هم باعث می‌شود انتقال گاز به ترکیه متوقف شود در در نهایت دادگاه تصمیم می‌گیرد شرکت گازی بوتاز ترکیه را دلیل وقفه‌های سال‌های قبل ۲ میلیارد و ۷۰۴ میلیون دلار جریمه کند البته ایران هم به دلیل قطع گاز در زمستان ۲۰۰۶ محکوم به پرداخت جریمه می‌کند که بعضی از منابع گزارش می‌دهند که این جریمه‌ها با هم تنها تر شدند بعد از این اتفاق‌ها ترکیه در سال ۲۰۱۱ دوباره واردات گاز را از طرف ایران طع می‌کند و می‌گوید ایران باید به ما یک تخفیف مناسب بدهد شکایت ترک‌ها به دیوان داوری لاهه تا سال ۲۰۱۶ در جریان بود و وزیر وقت انرژی این کشور رسانه‌های خودشان اعلام می‌کند به زودی پیروز این نبرد حقوقی می‌شویم و می‌توانیم قیمت گاز ایران را پایین‌تر بیاوریم در در این دوره حسن روحانی و آقای زنگنه که مسئولین وقت آن زمان بودند قبول می‌کنند که قیمت را پایین‌تر بیاورند ترک‌ها در شکایت خود به دو موضوع اشاره کردند اول اینکه کیفیت گاز ایران پایین‌تر از آن چیزی بوده که باید باشد و دوم بر اثر قیمت شکایت کرده بودند و گفته بودند قیمت باید ۶۲ و نیم درصد کاهش پیدا کند دیوان داوری لاهه قسمت اول این شکایت را رد می‌کند می‌گوید کیفیت گاز ایران مناسب بوده اما در قسمت دوم ایران توافق می‌کند که ۱۲ درصد قیمت خود را کاهش دهد و صادرات خود را ادامه بدهد بعد از این داستان کاهش قیمت بود که در رسانه‌های ایران خبرهایی منتشر می‌شود که

این کاهش قیمت فروش گاز به ترکیه به دلیل قیمت مندرج شده در قرارداد کرسنت است لازم به ذکره که ایران برای جبران ما با تفاوت قیمت اول و قیمت تخفیف داده شده گاز رایگان به ترکیه داد و در واقع پولی به طرف ترک پرداخت نکرد.

اما رسانه‌ها دلیل دادن گاز رایگان را قرارداد کرسنت می‌دانستند در واقع اتفاقی که در ایران افتاد این بود که یک قرارداد اقتصادی به قرارداد سیاسی تبدیل شد بین رسانه‌ها و حتی مسئولین عالی رتبه و حتی از احزاب داخلی رقابتی بر سر توافق و جلوگیری از توافق در قرارداد کرسنت به وجود آمد و از آن به بعد دو جناح ایران یعنی اصولگرایان و اصلاح طلبان همیشه در مبارزات انتخاباتی خود از قرارداد کرسنت صحبت می‌کند.

قرارداد که بین ایران و ترکیه بود یک قرارداد اجرایی بود اما قرارداد کرسنت اجرایی نشده بود نمی‌توان یک قرارداد اجرا شده و در حال جریان را با یک قرارداد اجرا نشده مقایسه کرد. حتی اگر فرض بر این بگیریم که جاری بودن یا تاریخ قرارداد برای دیوان داوری لاهه مهم نباشد در این صورت باید گفت قرارداد گازی ایران پاکستان و هند شرایط بدتری نسبت به کرسنت داشت که البته آن قرارداد هم اجرایی نشد اما قرارداد آن بسته شد و مبلغی که بسته بودند از مبلغ که در قرارداد کرسنت هم بسته بودم کمتر بود اگر بنا بود ترک‌ها برای کاهش قیمت به قرارداد دیگری شاره کنند می‌توانستند به قرارداد ایران پاکستان هند اشاره کنند اگر فرض بر این بگیریم ترک‌ها به این قرارداد نیز اشاره کردند باید این سوال مطرح شود که چرا در رسانه‌های داخلی به این موضوع اشاره نشده و صرفاً قرارداد کرسنت نشانه رفته است در قرارداد پاکستان هند ایران قیمت توافق شده ۲۵ درصد پایین‌تر از قیمت توافق شده در قرارداد ترک بود این خود نشان دهنده این است که قرارداد کرسنت اهمیت سیاسی خاصی داشته هم از جنبه بین‌المللی هم از جنبه داخلی.

مورد دیگری که باید به آن پرداخته شود در مورد اصل کامله‌الوداد بودن کرسنت است در

واقع این اصل بدین معنی که در سازمان تجارت جهانی اصلی وجود دارد بر اساس برابری رفتار کشورها با یکدیگر می‌آید. اگر شما با یک کشور یک قرارداد را می‌بندید و به قیمت را در نظر می‌گیرید و شرایط خاصی برای آن در نظر می‌گیرید باید همین را برای کشورهای دیگری در نظر بگیرید. در واقع این اصل می‌گوید شما نمی‌توانید کالای خود را به یک کشور با یک قیمت با کشور دیگر به قیمتی بالاتر یا پایین‌تر بفروشید این قرارداد برای کشورهایی است عضو سازمان تجارت جهانی هستند و نه همه کشورها لازم به ذکره که حتی آن کشورها نیز می‌توانند این اصل را در قرارداد خود بکنجانند یا خیر یعنی شرط بر توافق است در مورد ایران، ترکیه و کرسنت شامل این اصل نمی‌شوند در سازمان تجارت جهانی نیز قیمت گاز در کشورهای مختلف متفاوت است و نمی‌توان این اصل را به تمام قراردادهای گازی تطبیق داد ضمن اینکه ایران عضو قطعی سازمان تجارت جهانی نیست ایران به عنوان عضو ناظر در این سازمان است و هیچ اجباری وجود ندارد که ایران ملزم باشد تمام اصول این سازمان را قبول و اجرا کند.

آقای زنگنه در مصاحبه دیگری گفتند ما در امارات چیزی داشتیم که این را آقای بی‌طرف و دوستانش خوب می‌دانست ترکیه پیک مصرفش با پیک مصرف ایران یکی است چون مصرف حداکثر ترکیه و ایران هر دو در زمستان است اما امارات متحده عربی یکی از فوایدی که برای ما داشت این است که پیک مصرفش در تابستان بود آقای زنگنه بر اساس مدارک و آمار که نشان دادند گفتند بین مصرف تابستان و زمستان ما ۱۲۷ میلیون متر مکعب تفاوت مصرف داریم چون امارات از گاز برای تصفیه آب تامین برق نیز استفاده می‌کند مصرف حداکثرشان در تابستان است و باریک مصرف ما تداخل نداشت و این یک مزیت بود به اضافه اینکه بازار امارات یک بازار رو به رشد بود آقای زنگنه گفتن کاری که مخالفین این قرارداد کردند ما را از بازار خوبی به مدت نامعلومی محروم کردند و آنها را نفوذی خواندند.

در قراردادهای گازی حداقل تا قبل از جنگ روسیه و اوکراین بیشتر از اینکه بحث درآمدزایی

مطرح باشد نفوذ کشورها بر همدیگه مطرح بوده است وقتی یک کشور به کشور دیگری گاز صادر می‌کند می‌توانست آن کشور را دربند خود قرار دهد برای مثال در قراردادی که روس‌ها با آلمان بستند بین قراردادی که روس‌ها با کشورهای بالتیک (لیتوانی، لتونی و استونی) بستند اختلاف ۲۵ درصدی وجود دارد روسیه گازی که به آلمان‌ها می‌داد ۲۵ درصد ارزان‌تر از گازی بود که ه این کشورها می‌داد و هیچ کدام از کشورها نتوانسته بودند اعتراضی به قرارداد کنند تا اینکه کشورهای بالتیک تصمیم گرفتند از جای دیگری گاز خود را تامین کنند تنها آن زمان بود که روس‌ها تصمیم گرفتند قیمت گاز خود را به اندازه زی که به آلمان‌ها می‌فروشد پایین بیاورند این را هم باید در نظر گرفت که در میداین گازی حتی ممکن است بین چاه‌ها نیز ممکن است تفاوت از لحاظ عناصری که در گاز وجود دارد از لحاظ واحد BTU (یک BTU مقدار انرژی استفاده شده برای گرم کردن یک پوند آب و افزایش یک درجه فارنهایتی دمای آن است) مقدار گوگردی که در گاز وجود دارد نیز بر قیمت آن تاثیر می‌گذارد به هر حال عناصر ناخالصی که در یک چاه وجود دارد بر قیمت نهایی گاز آن چاه نیز تاثیر می‌گذارد از اینکه قرارداد کرسنت کنسل شد این گاز ۱ می‌سوزانند و به هیچ کشوری نمی‌رسد نه خودمان می‌توانیم از آن گاز استفاده کنیم به خاطر اینکه باید پالایش شود و ما تکنولوژی به دلیل تحریم‌ها نداریم و نمی‌توانیم آن را بفروشیم به دلیل آنکه مشتری وجود ندارد در حال حاضر قطری‌ها دارند این کار را انجام میدن و سودش را ستفاده می‌کنند.

آقای زنگنه در اظهار کردند درآمد ما در این مدت با فرمول آقای کردان که تفاهم کرده بود می‌شد ۱۰ میلیارد و ۲۴۹ میلیون دلار قیمت نفت هم به قیمت روز آن زمان بود با فرمولی که ما توافق کرده بودیم در قرارداد بدون تجدید نظر می‌شد می‌شد ۹ میلیارد و ۶۲۶ میلیون دلار یعنی تفاوت این دو قیمت خیلی بالا نبود به هر حال ایران از همه این قرارداد گذشت و نتیجه این شد که گاز از پایین توسط ابوظبی برده شد و از بالا نیز سوخت و به قول معروف نه خودخوری نه

کس دهی گنده شود به سگ دهی.

مخالفین این قرارداد به فسادهای مالی و رشوه‌هایی که بعضی از افراد دریافت کردند اشاره می‌کنند آقای زنگنه در جواب به آنها گفت گر کسی فساد کرده یا رشوه‌ای گرفته آن شخص را بازداشت و جلوی فساد را بگیرد اما بگذارید قرارداد بر سر جایش بماند به طور معمول در ایران ر قراردادهای بزرگ و حتی قراردادهای بسیار کوچک‌تر از این افرادی که جایگاهی دارند و یا قدرتی دارند ممکن است رشوه بگیرند یا منفعت شخصی ببرند اما پاک کردن کل صورت مسئله روشی اشتباه است قراردادی که می‌توانست آورده خوبی برای دولت و ملت داشته باشد نباید به خاطر تخلفات افراد ه طور کلی کنسل می‌شد وظیفه قوه قضاییه بوده که ورود کند و جلوی فساد را بگیرد حتی اگر این قرارداد جوری که مخالفین می‌گویند قرارداد مضر بوده نباید آن را رها کرده و آن را مسکوت بگذارند باید آن را ابطال می‌کردند به هر حال نهادهایی مثل شورای امنیت ملی و یا وزارت اطلاعات می‌توانسته آن را بررسی کند و در صورت محرز شدن فایده باید آن را اجرایی می‌کردند و در صورت وجود ضرر باید آن را ابطال می‌کردند رها کردن این قرارداد باعث شد که ایران مجبور به پرداخت جریمه شود به طرف اماراتی فروختیم در واقع ما نه گازی فروختیم نه خودمان استفاده کردیم فقط جریمه قراردادی که انجام نشده را ارییم پرداخت می‌کنیم.

گفته می‌شود مهدی هاشمی ۵ میلیون رشوه دریافت کرده است در واقع در قراردادی با این حجم ۵ میلیون دلار پول کمی به حساب می‌آید از طرف دیگر در یکی از مناظرات تلویزیونی محسن هاشمی برادر مهدی هاشمی ادعا می‌کند چون مقامات قضایی می‌دانستند که مهدی بی‌گناه است آن را در زندان نگه نداشتند و آزاد کردند این خودش جای شک و شبهه ایجاد می‌کند هم نسبت به ماجرای قرارداد کرسنت هم نسبت به دریافت رشوه مهدی هاشمی هم نسبت به تمیز بودن قوه قضاییه در این پرونده البته نباید فراموش کرد که خانواده هاشمی جزء

خانواده‌های با نفوذ هستند.

مطالب جمع آوری شده من بر اساس مناظرات تلویزیونی صحبت‌های آقای زنگنه آقای جلیلی و مقاله‌ای در مجله دیپلماسی انرژی توسط سردبیران آقای جواد کی‌پور نوشته شده.

نام فرد/ نهاده	سمت / نقش	موافق/ مخالف	علت اتهام/ شکایت	سایر توضیحات
بیژن نامدار زنگنه	وزیر دولت‌های خاتمی و روحانی	موافق	اتهام امضای زیان‌بار و عدم رعایت و منافع ملی	زنگنه معتقد بود قرارداد کرسنت برای صادرات گاز به امارات و افزایش درآمد ارزی ایران مفید است.
علی ترقی‌جاه (برادر باجناق) غلامعلی حدادعادل	مشاور ارشد وزارت نفت	موافق	نقش در مذاکرات و تنظیم قرارداد. دریافت رشوه و دادن رشوه	از نزدیکان زنگنه و از مذاکره‌کنندگان اصلی قرارداد بود.
حمید ضیاء جعفر	مدیر عامل شرکت کرسنت پترولیوم	موافق	درگیر شدن در معاملات مشکوک	طرف اماراتی قرارداد و مذاکره‌کننده اصلی از سوی کرسنت. متهم به دادن رشوه و ایجاد رانت برای دست‌یابی به نتیجه مورد نظر نیز هست.

پسر اکبر هاشمی رفسنجانی	نام وی در اسناد این پرونده ذکر شده و متهم به دریافت رشوه نیز است.	موافق	رئیس سابق سازمان بهبینه‌سازی مصرف سوخت	مهدی هاشمی
وی در دبی در سال ۲۰۱۳ ربوده و کشته شد.	فقدان شفافیت و اتهامات مالی	موافق	کارگزار و مشاور قرارداد	عباس یزدان‌پناه‌یزدی
<b>سایر مشخصات مهم</b>	<b>علت شکایت/ اتهام</b>	<b>موافق/ مخالف</b>	<b>سمت/نقش</b>	<b>نام فرد/ نهاده</b>
در زمان مسئولیت خود با اجرای قرارداد مخالفت کرد و آن را مضر دانست.	تضییع منابع ملی و قیمت‌گذاری ناعادلانه گاز	مخالف	دبیر سابق شورای عالی امنیت ملی	سعید جلیلی
در مناظرات انتخاباتی و مصاحبه‌های بارها از قرارداد و نقش آقای زنگنه انتقاد کرد.	انتقاد از قرارداد به عنوان خیانت نفی	مخالف	نماینده مجلس و رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس	علرضا زاکانی
به دلیل کوتاهی در رسیدگی به اسناد و مدارک مرتبط با پرونده مورد انتقاد قرار گرفت.	عدم رسیدگی به موقع به پرونده در زمان مسئولیتش	مخالف	رئیس سابق سازمان بازرسی کل کشور	مصطفی پور محمدی

سازمان بازرسی کل کشور	نهاد نظارتی ایران	مخالف	تحقیق در مورد فساد مالی زیان ایران در این قرارداد	این سازمان گزارش‌های متعددی در مورد فساد و زیان مالی ایران ارائه کرد.
دیوان محاسبات کشور	نهاد حسابرسی ایران	مخالف	محاسبات زیان‌ها و تحلیل مالی قرارداد	زیان‌های این قرارداد را در چندین میلیارد دلار برآورد کرد.

سازمان بازرسی کل کشور در بررسی قرارداد کرسنت، به ابعاد مختلفی از جمله جنبه‌های تجاری، اقتصادی، حقوقی، فنی و امنیتی این قرارداد ایراداتی وارد کرد. این ایرادات در اواخر دولت هشتم و توسط نهادهایی مانند سازمان بازرسی کل کشور، شورای عالی امنیت ملی و کمیسیون انرژی مجلس مطرح شد. همچنین، در جریان رسیدگی به پرونده، عباس یزدان‌پناه یزدی در یک ویدئوکنفرانس با دادگاه لاهه، به دریافت رشوه برای امضای قراردادهای نفتی اعتراف کرد و اظهار داشت که در یک مورد، مبلغ ۶۰ میلیون دلار رشوه دریافت کرده است. این اعترافات و اسناد مرتبط، نقش مهمی در بررسی‌های سازمان بازرسی کل کشور داشتند.

آنچه از کلیت این قرارداد مشخص است در دادگاهی که در ایران تشکیل شد قوه قضاییه و دادگاه نتوانست بی طرف عمل کند و بارها از طرف متهمین و خواهان به نفوذ عده‌ای و فشارهای پشت پرده اشاره شد.

بر اساس اطلاعات منتشرشده توسط مالک شریعتی نیاسر، نماینده مجلس شورای اسلامی،

اسامی متهمان این پرونده به شرح زیر است:

۱. محمدرضا.م (عضو هیئت مدیره شرکت نفت ایران)

۲. محمود.م (عضو هیئت مدیره شرکت نفت ایران)
  ۳. مصطفی.خ (عضو هیئت مدیره شرکت نفت ایران)
  ۴. محمدعلی.خ (عضو هیئت مدیره شرکت نفت ایران)
  ۵. سیدعلی.ص (عضو هیئت مدیره شرکت نفت ایران)
  ۶. علی.ک (عضو هیئت مدیره شرکت نفت ایران)
  ۷. بیژن نامدار زنگنه (وزیر نفت وقت)
  ۸. مهدی هاشمی رفسنجانی (رئیس سازمان بهینه سازی مصرف سوخت)
- دیوان داوری بین‌المللی لاهه: این دیوان به‌عنوان مرجع اصلی رسیدگی به اختلافات بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت کرسنت پترولیوم تعیین شد.
- سال ۲۰۱۳ میلادی (۱۳۹۲ شمسی): دیوان داوری لاهه رأی داد که قرارداد کرسنت از نظر قانونی لازم‌الاجرا است.
- ۲۴ فوریه ۲۰۲۵ (۵ اسفند ۱۴۰۳): دیوان داوری رأیی صادر کرد که ادعای شرکت کرسنت مبنی بر مسئولیت شرکت ملی نفت ایران در قبال خسارات وارد به اشخاص ثالث را مردود اعلام کرد.

## احکام صادره در ایران

احکام صادره: تأیید احکام توسط دیوان عالی کشور: بر اساس گزارش‌ها، دیوان عالی کشور احکام قضایی مرتبط با پرونده کرسنت را تأیید کرده است. این احکام شامل محکومیت افرادی از جمله برخی مسئولان ارشد وزارت نفت و علی ترقی‌جاه، دلال احیاکننده قرارداد کرسنت، می‌باشد.

ارجاع محکومیت‌ها به اجرای احکام: سخنگوی قوه قضائیه اعلام کرده است که محکومیت‌های متوقف‌مانده در بخش اول پرونده کرسنت به اجرای احکام ارجاع شده‌اند. همچنین، بخش دیگری از پرونده به دادگاه ارسال شده و حدود ۸ نفر در این پرونده متهم هستند.

این بخش از پرونده با کیفرخواست به دادگاه ارسال شده و حدود ۸ نفر در آن متهم هستند. اتهامات این افراد شامل تبانی در معاملات دولتی و اخذ و پرداخت رشوه است بخشی از این پرونده هنوز باز است.

**بخش پنجم**

## فصل اول: مافیای سوخت در ایران

بیست تا سی میلیون لیتر قاچاق روزانه سوخت!

این اعتراف صریح و شجاعانه رئیس‌جمهور مسعود پزشکیان شاید برای بسیاری شوکه‌کننده باشد، اما برای آنهایی که با زنجیره تولید و توزیع سوخت در ایران آشنایی دارند، چیزی جز تایید دیر هنگام واقعیتی تلخ نیست؛ واقعیتی که پشت پرده آن سال‌ها انفعال، کتمان، بی‌کفایتی و ترک فعل مدیرانی است که به جای پذیرفتن صورت‌مسئله و رفع آن، فرصت‌ها را در یک دهه اخیر بر باد داده و حداقل پنجاه میلیارد دلار از سرمایه‌های ملی را با سکوت معنادار خود، به جیب شبکه‌های مافیایی داخلی و خارجی سرازیر کرده‌اند.

شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران، به عنوان متولی اصلی زنجیره تولید، تأمین و توزیع سوخت کشور، سال‌هاست که وعده‌های بی‌پایانی از شفافیت، نظارت و بهینه‌سازی زنجیره سوخت ارائه داده و هر ساله به‌رغم تعریف صدها پروژه و صرف مبالغ هنگفت، خروجی و نتیجه ملموسی برای مهم‌ترین وظیفه خود که صیانت از سرمایه‌های ملی است، ارائه نکرده است.



آخرین نمونه از این دست وعده‌ها، پیشنهاد اجرای پروژه میترینگ و مانیتورینگ زنجیره تولید و توزیع سوخت با هدف پایش لحظه‌ای زنجیره تأمین سوخت است و مدعی هستند که این پروژه، شاه‌کلید حل ابرچالش قاچاق سوخت است. البته نکته مهم آن است که این شرکت در یک دهه اخیر، اصل موضوع قاچاق سوخت را کتمان کرده و به‌جای پذیرفتن مسئولیت، صورت‌مسئله را پاک کرده است و اگر رئیس‌جمهور کشور، با صداقت و مسئولانه این واقعیت را طرح نمی‌کرد، حتی حاضر به ارائه همین راهکار نیم‌بند هم نمی‌شدند!

در راهکار ارائه‌شده، با تجهیز هشتادوشش نقطه از زنجیره سوخت به سیستم‌های میترینگ، به ظاهر گامی بزرگ در مسیر شفافیت و مبارزه با قاچاق است، اما وقتی به هزینه دوست‌ویست‌میلیون دلاری اعلام‌شده برای این پروژه می‌نگریم، شائبه‌های فراوانی ایجاد می‌کند و سوالات بسیاری پیش می‌آید. این هزینه نجومی نه‌تنها بسیار فراتر از استانداردهای جهانی است، بلکه در شرایطی مطرح شده که کشور در بحرانی‌ترین دوران اقتصادی خود قرار دارد.

آیا این رقم به‌راستی بیانگر هزینه‌های واقعی اجرای طرح است، یا ترفندی است برای ایجاد تردید در تصمیم‌گیری مدیران ارشد؟ یا شاید تعریف پروژه‌ای بزرگ و پرهزینه برای تأمین منافع

گروهی خاص؟ آیا این طرح واقعاً در خدمت حل بحران و رفع مشکل قاچاق سوخت است، یا صرفاً یک بازی جدید در زمین مافیاً برای تداوم منافع پنهان؟

تجربه نشان داده است که در هر ساختار انحصاری، که نظارت و شفافیت قربانی می‌شوند، هر راه‌حلی که از دل همان ساختار بیرون بیاید، بیشتر به بقای مافیاً کمک می‌کند تا به حل بحران. این سوالات وقتی نگران‌کننده‌تر می‌شوند که به سابقه شرکت ملی پالایش و پخش در پروژه‌های مشابه نگاه کنیم.



طرح کهاب که سال هزار و سیصد و هشتاد و هفت با هدف شفافیت و کاهش هدررفت در زنجیره تأمین و توزیع سوخت مصوب شد و قرار بود ظرف مدت دو سال تا پایان برنامه چهارم توسعه تحولی در مدیریت این زنجیره ایجاد کند و اکنون پس از گذشت پانزده سال، هنوز بخش عمده این پروژه عملیاتی نشده و در خوش‌بینانه‌ترین حالت، به یکی از نمادهای بی‌کفایتی در

کشور تبدیل شده است، هرچند حرف و حدیث‌های بسیار جدی در ارتباط با اثربخشی این پروژه و منافع شرکت‌ها و گروه‌های خاص مطرح است؛ وقتی یک پروژه با صرف هزینه‌های سرسام‌آور به نتیجه‌ای ملموس نمی‌رسد، چگونه می‌توان به وعده‌های مسئولین و موفقیت طرح‌های جدید امیدوار بود؟

شاید مشکل اصلی، فراتر از ضعف فنی یا ناکارآمدی در اجرای طرح‌ها باشد، سوال اساسی این است که آیا نهادی که سال‌ها چشم بر بحران قاچاق سوخت بسته و حتی در مسیر کتمان آن گام برداشته، شایستگی ارائه راه‌حل و اجرای آن را دارد؟ به‌هرحال، طرح میترینگ ایرادات فنی آشکاری دارد؛ هرچند سیستم‌های میترینگ، به‌خودی‌خود، می‌توانند داده‌های دقیقی از میزان تولید، توزیع و مصرف سوخت ارائه دهند. اما این داده‌ها در نهادی که تاکنون اراده‌ای برای حل مسئله نداشته، چگونه تحلیل خواهند شد؟ چه ضمانتی وجود دارد، داده‌ها دستکاری نشده و مداخلات انسانی در مسیر حفظ منافع چندده‌میلیارد دلاری مافیای قدرتمند قاچاق، وارد عمل نشود؟ در حالی که تجارب موفق در دنیا نشان می‌دهد که چنین سیستم‌هایی اگر در بستر نظارتی مستقل پیاده‌سازی نشوند، تنها به پنهان‌کاری‌های پیچیده‌تر و فسادهای فنی‌تر منجر می‌شوند. در طرح ارائه‌شده، داده‌ها همچنان امکان دستکاری دارند و مداخلات انسانی نیز به حداقل نمی‌رسد و دلیل آن بی‌توجهی به فناوری‌های نوین است، درحالی‌که دنیا با بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته‌ای همچون بلاکچین و اینترنت اشیا، توانسته مداخلات انسانی را به نزدیک صفر و قاچاق سوخت را به حداقل برساند، اما این طرح همچنان در چارچوب روش‌های سنتی گرفتار است.

قاچاق سوخت در ایران به صورت سیستماتیک و سازمان یافته انجام می‌شود و یک مافیای قدرتمند و پرنفوذ پشت آن قرار دارد دلایل متعددی برای این ادعا وجود دارد حجم بالای قاچاق و غیرممکن بودن آن بدون هماهنگی درون‌سازمانی گزارش‌ها حاکی از آن هستند که روزانه

بین بیست تا سی میلیون لیتر سوخت از ایران قاچاق می‌شود این حجم عظیم نشان‌دهنده آن است که این کار توسط شبکه‌های حرفه‌ای با دسترسی‌های خاص به سامانه‌های توزیع و حمل‌ونقل سوخت انجام می‌شود این میزان قاچاق بدون همکاری برخی عناصر در داخل سیستم دولتی و نظارتی ممکن نیست فساد و نفوذ مافیا در دستگاه‌های دولتی برخی مقامات رسمی از جمله رئیس اسبق کمیسیون امنیت ملی مجلس تأیید کرده‌اند که شبکه‌های مافیایی در داخل نهادهای دولتی و امنیتی نفوذ دارند و از رانت‌های اطلاعاتی و مدیریتی برای دور زدن نظارت‌ها استفاده می‌کنند مثلاً در برخی موارد کامیون‌های حامل سوخت قاچاق با اسکورت نیروهای امنیتی غیررسمی حرکت کرده‌اند یا جعل اسناد و حواله‌های سوختی در برخی جایگاه‌های رسمی گزارش شده است تفاوت شدید قیمت داخلی و خارجی سوخت انگیزه‌ای قوی برای فساد قیمت سوخت یارانه‌ای در ایران بسیار پایین است در کشورهای همسایه مانند پاکستان افغانستان و ترکیه قیمت سوخت ده تا صد و پنجاه برابر بیشتر از ایران است این اختلاف قیمت باعث شده است که قاچاق سوخت به یک تجارت فوق‌العاده سودآور تبدیل شود و مافیای قدرتمندی برای حفظ این تجارت شکل بگیرد نقش شبکه‌های پیچیده در توزیع و صادرات غیرقانونی سوخت قاچاق زمینی از طریق کامیون‌ها با مخازن مخفی و حتی لوله‌گذاری‌های زیرزمینی مخفی در مرزها قاچاق دریایی استفاده از لنج‌ها و تانکرهای سوخت‌رسان برای انتقال سوخت به کشورهای حاشیه خلیج فارس قاچاق رسمی برخی گزارش‌ها نشان می‌دهد که بخشی از قاچاق حتی از طریق سیستم‌های رسمی توزیع سوخت مانند شرکت‌های دولتی انجام می‌شود تلاش‌های ناکام برای کنترل قاچاق دولت ایران تلاش‌هایی برای کنترل این پدیده انجام داده از جمله نصب دوربین در جایگاه‌های سوخت هوشمندسازی کارت سوخت و افزایش نظارت مرزی اما مقاومت شدیدی از سوی برخی نهادها و مافیاهای اقتصادی در برابر این اقدامات وجود دارد که نشان می‌دهد این شبکه‌ها به بخش‌هایی از بدنه دولت و نیروهای اجرایی متصل هستند نتیجه‌گیری

آیا قاچاق سوخت یک مافیای سیستماتیک است بله شواهد نشان می‌دهند که قاچاق سوخت در ایران نه تنها سازمان‌یافته بلکه دارای یک ساختار مافیایی پیچیده است که در لایه‌های مختلف حاکمیتی نفوذ کرده است این مافیا از طریق رانت فساد جعل اسناد و حتی استفاده از قدرت‌های امنیتی و نظامی از تجارت پرسود قاچاق سوخت حفاظت می‌کند.

راهکارهای مقابله حذف تدریجی یارانه‌های سوخت و کاهش اختلاف قیمت داخلی و خارجی ایجاد شفافیت در توزیع سوخت و اصلاح نظام سهمیه‌بندی مبارزه با فساد درون‌سازمانی و برخورد با عناصر فاسد افزایش نظارت الکترونیکی و هوشمند بر حمل‌ونقل و صادرات سوخت اما تا زمانی که رانت‌های اقتصادی و فساد سیستمی وجود داشته باشد بعید است این مافیا به راحتی از بین برود.

قاچاق سوخت هواپیما از طریق لوله‌کشی‌های مخفی و دستکاری در سیستم‌های انتقال سوخت فرودگاهی یکی از روش‌های پیچیده و سازمان‌یافته‌ای است که گزارش‌هایی از آن منتشر شده است این روش معمولاً در فرودگاه‌های پرتردد یا نزدیک مرزها انجام می‌شود مکانیزم قاچاق سوخت هواپیما با لوله‌کشی انشعاب‌های مخفی از خطوط انتقال سوخت برخی از خطوط لوله انتقال سوخت در فرودگاه‌ها به‌ویژه در مناطق دورافتاده یا کم‌نظارت ممکن است دارای انشعاب‌های غیرقانونی باشند که سوخت را از مسیر اصلی منحرف کرده و به مخازن قاچاقچیان منتقل می‌کند استفاده از تانکرهای غیررسمی در برخی موارد سوخت از مخازن فرودگاه یا هواپیماها مستقیماً به کامیون‌های سوخت‌رسان قاچاقچیان منتقل می‌شود این کار می‌تواند با تبانی برخی کارکنان فرودگاهی یا تحت پوشش انتقال‌های مجاز سوخت انجام شود دستکاری در آمار و اسناد سوخت‌رسانی در برخی پرونده‌ها مشاهده شده که گزارش‌های مصرف سوخت هواپیماها دستکاری شده و مقدار اضافی سوخت از طریق مسیرهای غیررسمی به خارج از فرودگاه منتقل شده است انتقال سوخت از طریق خطوط انتقال بین فرودگاهی برخی

فرودگاه‌های بین‌المللی دارای لوله‌کشی‌های زیرزمینی برای انتقال سوخت بین پایانه‌ها و مخازن ذخیره هستند در برخی موارد قاچاقچیان از این زیرساخت‌ها برای تغییر مسیر بخشی از سوخت و انتقال آن به خارج از سیستم رسمی استفاده کرده‌اند سرنوشت سوخت قاچاق شده بخشی از این سوخت به کشورهای همسایه مانند افغانستان پاکستان و عراق قاچاق شده و به‌عنوان سوخت معمولی فروخته می‌شود برخی از این محموله‌ها به مراکز صنعتی یا کارخانه‌هایی که به سوخت نیاز دارند فروخته می‌شود در برخی موارد سوخت هواپیما حتی در بازار سیاه داخلی نیز به‌عنوان گازوئیل یا سوخت صنعتی استفاده شده است.

نتیجه‌گیری قاچاق سوخت هواپیما از طریق لوله‌کشی‌های مخفی و دستکاری در سیستم‌های توزیع یکی از پیچیده‌ترین روش‌های قاچاق سوخت در ایران است این روش نیازمند نفوذ و همکاری عوامل داخلی در فرودگاه‌ها و شرکت‌های سوخت‌رسانی است و بدون حمایت شبکه‌های مافیایی و فساد سیستمی امکان‌پذیر نیست.

فساد در سیستم سوخت و مافیای قاچاق سوخت در ایران به شبکه‌ای پیچیده و چندلایه از عوامل مختلف مربوط می‌شود که شامل برخی مقامات دولتی شرکت‌های توزیع‌کننده سوخت نیروهای امنیتی و حتی نهادهای نظامی است این مافیای از رانت جعل اسناد تبانی و پوشش‌های قانونی برای انتقال غیرقانونی سوخت به خارج از کشور یا فروش در بازار سیاه استفاده می‌کند چه کسانی در مافیای سوخت نقش دارند برخی مدیران و مقامات دولتی مرتبط با توزیع سوخت شبکه‌های توزیع رسمی سوخت مانند شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران مسئول سهمیه‌بندی و انتقال سوخت هستند برخی مدیران این شرکت‌ها در دوره‌های مختلف به فساد و مشارکت در قاچاق متهم شده‌اند در برخی پرونده‌ها مجوزهای جعلی صادرات سوخت یا اختصاص سهمیه‌های غیرواقعی برای برخی شرکت‌ها صادر شده که بعداً به بازار سیاه منتقل شده است برخی عناصر در مرزبانی و نیروهای امنیتی حجم بالایی قاچاق سوخت در مرزهای

شرقی افغانستان و پاکستان و غربی عراق و ترکیه بدون چشم‌پوشی یا همکاری برخی عوامل مرزبانی و گمرک غیرممکن است گزارش‌هایی از تبانی برخی نیروهای مرزی با قاچاقچیان برای تسهیل عبور تانکرهای سوخت یا چشم‌پوشی در برابر انتقال غیرقانونی از لوله‌های مخفی وجود دارد رانت‌خواران اقتصادی و برخی شرکت‌های پوششی برخی شرکت‌ها که در ظاهر مجوز صادرات یا حمل‌ونقل سوخت دارند در واقع پوششی برای قاچاق سازمان‌یافته هستند این شرکت‌ها از طریق دسترسی به سامانه‌های رسمی تخصیص سهمیه سوخت دریافت حواله‌های جعلی و استفاده از اسناد گمرکی غیرواقعی سوخت را از شبکه رسمی خارج و به بازار قاچاق منتقل می‌کنند آیا سپاه در مافیای سوخت نقش دارد نهادهای نظامی از جمله سپاه پاسداران نقش گسترده‌ای در اقتصاد ایران دارند و برخی گزارش‌ها نشان می‌دهد که برخی از شرکت‌های وابسته به این نهاد در بخش توزیع سوخت و حمل‌ونقل فرآورده‌های نفتی فعال هستند قاچاق سوخت از طریق لنتج‌ها و نفتکش‌های کوچک در خلیج فارس یکی از روش‌های رایج است که برخی منابع خارجی و داخلی ادعا کرده‌اند که برخی گروه‌های وابسته به نهادهای نظامی از جمله سپاه در آن نقش دارند در سال‌های گذشته برخی پرونده‌های مرتبط با تخلفات گسترده در حوزه سوخت به افراد نزدیک به سپاه نسبت داده شده است اما این نهاد به‌طور رسمی چنین ادعاهایی را رد کرده است برخی از شرکت‌های حمل‌ونقل سوخت که در مناطق مرزی فعالیت می‌کنند و ارتباطاتی با نهادهای نظامی دارند در برخی گزارش‌ها به‌عنوان تسهیل‌کنندگان قاچاق معرفی شده‌اند نتیجه‌گیری مافیای سوخت در ایران شامل ترکیبی از مقامات فاسد دولتی شرکت‌های رانت‌خوار عوامل مرزی و برخی نهادهای اقتصادی نظامی است گزارش‌ها و تحلیل‌های مختلف نشان می‌دهند که بدون حمایت‌های درون‌سیستمی و وجود شبکه‌های نفوذی در سطوح مدیریتی و امنیتی قاچاق سوخت با این ابعاد گسترده امکان‌پذیر نیست در مورد نقش سپاه برخی گزارش‌ها حاکی از دخالت برخی بخش‌ها و شرکت‌های مرتبط با این نهاد در

تجارت غیررسمی سوخت است اما به دلیل عدم شفافیت و نبود نظارت مستقل تعیین دقیق ابعاد این مسئله دشوار است.

پرونده‌های متعددی درباره فساد و قاچاق سازمان‌یافته سوخت در ایران مطرح شده که برخی از آن‌ها جنجال‌برانگیز بوده و پای افراد و نهادهای پرنفوذ را به میان کشیده است در ادامه چند مورد از مهم‌ترین پرونده‌های فساد در قاچاق سوخت را بررسی می‌کنیم پرونده قاچاق سازمان‌یافته سوخت در مناطق مرزی یکی از بزرگ‌ترین پرونده‌های قاچاق سوخت که طی سال‌های اخیر افشا شد مربوط به شبکه‌های گسترده قاچاق سوخت در سیستان و بلوچستان هرمزگان و بوشهر بود این شبکه‌ها از تانکرهای سوخت‌رسان لنج‌های غیرقانونی و حتی لوله‌کشی‌های مخفی زیرزمینی برای انتقال سوخت به پاکستان افغانستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس استفاده می‌کردند برخی مقامات محلی و نیروهای مرزی به دریافت رشوه و همکاری با این شبکه‌ها متهم شدند اما پرونده‌ها به دلایل نامشخص به سرانجام نرسید پرونده فساد در شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران در برخی پرونده‌ها کارمندان و مدیران شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران به تبانی با شبکه‌های قاچاق متهم شده‌اند گزارش‌هایی مبنی بر اختصاص سهمیه‌های غیرواقعی سوخت جعل حواله‌های نفتی و صادرات غیرقانونی سوخت تحت پوشش صادرات رسمی مطرح شده است برخی از متهمان این پرونده به وابستگی به نهادهای بانفوذ و پوشش امنیتی برای فرار از مجازات متهم شده‌اند پرونده قاچاق سوخت از طریق لوله‌های زیرزمینی در زاهدان در زاهدان و مناطق مرزی سیستان و بلوچستان شبکه‌هایی کشف شدند که با حفر لوله‌های مخفی زیرزمینی سوخت یارانه‌ای را مستقیماً به خارج از کشور منتقل می‌کردند این پرونده سر و صدای زیادی به پا کرد اما پس از بازداشت چند نفر سرشاخه‌های اصلی پرونده معرفی نشدند پرونده نفتکش‌های قاچاقچی در خلیج فارس در سال‌های اخیر چندین نفتکش حامل سوخت قاچاق در خلیج فارس توقیف

شدند که مقصد آن‌ها کشورهای حاشیه خلیج فارس و آسیای جنوب شرقی بود برخی از این نفتکش‌ها متعلق به شرکت‌هایی با ارتباطات خاص با نهادهای قدرت بودند اما پرونده‌های آن‌ها به‌طور کامل شفاف‌سازی نشد پرونده تخلفات گسترده در سامانه کارت سوخت برخی گزارش‌ها نشان داده‌اند که مافیای سوخت از طریق دستکاری سامانه هوشمند کارت سوخت میلیون‌ها لیتر سوخت یارانه‌ای را به قاچاقچیان فروخته‌اند شبکه‌ای از جایگاه‌داران متخلف رانندگان صوری و واسطه‌های نفتی در این تخلف نقش داشتند تاکنون چندین نفر در این زمینه بازداشت شده‌اند اما شبکه‌های اصلی همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهند جمع‌بندی پرونده‌های قاچاق سوخت در ایران به دلیل درگیر بودن مقامات نهادهای پر قدرت و شبکه‌های گسترده فساد معمولاً به نتیجه قطعی نمی‌رسند یا عاملان اصلی معرفی نمی‌شوند با وجود افشای برخی تخلفات قاچاق سازمان‌یافته سوخت همچنان ادامه دارد و نشانه‌هایی از حمایت‌های درون‌سیستمی از این شبکه‌ها دیده می‌شود.



بخش ششم

## فصل اول: اختلاس در نظام بانکی، داستان فاضل خداداد



در این فصل درباره تاریخچه اختلاس‌های اقتصادی مالی و بانکی در نظام جمهوری اسلامی ایران بدانیم در اینجا هم به رسم همیشه از اولین‌ها شروع می‌کنیم یعنی اختلاس ۱۲۳ میلیارد تومانی در اوایل دهه ۷۰ شمسی جایی که فاضل خداداد با همکاری کارمندان بانک صادرات اولین فساد مالی کشور را رقم زدند و در نهایت در آذر ماه سال ۱۳۷۴ فاضل خداداد به اعدام محکوم شد.



### (موزه ساعت)

اما بیاید کمی این پرونده را باز کنیم تا بیشتر از محتویات این پرونده و سرنوشت افراد تاثیرگذار در این پرونده آگاه شویم همین ابتدای امر به شما بگویم که این فساد مالی تا سال‌ها سرآمد اختلاس در ایران بود، فاضل خداداد بازرگان و سرمایه‌دار ایرانی بود که پس از جنگ ایران و عراق در شهریور سال ۱۳۶۷ به ایران باز می‌گردد و با معرفی مرتضی رفیعی دوست که در آن زمان رئیس کمیته انقلاب اسلامی سعدآباد بود به یکی از شعب بانک صادرات معرفی می‌شود این آشنایی و افتتاح حساب جاری شروعی برای اختلاس ۱۲۳ میلیاردی در آن زمان می‌شود فاضل خداداد فرزند خداداد بود پدرش یعنی آقای خداداد از معتمدین بازار و مالک میدان میوه و تره‌بار بازار مرکزی تهران بود و همچنین برادر بزرگترش حسین خداداد بنیانگذار بزرگترین کارخانه ریسندگی و بافندگی در ایران و همینطور نخستین کارخانه یخ‌سازی در ایران بود همچنین حسین خداداد مالک یکی از زیباترین ساختمان‌های تهران به نام ساختمان تماشاگه زمان که

به نام موزه ساعت هم شناخته می‌شود و مربوط به دوره قاجار بود که این بنای شخصی پس از انقلاب توسط بنیاد مستضعفان مصادر می‌شود، جالب است این را بدانید که این بنا ابتدا به صورت یک خانه روستایی خشت و گلی و در یک طبقه بود که در سال ۱۳۴۲ توسط حسین خداداد خریداری می‌شود و از آنجایی که او به هنر و طراحی و گچبری علاقه زیادی داشت این بنا را احیا و مقاوم سازی می‌کند و یک طبقه هم بر روی آن احداث می‌کند و بعدها با بهترین استادکاران شروع به مرمت و نوسازی و گچبری‌های زیبایی در این خانه می‌کند و در سال ۱۳۵۶ یعنی بعد از حدود ۱۴ سال به اتمام می‌رسد و حسین خداداد تنها یک سال در آن خانه زندگی می‌کند و پس از انقلاب اسلامی علیرغم اینکه هیچ مسئولیت و پست و مقام سیاسی نداشت تمام دارایی وی و این ساختمان توسط بنیاد مستضعفان مصادره می‌شود.

محسن رفیق دوست که در سال‌های بعد از انقلاب به سمت ریاست بنیاد مستضعفان می‌رسد قبل از انقلاب چندین سال به عنوان فروشنده در میدان میوه و تره بار مرکزی تهران برای پدر فاضل خداداد و حسین خداداد کار می‌کرده و این سرمنشائی بوده برای ارتباط فاضل خداداد با محسن و مرتضی رفیق دوست. یکی از مسئله‌های گمشده‌ای که هیچ وقت پاسخی برای آن نبود برمی‌گردد به سال ۱۳۷۱ جایی که فاضل خداداد اقدام به خرید چند قطعه زمین در شمال شهر تهران می‌نماید که از قضا یکی از این زمین‌ها متعلق به بنیاد مستضعفان بود که همین موضوع باعث می‌شود فاضل خداداد بطور مستقیم با محسن رفیق دوست که رئیس وقت بنیاد مستضعفان بود وارد مذاکره شود و برای همان زمین مبلغ یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان را مستقیم به حساب محسن رفیق دوست واریز می‌کند که البته با طولانی شدن روند این معامله فاضل خداداد خواهان بازپس‌گیری پول خود می‌شود که این اتفاق هیچ وقت رخ نمی‌دهد.

## چگونگی انجام این اختلاس:

اینکه این اختلاس چگونه رخ داده، چه کسانی در آن نقش داشته‌اند و از چه طریقی انجام شده، مسئله‌ای است که شفاف‌سازی آن ضروری است. بی‌تردید، در قضاوت و آشکار شدن حقیقت، آیندگان می‌توانند بهتر داوری کنند.

در همان سال‌های ابتدایی دهه ۷۰ و با توجه به فعالیت‌های بازرگانی و ساختمانی فاضل خداداد و نیاز به نقدینگی و همچنین ماجرای ملک بنیاد مستضعفان و به منظور تامین این نقدینگی محسن رفیق دوست، پیشنهاد می‌دهد که فاضل به همراه برادرش مرتضی رفیق دوست که رئیس وقت کمیته انقلاب اسلامی سعدآباد بود به بانک صادرات باغ فردوس تجریش مراجعه کنند که با معرفی فاضل خداداد توسط مرتضی رفیق دوست یک حساب جاری ویژه افراد خاص با شماره ۲۰۰ برای فاضل خداداد افتتاح می‌شود و حالا با توجه به اعتبار خانواده خداداد و فاضل خداداد و همچنین سفارش‌ها و توصیه‌های برادران رفیق دوست بانک صادرات موافقت می‌کند که آقای فاضل خداداد با بهره‌گیری از نقص سیستم وصول چک‌های بین بانکی که در آن زمان در سیستم بانکی صادر کننده پول نقد دریافت کند چرا که در آن زمان وصول چک‌های بین بانکی به صورت دستی و با صرف زمانی بین ۲ تا ۵ روز انجام می‌شد. این روند همکاری بین بانک با آقای خداداد و برادران رفیق دوست به مدت ۱۱ ماه و با گردش مالی معادل ۱۱۸ میلیارد تومان ادامه داشت، تا زمانی که در وصول یک فقره چک بین بانکی در بانک ملی و در حالی که آقای خداداد در فرانسه به سر می‌برد بازرسی بانک متوجه این امتیاز ویژه به فاضل خداداد می‌شود و از قضا این اتفاق زمانی رخ می‌دهد که بدهی فاضل خداداد به بانک مبلغی نزدیک به همان طلب شخصی‌اش از بنیاد مستضعفان بوده و این موضوع برای هر جوینده‌ی حقیقت رابا پرسشی چالش‌برانگیز مواجه می‌کند که آیا ارتباطی بین طلب آقای خداداد و قرار گرفتن نام ایشان در نقش اول یک فعالیت اقتصادی و یا همین موضوع اختلاس وجود دارد یا

خیر یا آیا این فقط یک فرضیه است؟!

در اینجا نگاهی به نحوه تشکیل و رسیدگی می‌اندازیم، فاضل خداداد در فرانسه بود و تا زمان بازگشت فاضل خداداد به ایران که چند روزی به طول می‌انجامید بخش زیادی از بدهی به بانک توسط خانواده‌اش به بانک برگردانده می‌شود و بخش قابل توجه دیگری از این بدهی را هم خودش پس از بازگشتش به ایران بانک عودت می‌دهد و همچنین اسناد و وثیقه‌های کلانی که از طرف فاضل خداداد و خانواده وی در اختیار بانک قرار داشت ضمانتی شد برای بازگشت و عودت باقیمانده بدهی به بانک و وثایق و ارزش نقدینگی بالای آنها یکی از دلایل عدم بازخواست کارکنان بانک و فاضل خداداد بود همچنین پس از قید ضمانت بالا و نیز توقیف سهم الاث کلان پدري و ملک ۳۷۰۰ متری محل سکونت فاضل خداداد در خیابان فرشته فاضل تماماً انجام شده ایران را ترک می‌کند.

اما این فقط تصورات و ذهنیت فاضل خداداد بود و روزگار چیز دیگری برای فاضل خداداد در نظر داشت. در جریان رسیدگی به پرونده‌ای که به گمان وی رو به بسته شدن بود او بار دیگر و اینبار با ضمانت اکید شخص محسن رفیق دوست و همچنین ولی‌الله سیف رئیس وقت بانک صادرات مبنی بر فیصله و اتمام آسان و بی دردسر این پرونده برای رسیدگی مجدد به ایران باز می‌گردد.

در سال ۱۳۷۳ وی به اتهام تبانی با کارکنان بانک صادرات و مشارکت در یک اختلاس بزرگ با مبلغ ۱۲۳ میلیارد تومان بازداشت می‌گردد در همین راستا از دیگر بازداشتی‌های این پرونده مرتضی رفیق دوست برادر محسن رفیق دوست می‌توان نام برد. در این پرونده ۱۱۸ میلیارد تومان مربوط به گردش حساب‌های شخصی فاضل خداداد و ۵ میلیارد تومان هم مبلغی بود که مرتضی رفیق دوست در مدت ۱۱ ماه به همین شیوه و در همان شعبه بانک صادرات به گردش درآورده بودند، نکته بسیار عجیب این پرونده همین جاست، جایی که غلامحسین

محسنی اژه‌ای که قاضی این پرونده بود دستور می‌دهد تمامی وثائق و پرداختی‌های فاضل خداداد به حساب بستانکاران موقت بانک واریز شود تا ظاهراً هیچ مبلغی از بدهی‌های این پرونده با بانک تسویه نشده باشد در این بین افراد زیادی در گردش‌های مالی حساب‌ها نقش داشتند اما تنها بعضی از آنها در روند رسیدگی به پرونده به دادگاه احضار شدند یکی از چهره‌هایی که باید احضار می‌شد تا نسبت به چگونگی این اختلاس و یا گردش‌های مالی حساب‌ها شفاف سازی کند همسر مرتضی رفیق دوست بود که صاحب چک‌های او می‌شد اما هرگز این احضار اتفاق نمی‌افتد که احتمالاً نفوذ محسن رفیق دوست در موضوع شکل گرفته شده بی‌تأثیر نبوده تا شک آن وجود داشته باشد که احتمالاً قرار نبوده که همه متهمین این پرونده رابه طور یکسان مورد تحقیق و بررسی قرار دهند و یا در صورت مجرم شناخته شدن مورد مجازات احتمالی قرار بگیرند. موضوع دیگری که مطرح می‌شود اینکه در طی جلسات دادگاه فاضل خداداد مکاتباتی از جانب ولی‌الله سیف مبنی بر دریافت کلیه مطالبات بانک صادرات و حتی بازپرداخت مبلغی بیشتر از بدهی‌های فاضل خداداد به بانک با دادگاه مربوطه انجام شده حتی بخشی از این بدهی‌ها توسط حسن افراشته‌پور شریک و همکار تجاری او پرداخت شد و در جلسات دادگاه فاضل خداداد بارها و بارها به موضوع معامله زمین خریداری شده ز بنیاد مستضعفان و مطالباتش از محسن رفیق دوست و حوزه علمیه باقرالعلوم اشاره می‌کند که هیچ کدام از این اظهارات مورد توجه محسنی اژه‌ای که با توجه به قوانین دادرسی آن زمان خودش هم دادستان دادگاه بود قرار نگرفت و در نهایت بعد از کش و قوس‌های چندین جلسه‌ای در دادگاه فاضل خداداد به عنوان متهم ردیف اول پرونده شناخته می‌شود و به اتهام اخلال در نظام اقتصادی کشور به اعدام محکوم می‌شود و علی‌رغم مهلت قانونی ۳۰ روزه‌ی دادگاه برای تجدید نظرخواهی رای دادگاه بدوی بدون رسیدگی مجدداً تأیید می‌شود و فاضل خداداد در سحرگاه ۱ آذر ماه سال ۱۳۷۴ در زندان اوین و بدون اطلاع به خانواده‌اش اعدام می‌گردد جالب‌تر اینکه مرتضی رفیق دوست که

باب آشنایی فاضل خداداد و بانک صادرات را ایجاد کرده بود متهم ردیف دوم شناخته می‌شود و در نهایت هم به حبس ابد محکوم می‌گردد ولی پس از مدت کوتاهی مرتضی رفیق دوست به عنوان مامور خرید زندان انتخاب می‌گردد و به راحتی به بیرون از زندان تردد می‌کرده و بعد از حدود ۸ سال هم حبس ابدی که به او داده بودند با نفوذ برادرش بخشیده می‌شود و در نهایت در سال ۱۳۸۹ از زندان آزاد می‌گردد.

هرچند که بعدها محسن رفیق دوست در اظهارات خود عنوان می‌کند که به باور او در پرونده فاضل خداداد و برادرش یک جنجال سیاسی اتفاق افتاده و در زمان دستگیری، فاضل خداداد تنها ۳ میلیارد تومان به بانک بدهکار بوده و برادرش، مرتضی رفیق دوست، نیز تمام بدهی خود را تسویه کرده بود. او همچنین اشاره می‌کند که مجموع گردش حساب فاضل خداداد در طول این ماه‌ها ۱۲۳ میلیارد تومان بوده و به گفته رئیس دادگاه، میانگین مبلغی که طی این مدت از بانک خارج شده، تنها حدود یک میلیارد تومان بوده است.

ماجرا هرچه که بود، با اعدام فاضل خداداد به پایان رسید. اما حقیقت چه بود؟! سخنان محسن رفیق دوست پرسش‌های زیادی را برمی‌انگیزد و همچنان ابهامات فراوانی در این پرونده باقی مانده است. آنچه می‌توان با قاطعیت نتیجه‌گیری کرد، این است که این پرونده نیز، همچون بسیاری از پرونده‌هایی که در جمهوری اسلامی ایران رخ می‌دهد، پر از فساد و رانت‌های پنهان است که تا امروز همچنان بدون شفاف‌سازی باقی مانده‌اند، عدالت برقرار نبوده و شاید فاضل خداداد اعدام شد تا رازهای ناگفته و سوالات بی‌شماری را برای همیشه با خود به خاک بسپارد، سوالاتی که همچنان بدون پاسخ باقی مانده و حقیقت این پرونده را در حاله‌ای از ابهام نگه داشته است. همچنین می‌توان نتیجه گرفت مشکل دادگاه و جمهوری اسلامی ایران احتمالاً تنها مسئله مالی و اختلاس صورت گرفته نبوده و فاضل خداداد قربانی یک بازی سیاسی شده بازی که هر فرد دیگری می‌توانست در آن نقش آفرینی کند و می‌بینیم که چگونه اسم‌های

زیادی هرگز به دادگاه احضار نشده و نمی‌شوند و یا چطور کسی که سرمنشا و ایده‌پرداز تمام این بازی‌ها بوده به راحتی بعد از ۸ سال به طور رسمی از زندان آزاد می‌شود، فردی که شاید به طور نمادین و فقط برای ساکت کردن رقبای سیاسی و اذهان جامعه در زندان بوده است.



**بخش هفتم**

## فصل اول: فساد سیستماتیک در ایران؛ چرا برخوردی جدی صورت نمی‌گیرد؟

بررسی پرونده‌های فساد مالی گسترده در ایران، از افشاگری‌های عباس پالیزدار تا پرونده‌های کلانی مانند اختلاس در بانک‌ها، پروژه‌های عمرانی، نهادهای نظامی و مناطق آزاد، نشان می‌دهد که فساد نه تنها یک مشکل مدیریتی، بلکه یک پدیده ساختاری و عمیق در نظام حکمرانی کشور است. مسئله‌ای که دیگر نمی‌توان آن را به «تخلف چند مدیر فاسد» یا «اشتباهات فردی» تقلیل داد.

چرا فساد در ایران سیستماتیک شده است؟

### ۱- ساختار بسته قدرت و عدم شفافیت:

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات در ایران، نبود شفافیت در تصمیم‌گیری‌های کلان اقتصادی و سیاسی است. بسیاری از نهادهای نظامی و امنیتی، از جمله سپاه پاسداران، بخش قابل توجهی از اقتصاد را در اختیار دارند و به دلیل جایگاه ویژه خود، از نظارت مصون هستند. همین مسئله باعث شده تا بسیاری از مفاسد اقتصادی نه تنها شناسایی نشوند، بلکه در صورت افشاء، با برخوردهای جدی مواجه نشوند.

### ۲- نظارت ضعیف و نقش قوه قضاییه در فساد:

قوه قضاییه، که وظیفه اصلی آن مقابله با فساد و اجرای عدالت است، خود درگیر پرونده‌های

سنگین فساد بوده است. پرونده اکبر طبری، معاون اجرایی سابق این نهاد، تنها یکی از نمونه‌های فساد در سطوح بالای قضایی بود. این نشان می‌دهد که دستگاه قضایی، که باید با مفسدان برخورد کند، خود به بستری برای رانت‌خواری و زدوبندهای پشت پرده تبدیل شده است.

### ۳- مبارزه گزینشی با فساد:

در ایران، مبارزه با فساد اغلب جنبه‌ی نمایشی دارد. برخوردهای قضایی معمولاً به رقابت‌های درون‌حاکمیتی محدود می‌شود و تنها زمانی رخ می‌دهد که یکی از جناح‌ها قصد حذف رقیب را داشته باشد. به‌عنوان مثال، بسیاری از افشاگری‌ها علیه چهره‌هایی مانند محمودرضا خاوری، بابک زنجانی، یا مدیران فاسد بانک سرمایه، تنها زمانی رسانه‌ای شد که دیگر امکان لاپوشانی آن وجود نداشت. اما در موارد دیگر، که پای افراد نزدیک به قدرت در میان است، یا پرونده‌ها مسکوت گذاشته می‌شوند، یا متهمان با احکام سبک و حتی عفوهای ناگهانی مواجه می‌شوند.

### ۴- رانت‌خواری نهادهای نظامی در اقتصاد:

سپاه پاسداران، که از قدرت سیاسی و نظامی گسترده‌ای برخوردار است، در بسیاری از پروژه‌های کلان اقتصادی، از نفت و پتروشیمی گرفته تا فولاد، راه‌سازی و حتی خودروسازی، دخالت مستقیم دارد. این نفوذ، علاوه بر ایجاد انحصار، رقابت سالم اقتصادی را از بین برده و باعث شده تا برخی پروژه‌ها به افراد وابسته به این نهاد واگذار شوند. نمونه‌هایی مانند فساد در فولاد مبارکه و پتروشیمی، تنها بخش کوچکی از این چرخه‌ی معیوب هستند.

### ۵- عدم پیگیری و مصونیت مفسدان:

در بسیاری از کشورها، افراد متهم به فساد، محاکمه شده و مجازات‌های سختی در انتظارشان

است. اما در ایران، نه تنها بسیاری از مفسدان اقتصادی مورد محاکمه قرار نمی‌گیرند، بلکه برخی از آن‌ها بعد از مدتی به جایگاه‌های بالاتری نیز منصوب می‌شوند. به‌عنوان مثال، در پرونده‌های مناطق آزاد مانند کیش و قشم، برخی از متهمان نه تنها مجازات نشدند، بلکه در پست‌های دیگر مشغول به کار شدند. این مسئله باعث شده که فساد به‌عنوان یک (فرصت اقتصادی) برای برخی مدیران و مسئولان تلقی شود.

### • فساد، یک ابزار برای بقای قدرت؟

فساد مالی در ایران نه تنها نتیجه ضعف مدیریتی یا ناکارآمدی اداری نیست، بلکه به نظر می‌رسد که به یک ابزار برای حفظ و بقای قدرت تبدیل شده است. بسیاری از مقامات با ایجاد شبکه‌های اقتصادی درون ساختار حکومتی، به تقویت پایگاه خود پرداخته‌اند و از آن به‌عنوان سپری در برابر انتقادات و برخوردهای احتمالی استفاده می‌کنند.

تا زمانی که نظارت واقعی، رسانه‌های آزاد و قوه قضاییه مستقل در کشور وجود نداشته باشد، برخورد با فساد تنها به شکل نمادین و مقطعی انجام خواهد شد. در این شرایط، فساد نه تنها کاهش نخواهد یافت، بلکه به‌عنوان یک (الگوی حکمرانی) در میان مسئولان نهادینه خواهد شد، الگویی که در نهایت، باعث سقوط اعتماد عمومی، بحران‌های اقتصادی عمیق‌تر و تضعیف هرچه بیشتر ساختار حکومتی خواهد شد.

## سخن پایانی

آنچه در این کتاب آمده، حاصل تحقیقاتی است که عمدتاً از منابع کتابخانه‌ای، آرشیوها، اسناد رسانه‌ای و گزارش‌های رسمی استخراج شده‌اند. من چیزی را (کشف) نکرده‌ام؛ حقیقت آن قدر عریان و تلخ در برابر چشمان ماست که تنها کافی است نخواهیم از آن روی برگردانیم. اگر نوشتیم، نه برای آن بود که ادعای نوآوری کنیم، بلکه از سر وظیفه انسانی و تعهد به سرزمینی بود که از حکومت فعلی آن آسیب دیده‌ام؛ سرزمینی که نسل من در آن توان آزادی اندیشه، حق‌طلبی و پرسشگری را با سرکوب، تبعید و گاه مرگ پرداخته است. تمامی مستندات این کتاب، از دل ساختار رسمی بیرون آمده‌اند؛ از پرونده‌هایی که یا در نیمه راه بایگانی شده‌اند، یا سرانجام‌شان به نفع (خودی‌ها) تغییر کرده است. در هنگام پایان این کتاب، بابک زنجانی آزاد شد، همان متهم میلیارد دلاری، حالا بی‌هیچ پاسخ‌گویی دوباره به صحنه اقتصاد بازگشته است و البته موارد مشابهی در شرکت کروز و پرونده‌های دیگر نیز اتفاق افتاده. متأسفانه فساد هر روز در جریان است و عدالت را قربانی می‌کند. این فقط یک نمونه است از نظمی که فساد را مدیریت می‌کند، نه ریشه‌کن. و اگر این کتاب چیزی دارد، همین است: یادآوری، ثبت و تأکید بر حقیقتی که فراموش شدنش هدف حاکمیت است.



آثار منتشر شده از انتشارات دگرگون

## کتاب‌های منتشر شده از انتشارات دگرگون

### مجموعه شعر:

۱. واو احتمالی / سعید حسن زاده
۲. ساعت تمرگیده / حمید نوروزی
۳. پیامبری که می‌رقصد / پروا غیاثوند
۴. زایمان زالو / مجموعه هایکو / خیرالله فرخی
۵. سقط جنون / امیرحسین لاجوردی
۶. پشت ابرها جایی نیست / حسین قنبری
۷. مخاطب گریزپا / رجب بذرافشان
۸. حرکت و سکون ابژه "با جستاری بر بدن بدون اندام" / مهتاب رشیدیان
۹. هجایی از سیب‌های سرخ / علی مرشدی فهیم
۱۰. مردهایی برای پرت شدن / رضا خوشوقت املشی
۱۱. ساری / رجب بذرافشان
۱۲. نور در تبصره / فرشاد حجتی
۱۳. زنی به ناگاه / الهام پاینده
۱۴. بوتیمار و یم ۲ / محمدرضا فتاحی
۱۵. غ / فرهاد زارع کوهی

## مجموعه داستان:

۱. دربان فاحشه‌خانه / علی نوروزپور
۲. نامش منصور بود، حلاجی دیگر / مریم کاکایی
۳. آخرین نخ مارلبرو / حامد شهیدی
۴. کودکان هم عاشق می شوند / احد احدی مقدم
۵. راز پرومته / صدیقه کیانی
۶. هزار نامه‌ی عاشقانه / مجموعه نامه‌ها / احد احدی مقدم

## رمان:

۷. ملوک خانوم / منوچهر افشاری
۸. تُرنج / هانا صدیقی
۹. سمفونی هراس‌ها / صغرا فرهادی
۱۰. بابا سلیمان / هانا صدیقی
۱۱. دیدار در جهان موازی / عاطفه حسینی‌الست
۱۲. تراس / حامد شهیدی
۱۳. شهر خرم / رامین احمدزاده
۱۴. با آن دیگری / فرخنده هاشمی
۱۵. سال‌های بدون من / مریم صیادآموز

## ترجمه:

۱. ازدحام پروانه های زرد / علی نوروزپور
۲. پرتره ازدواج / زهرا نظری، الهام مرادی

## پژوهش و تحقیق:

۳. آزادی رها شده / تحقیق آزادی اقتصادی / دکتر بهمن مقیمی
۴. بی جنس / فلسفه / امیرحسام کشفی
۵. نقد مکتب فرافمینسم / تئوری / زینب نوروزعلی
۶. شعر اگر معنا دهد، خاک به سر دان او را / پژوهش ادبیات "انگلیسی و فارسی" /  
عماد جعفری پور
۷. بررسی تطبیقی زبان شاعرانه در شعر پروین اعتصامی - فروغ فرخزاد - رباب  
محب